



بازرسی شد
۲۶ - ۲۲

بازدید شد
۱۳۸۵

۱۰۷۸۴
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب سجده الشکر والفعل منها
مؤلف: محمد بن علی بن حسین شاهرودی
موضوع: شاره قفسه
۱۲۷۹۹
۸۷۲۸۴

خلفی - فهرست شده

۱۳۷۹۹

۳۶

بازرسی شد
۲۶ - ۲۷

بازدید شد
۱۳۸۵

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30

۱۰۸۴۵-۳

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: حجة الشهداء

مؤلف: علامه محمد علی بن حسین شاهر

موضوع: شاره قصه ۱۳۷۹۹

شماره ثبت کتاب: ۸۷۲۸۲

۱۰۱۲۵

شکل فهرست شده
۱۳۷۹۹

۱۰۸۴۵-بی

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: سجدۃ الشکر والقول فیها

مؤلف: محمد میرزا علی بن حسین شاه

موضوع: شماره قفسه ۱۳۷۸۹

شماره ثبت کتاب: ۸۷۲۸۲

۱۰۱۲۵۴

بازرسی شد
۲۶ - ۱۲

بازرسی شد
۱۲۸۵

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

<http://fb.com/ranajabirabbas>

Handwritten text in a circular arrangement, likely a manuscript or a collection of poems. The text is written in a cursive script, possibly Urdu or Persian, and is arranged in a circular pattern around a central point.

Handwritten text in a rectangular arrangement, likely a manuscript or a collection of poems. The text is written in a cursive script, possibly Urdu or Persian, and is arranged in a rectangular pattern.

وَأَحْسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَنَجَّيْتَنِي مِنَ الْهَلَاكِ اللَّهُ عَلِيمٌ أَمَّا بَعْدُ فَقُلْتُ
 مِنْ أَعْلَانِي أَيْمَنُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْمَطْلُوبَ نَاشِئًا إِلَيْكَ
 يَا كَوَالِيكَ عَلَى نَفْسِكَ لَا تَعْلَمُكَ لَهْلَكُكُمْ مَا يَدْعُو الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْكُمْ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا بَوَالِكَ عَلَى نَفْسِكَ لَا تَعْلَمُكَ لَهْلَكُكُمْ مَا يَدْعُو الْمُؤْمِنِينَ
 إِلَيْكُمْ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ
 اللَّهُمَّ بَعْدَ الْعُسْرِ لَنَا مَقَرٌّ خَيْرٌ مِنْ الْأَرْضِ عَلَى الْأَرْضِ وَتَقُولُ يَا هُوَ
 تَغْنِي الْمَدَاهِبَ وَتُضَيِّقُ عَلَى الْأَرْضِ مَا رَجَبَتْ وَيَا بَارِي خَلْقِي خَيْرٌ
 لِي وَكَنتَ عَنْ خَلْقِي خَيْرًا مِمَّا عَلَّمَ خَلْقِي وَالْخَيْرُ عَلَى الْمُتَّقِينَ مِنْ الْخَيْرِ
 نَدَّيْنَاهُ تَصْعَقُ خَدَّيْكَ لَا تَسْجُدُ الْأَرْضُ وَتَقُولُ يَا مَدِيلُ عَلَى جِبَارٍ وَيَا مَدِيلُ
 كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَجَّهْتَكَ بِلُغَةٍ فِي جَهْدِي نَدَّيْنَاهُ تَصْعَقُ خَدَّيْكَ وَتَقُولُ مَا نَدَّ
 تَرْتَقِي نَفْسُكَ نَدَّيْنَاهُ خَدَّيْكَ أَنْتَا اللَّهُ وَدَحْنُكَ كَالصَّغِيرِ مِنْ قَوْلِ
 أَضْعِفْ اللَّهُ وَكِلْ حَضْرَتُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَوْ تَحْفَظُ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْهِمْ فَتُؤَدِّهِمْ أَنْدَكَ وَرَبِّهِمْ شُكْرُ مِيكُويد وَشَيْخَانِ جَنْبَيْنِ رَوَيْتَ كَرَامَةً
 لَهُ عَبْدُ اللَّهِ كَفْتُ عَنْ مَوْذُوهُمَ أَنْ يَدْعُو جَنْبَيْنِ رَبِّهِمْ شُكْرُ مِيكُويد جَوْنِ أَشْأَلُ
 مِنْ هَرَبِكَ دَعَايَ وَذَكَرِي مِيكُويد غَيْرَ تَحْتَهُ دَلِيلِي مِيكُويد حَضْرَتِ فَتُؤَدِّهِمْ
 كَرَجُونِ رَسْمِي رَوَيْتَ دَعَايَ جَوْنِ أَنْ تَدْعُو جَنْبَيْنِ رَبِّهِمْ شُكْرُ مِيكُويد جَوْنِ أَشْأَلُ
 كَوَا مِيكُويد وَفَرَسْتَ كَانِ وَيَا بِي وَرَسْلَانِ تَرَايَا هَجْرَ تَوَا فَرَسْتَ كَوَا مِيكُويد
 جَدَا وَتَدِيرُ وَرَدَكَ مِنْ وَاسْلَامِ دِينِ مَنْتَ وَحَضْرَتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 مَنْتَ وَحَضْرَتِ ثَمَرِ مَعْصُومِينَ عَمَامَا مِنْ أَنْدَكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَأَوْجَاهُ
 وَفَوَايَا بِيَانِ دَامَ وَإِنَّا نُوَا مَامَا وَشَيْوَايَا خُودِ مِيدَانِ وَأَزْ
 وَشَمْنَا إِيْشَانِ بِيْدَارِمْ بِيْسِ سَهْرَتِيْهْ بَكُويد لَهُ خَدَاوَالِ الْأَرْضِ سَوَالِصِكُمْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا أَنْبِيَاوِ الْمُرْسَلِينَ
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَتَرَةِ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ
 فِيهَا إِنْ بَابُتْ دَرْجَانِ سَجْدَةٍ شُكْرٍ وَفَضَائِلِ أَنْ دَعَا هَاهُنَا مَقُولُ
 دَرَانِ بَايْدُ خَوَانِ وَأَيْنِ سَجْدَةٍ أَنْخَضَائِصِ شَبْعَةٍ أَسْتِ وَيَا أَنْدَكَ رَجَبِي
 مَعْبُودِ أَسْتِ عَلِيٍّ غَيْرِ شَبْعَةٍ تَرَا مِيكُويد بَا أَنْدَكَ أَنْشَادُ رَفِيعَةٍ أَسْتِ بَايْدُ
 دِينَ حَقِّقْ زَانِي تَرَا كَرْدَهُ أَنْدَا تَابَعِ شَبْعَةٍ نَبَا شَرْدُ دَوِي عَقِيدَ اللَّهِ رَجَبِي
 عَنْ مَوْحِي بِنِ جَعْفَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا اللَّهُ قَالَ يَقُولُ فِي سَجْدَةٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ
 أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُكَ مَا كُنْتُكَ وَأَنْبِيَاوُكَ وَرَسْلَانُكَ كَيْفَ خَلَقْتَ أَلَيْكَ اللَّهُ
 وَالْإِسْلَامُ دِينِي مُحَمَّدٌ نَبِيٌّ وَعَلَيْكَ وَالْحُسَيْنُ وَنَجَّيْتَنِي مِنَ الْهَلَاكِ وَعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ وَنَجَّيْتَنِي
 مِنَ الْهَلَاكِ وَنَجَّيْتَنِي مِنَ الْهَلَاكِ وَنَجَّيْتَنِي مِنَ الْهَلَاكِ وَنَجَّيْتَنِي مِنَ الْهَلَاكِ

عجیب خورک ناخوش بخت حسین مظلوم شهید و سرتیبه میگوید خداوند
ترا میخوانم و قسم میدهم که بحق آن وعده که کرده و بر خود لازم کرده
لست بدشمنان خودت که ایشان را هلاک کنی در این دینهای ما و این
مؤمنان و این جمله اعدا و دکانی و مقید نیست با آنکه سنده
یک سستیس سرتیبه میگوید که خداوند از تو سوال میکند و قسم میدهد
بحق آن وعده که بر خود لازم ساخته از آنچه بدو استانت که ایشان را
ظفر دهم بدشمن خودت و دشمن ایشان که صلوات بر محمد و آل محمد
است آنکه ایشان را خافند و این واسطه خود کرده بنابر فرقه شیعه میگوید
ایشان طلب نموده اند از تو که خافند و تو ایستاده ای تا فرقه شیعه
چنانکه ظاهر است و در تعذیب و کافرتی نیست در این ظاهر نیست
اما بعد هر دو متعاقد است خداوند از هر دو سستی که از تو سوال میکند که ایشان
که امتیعی بعد از این دشواری و عسر و حرج که داریم و همین عباد را در سه
مرتبه میگوید پس طرف است روزی نه همین میگذاری و سرتیبه میگوید
ای پناه من در وقتی که از همه دشمنان و زمین با این فرقه که دارند
تنگ شود و پناهی نداشته باشم پناه منی وای خداوندی که مرا از این
و از روی محبت و بی نیازی از من و از این دین من بلکه در حق بزرگوار
که جو خود را شاعل حال من گنجی که در حدیث فرموده من ضلوع و است
که من کردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بزرگواران خودی کنم
صلوات بر محمد و آل او فرست و در هر کافرتی و آل محمد و محمدیاید
بدان و هست که بر محمد و بر محمد که خافان دین واسطه میزند از آل محمد
و این مجموع راسه مرتبه میخوانی احتمال دارد که مراد این باشد که صلوات

سمرقند بگوید و در هر کتاب ثنائیت که خطاها را بدین چون هم چنان
سمرقند میخواند پس طرف چپ و در این زمین میگذرد و سه مرتبه میگوید
ای خوار کننده هر چنان است که از وی عزت نکرده و زلیل مقدار قسم
نیکو است بخورم که طاق من مطلق شده است و دیگر تاب نداری پس
مرتبه دیگر کوفتی را میگذارد و ناد و سجده شود و این مرتبه صد مرتبه شود
میگوید شکر یعنی شکو میگویم ترا بگری که تو سر او را زان پس حاجت که
داری طلب میکنی اگر حق بجانب و واقعی خواهد بری اگر در خلاف تو اگر
خدا خواهد و ظاهرا محض ترین و تریک باشد بدو و من شرطی بخانه که
گرفت و چون این روایت تمام بود در میان هر سجده و بقیه با بقیه
باجس نرسیدن را مقدم داشت و لا شکر سجده الشکر عند الخائف
و استعمال التَّعَبَةِ فی تَرْكِهَا و سجده شکو مکن نزد سیستان و فقهه میگوید
ترك آن چون فقیه واجب است با او اگر در بعضی سده سنت است فقیه
و همچنین احتیاطی ضعیفی باشد ضرر و اگر سجده کند تقصیر حدین نکرده چون
فقیه درین پیشتر است و بجزی عامه قیلند بسجده شکر این آنکه قایلند
ضرر رساند به چون شاعر میفرماید و روی بهم این ای خجسته قائلند
أَبَى الْحَسَنِ مَوْحِي خَوْفٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَأَقْدَسُ سَجْدَةٍ بَعْدَ التَّكْبِيرِ
مِنَ الْمَرْبِ فَقَالَ لَهُ جَعَلْتَ قَدْ أَكْرَمْتَكَ سَجْدَةً بَعْدَ التَّكْبِيرِ
فَقَالَ وَارْتَبَيْ فَقَالَ لَمْ قَالَ فَلَا تَنْعَمَ فَإِنَّ التَّمَاءَ فِيهَا سَمٌّ
و كَأَنَّ مَقُولَ رَبِّهِمْ وَ در بعضی از نسخ بهم مظهر است و همچنین ازین
و در بعضی نسخ بدین را بی چهارم است و این اختلاف خواهد آمد و در
اسانید کتاب و همچنین این اختلاف بخاشی ذکر کرده است در بعضی

حدك ۱۰

[illegible]

میکردند

سندی شہادک بامر

۲۹۴

بغير انراوی خداوند من و ترجمه دعای معین بفرست که بخشاید که بد کرد و دست
و گناهان کرده است و توضیح و نزاری بدرگاه تو آمده است و اعتراف
بگناهان خود میکند و امثال این سخنان را معصوم یا از حقه تعلیم نشا
است از گناه کاران و بابا و پل بعد است که چون ایشان را مقام
چند هست که ملک مقرب و بیخ و سل دران مقامات کجایش ندانند پس
اگر بحث مصالح عالمان از ان مقام بمقام الله یا فی الله یا علی الله در آیند
خود را صاحب معرفت میدانند با لنبی که ک حسنات لا یبرهنونها
المقرین و نسبت عصمت بفرج یا من خواست که چون بواسطه نظام
نوع و تحقق خبر الهی که اَنَا اَعْطٰی اِنَّ الْکُتُبِ مِی آید است که اولاد اخف
بسیار شود ان مقام را مع الله که باین مقام الله می آید و اند و مشغول
جام میشدند کوبا که ان عظیم کرده بودند در دفع خود را یعنی باین
تجربه کرده ام در مقامات بستی که امثال اها را و میداد که او را بجا آید
با الهی بسیار است می خواسته ام که خود را بکشم و دیگر عیادت آید
دستگیر میشد که چه فایده دارد گرفتن چنین امانا و پل اولی ظاهر
از جهت تعلیم را وی گوید بلکه عالمان فرموده باشند و هر دو یکست
نیست با شخص و اگر کسی نازک و نه باشد عصیان بفرج صادق است که
کرده است در این چنین و هیچ یاد بر بسیاری جماع اگر چه بحسب ظاهر
باشد ولیکن بسیار است از طلب علم و کمال است باز مانده است و چون
در باقی و روی عین الرحمن ان السَّحَابِ عَنِ الْعِزَّةِ لِلَّهِ صَلَواتُ الله
علیه و آله من سجد سجدین الشکر و هو مسموع کتب الله که می آید
صلوات و من عی عشر خطا با عظام و پسند صحیح با حسن کالصالح

از عبد الرحمن از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرموده اند
که هر یک سجده شکر کند با وضو حق بجا آورد و بعد بنویسد آنچه از ده نماز
یاده دست عظیم و بخون کند نامه اعمال شده که کبیر و ولایت است که
سجده و با وضو کند و اگر وضو نداشته باشد وضو نیاید
و با وضو واقع سازد و ظاهر نیست تواند کرد که وضو میسازم از سجده
قرین الله و اگر قصد رفع حدیث با استنابا حتمی و ط با الطهاره را
منقسم سازد بی دغدغه تریاست و در حدیث صحیح تحریف صلوات علیه
که فرموده اند که هر یک سجده شکر گفت آهی بخا آورد در غیر نماز حق سبحان
ده حسنه در نامه اعمال بنویسد و ده سینه بخون کند و ده درجه اول
در بهشت بدست کند و در صحیح از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
منقولست که هر که در رکوع و سجود و قیام بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
اَلْحَمْدُ ثواب سجده و رکوع و قیام دیگر در نامه اعمالش نوشته شود
و در حدیث صحیح دیگر از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله منقول
که فرموده اند که هر یک سجده بکند یک کنه او محو شود و بیست و چهار
او بلند شود و می گفت که اختلاف فحسب شفا حاصل باشد و آنکه خصلت نامه
و درجه مراد باشد و آنکه برابر باشد باره و الله تعالی علم و سَلَامٌ عَلَیْهِ
سَعْدًا لِمُضَاهَا صَلَواتُ اللهِ عَلَیْهِه سَجْدَةُ الشُّكْرِ فَقَالَ ارَى اَحْبَابًا مِّنَ الْمَلَائِكَةِ
بَعْدَ لِقَائِهِ سَجْدَةً وَاحِدَةً وَيَقُولُونَ هِيَ السَّجْدَةُ الشُّكْرُ فَقَالَ اَيُّهَا الْمَلَائِكَةُ
اَيُّهَا النَّاسُ اَللّٰهُ عَلٰی عِبَادِهِ اَنْ يَقُولَ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ
مُشْكِرِينَ وَاَيُّهَا الْمَلَائِكَةُ لَقِّنُوهُمْ وَاَحْمَدُهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ روایت کرده است
شیخ بسند صحیح از سعد که گفت سؤال کردم از حضرت ابی الحسن علی ابن

برای قضا صلوات الله علیه از سجده شکر حضرت فرموده اند که سجده بیست و چهار
من گفت که ما بعد از نماز واجب یک سجده می کنند و میگویند که این سجده
شکر است یعنی شکر از توفیق عبادت حضرت فرمودند که شکر است
که چون حقیقتی و تعالی انعام کند بر بنده اش بنده بخواند این آیات را
که ترجمه اش نیست که یا الله و منزه است خداوند بیک این نعمت را محروم
کرد و چنان کرد که باستانی بنماید و ما را یکجا طاعت و قدرت این بود
که این نعمت را تو انیم بهم رسانیدند و بدستی که بسوی پروردگار خود
رجوع خواهیم نمودن همه و جمیع محمد و شاهان مخصوص خداوند است
که بر پروردگار ما این است و ظاهر هر عرض صدوق از نقل این حدیث
آنست که چون حضرت یقین فرمودند درین حکم برمانند لازم است که
در یقین حکم کنیم بلکه این حدیث را بخوانیم و سجده بجا آوریم و در حضور
چنانکه در حدیث قوی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام وارد شده است
که فرموده اند که هرگاه یا دینی نعمت خدا را بر خود و جانی باشی که سستی
ند بیند و پس روی خود را بر زمین و اگر در میان سبستان باشی پس دست
خود را بر این شکم خود گذار و پشت خود را بر زمین بگذارد و بوضو و فروتنی
نزد حق بخانه و تعالی ظاهر میسازد که گویا شکست در میسازد بنابر
که میسوزی و ازین حدیث ظاهر میشود که سنت است سجده شکر
نزد لرغبت و دفع بلا نیز لغت است و اجبار بسیار وارد شده است
از حضرت سید المرسلین و ائمه معصومین که سنت است این سجده
با تعقیب بعضی نماز و سجده و لغت و دفع لغت و بعد از نماز نیز از این سنت
که چون حق سبحان و تعالی توفیق کرامت کرد که نماز بجا آوریم سجده

ایشان شکر این نعمت بکنم چنانکه در حدیث کا لقیح از حضرت امام رضا
صلوات الله و آله آمده است که فرمودند که سجده بعد از نماز است
که حق سبحانه و تعالی بنده را توفیق دای قرض کرامت فرموده چون سجده
روا قلا سرشته بگوید شکر الله پرسیدند که این کلمه هر صبح از روضه
فرمودند که معنی آن ایست که شکر میکنم خداوند خود را برین نعمت که
توفیق خدمت خود کرامت فرمود که دای قرض و کرم و شکر بیاید
نعمت است چنانکه فرموده است که بذات خودم قسم که اگر شکر کنم
مراجعا آوردمین نعمت را زیاده گردانم و اگر در نماز تقصیری باشد این
سجده تدارک و جبران میکند و در موقوف کا لقیح از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله منقول است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله
در سفری بر شتری سوار بودند ناگاه برآمدند و پیچ سجده کردند پس
چون سوار شدند گفتند یا رسول الله دینم کاری گردید که بخش
ازین هرگز نگذرد بودید فرمودند که جبرئیل را بران آمد و بشمارها آورد
از حق سبحانه و تعالی پس من سجده شکر کردم بجهت صبرتاری یک سجده
و ایضا فرمودند که هرگاه یکی از شما را بخاطر رسد بختی از نعم آسمانی
که روی خود را بر خاک گذارد بشکر ازین نعمت پس اگر سوار باشد بریزد
و طوف و در بر خاک گذارد و اگر پیاده باشد و طوف و در بر پیشین
گذارد و اگر نتواند دست خود را بر طوف و گذارد و حمد کند حق سبحانه و تعالی
بران نعمت و مثل حدیث سابق از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله
علیهما نیز وارد شده است و اخبار دیگر از حضرت صلوات الله علیه در
شکر منقول است پس انکار و تحاکی که فرموده اند از حقیقت است چون گفته

اخبار بکه از حضرت پرسیدند در میان بود همیشه سیدان بسیارند
مجلس از حضرت صلی الله علیه و آله و سلم میبودند بنابرین اکثر اخبار از حضرت
از روی تقریر وارد شده است چنانکه گذشت و روی تحقیق از حضرت
ای عباد الله صلوات الله علیه قال کان موسی بن حران صلوات الله
علیه اذ اهل کربلا یقربون اهل بیت الله علیه الا بمن بالارض و خذوا الا کثر
بالارض و در موقوف کا لقیح منقول است از حضرت صلی الله علیه و آله
که فرمودند حضرت موسی علی نبیا و آله و علیها السلام چگونه از نماز فارغ میشدند
و از جای خود بکای دیگر میرفتند تا طواف است و در بر زمین میسایند
و عجین طرف چپ روی بر زمین میسایند و در عرض طرف راست
ظاهر نیست که میسایند خاک برسد تا بسایه محض و رسانیدن
و گذشتن بر زمین کافی نیست باین اکتفا نمیگردند هر چند اهل
مراستما استجاب بفعل آمدن چنانکه ظاهر بعضی از اصحاب است و در
بعضی ازین حدیث را ذکر کرده است و قماش کتب که روایت
کرده است از تحقیق آنکه که گفت شنیدم از حضرت صلوات الله
علیه میفرمودند چهل صباح یا ای صبح یا صبح و برزیده از او نیست و
نیامد حضرت موسی علیه السلام پس از حضرت بر کوهی از کوهها
بالا رفت که آن کوه را از حیاء گفتند و گفت خداوند آنرا ندانند
سلام خود را ازین باز داشتند از کاهان بنی اسرائیل است
پس آن عرض توفیق نیست و همیشه از بندگان خود خصوصاً
اربابان عفو کرده و همان امید داریم که در کتب بی خطا است
با و که یا موسی یا خدا اینکه چرا تو برگردیدی از بند خود و کار خود

و غیر تا این روایت نکرده اند این اسل را می گویند که گفت بعد از آن پس خطای سید
 که با موسی رجوع نظر بجای خود کرد و ندیدم کسی را که تواضعش نظر
 از تو نیست ترا نباشد اینچنین تو را مخصوص گردانیدم بوسی و کلام خودم
 پس حضرت فرمودند که چون حضرت موسی غایب گردیدند بجای دیگر رفتند
 تا طرف راست رو و طرف چپ رو را بر زمین ششجانبه نمایند و قائل
أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيَّ مَوْحِي
بَنَ عَمْرَانَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ يَكُنَا نَصِطُكَ بَكَا لَمْ يَكُنْ
خَلْقِي قَالَ مَوْحِي لَا يَأْتِيكَ قَالَ يَا مَوْحِي إِنِّي قَدْ كُنْتُ عِبَادِي كَهْفًا
لِبَطْنٍ فَلَمْ أَجِدْ فِيهِمْ أَحَدًا أَذِلَّ نَفْسًا فِي عَمَلِكَ يَا مَوْحِي أَتَاكَ إِذَا
صَلَيْتَ وَضَعْتَ خَدَّكَ عَلَى التَّرَائِبِ روایت کرده است
 در صحیح از ابن عباس از علی بن یقطين از شخصی از حضرت امام باقر
 صلوات الله علیه که حق سبحانه و تعالی وحی فرمود بحضرت موسی
 که ای امیدانی که ترا بر گردیدم و یکدم خود کردم و غیر ترا کلام خود نکردم
 یعنی این اس را می گویند با مقتصدان حضرت گفت بعد از آن ای پروردگار
 خطاب رسید که نام موسی را می گویند که من بنده آن خود را بپشت رو
 کردم یعنی میدانستم با ما معامله از ما میزد که آن با ایشان کردم بنا قسم
 احدی را که ذلت و خواری او بدیده که من پیش از تو نباشد یا موسی چون
 تو تمام می کنی هر دو طرف رو را بر خاک می گذاری و شک نیست که خدا
 بر خاک محض گذاشتن اینها است بلکه پیشانی و طرفهای پیشانی اینها
 و بعد از آن بر مری و امثال آنکه ساخته باشند زیرا که آنها را از خاک
 میگویند و بعد از آن بر سنگ و بعد از آن بر ما بقیم السجود علیه السلام

9

و بعد از آن

که من دوست میدارم قرض و زاری و را و چون حاجتش برآورده
تو ترک میکند دعا را و از آنجمله که منقولست در هیچ از بر خطی که بخودت حضرت
امام ابو الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه عرض نمودم که
خدای تو کردم بدیستی که حاجت دارم که چند سالست که از حق سبحانه و تعالی
میطلبم و از ناخیری که شده است در دلم چیزی درآمده است و
دور نیست که بخاطرش بیدار باشم که نوم روی نزد حق سبحانه و تعالی
که در بندت حاجت برینا مدایس حضرت فرمودند که ای احمد زبهار
که شیطانی بخود راه که مباد از ترا از رحمت الهی نا امید گرداند و این معنی آنست
و حق سبحانه و تعالی فرموده است که نا امید غیشوند از رحمت الهی مگر جمعی
که فریادند بدیستی که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند
بسیار است که مومن از حق سبحانه و تعالی چیزی طلب میکند و حق سبحانه و تعالی
چیز را با و در میرساند چون دوست میدارد صدای و را تشویع و ناله
و ناله و زاری پس فرمودند که والله که آنچه حق سبحانه و تعالی از او بخواهد
میفرماید خیر ایشان در نیست و دنیا چه باشد که حق سبحانه و تعالی بخواهد
خاید بگویم بدیستی که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه بسیار فرمودند
که میباید که دعای مؤمنان در حالت لغت و بخل باشد دعای ایشان
نباشد در شدت و بلا چنان نباشد که چون بایشان عطا کنند
مطلب ایشان راست شوند دعا ترک کنند از این زبهار که فیض
ملال و دلگیری بهم نرسد از دعا کردن چون دعا نزد حق سبحانه و تعالی
برتر عظیم و برتر باد که هر کس با راستی بشار خود سازد و طلب حاجت را
کمی و زینهار که ما مردم نزاع و جنک میکنیم آنچه دنیا بدیستی که ما اختلاف

که در میان

لَا مَتَابَعَةَ عَلَيْكَ وَتَرَكْتَ مَعْصِيَتَكَ فِي أَهْلِ الْأَشْيَاءِ الْمَلِكِ وَهُوَ
 أَنْ ادْعُو لَكَ وَلَكَ وَادْعُوا لَكَ شَرِيكَكُمْ مِنْكَ عَلَى كُنْزِ مَتَابَعَةِ
 عَلَيْكَ وَعَصِيَتِكَ فِي أَهْلِ الْأَشْيَاءِ عَلَى غَيْرِ رَجْعِهِ مَكَارِهِ وَكَعَاذِهِ
 وَلَا اسْتِكْبَارٍ عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا جَهْدٍ لِيُؤْتِيَتِكَ وَلَكِنْ لَأَنْتَ
 هَوَايَ وَاسْتَرْزَلْتَنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ عَلَيَّ وَالْبَيِّنَاتِ الْمُرَوِّاتِ
 فَإِنْ تَعَذَّرْتُ فَيُعَذِّبُنِي غَيْرَ ظَالِمٍ لِي وَإِنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَ فَيُغْفِرُ
 وَكَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَمِنْ قَوْلِكَ لَهُ أَنْ تَحْفَظَ صَلَواتُكَ
 عَلَيْهِ دَرَجَتِي مِنْ دَعَا رَاسِخُونَ نَدُّوا وَطَاهِرِينَ أَنْتَ كَمَا دَرَجَتِي شَدِيدٌ
 مَجْنُونٌ بَاشْتِ نَجْوِي دَرَجَتِي نَمَازِ عَائِلَتِي تَحْفِيفُ مَغْفِرَتِي
 غَالِبٌ نَمَازِ مَجَامَعَتِي وَاقِعٌ مِلَّةِ ائِمَّتِي وَتَرْجِمَةُ شَيْئِ لَيْسَ كَمَا خَدَّ
 أَلْكَرْصِيَانِ نَوَكْرَدَةِ امِّ امَّا اطَاعَتِ كَرْدَةِ امِّ تَرَادُجِي وَنَكْرَدَةِ امِّ
 جَنَرِهَا سَتِ بَنَزْدُو أَنْ اِجْمَانَ بَتَوَاسُتِ كَلَامِ اِئْتِقَادِ دَارِ امِّ اَنْكَ وَتَ
 الْوَجُودِ بِالذَّائِقِ وَيَكَانُهُ دَرَجَاتِ وَصِفَاتِ وَتَقْدِيرِ وَتَكْرُرَاتِ
 نَيْسَتِ وَاعْتِقَادِ دَارِ امِّ كَهْمُ دَرَجَتِي اَللَّهُ عَلَيْهِ وَاللَّهُ بَرَسَاتِ مَغْفِرَتِي
 وَاهِ اَنْشَاءِ عَشْرِ كَلَامِ مَعْمُومَةٍ تَوَاسُتِ اَنْ اَمَامَتِ مَقَرِّ مَغْفِرَتِي وَ
 اِعْتِقَادِ دَارِ امِّ جَمِيعِ اَلْحُجَّةِ بِيَعْمُ بَرَقُوا اَنْ خَيْرِ دَارِ اَمَامَتِ اِنْ اِعْتِقَادِ
 حَقِّ اَلْعَامِ نَيْسَتِ وَتَرَا سَتِ مَتِ بَرَمِنْ وَمَغْفِرَتِ نَدَامِ بَرَقِ كَلَامِ
 بَتَوَاسُتِ اَمِّ اَللَّهُ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ
 نَيْسَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ
 بَرَمِنْ جَنَرِهَا بَسُو تَوَاسُتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ
 دَاشْتِ بَاشِي وَدَرِغَتِي نَيْسَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ اَنْ اَمَامَتِ

عليه السلام که مرکه خفگی بگوید یا رب تا نفسش منقطع شود خطاب با او میسر
 که لبت چه حاجت داری و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که
 هر که ده مرتبه یا رب بگوید خطاب با او میسر که لبت چه حاجت
 و اگر ده مرتبه بگوید یا الله میگوید لبت چه حاجت داری و اگر بگوید
 یا الله یا ربی تا نفسش منقطع شود حق سبحانه و تعالی فرماید که سلو
 کن چه حاجت داری و اگر بگوید یا رب یا الله تا نفسش منقطع شود
 با او میگوید لبت چه حاجت داری و فرموده اند که حضرت شیخ
 یحیی چون مسکنت یارب یا الله از آسمان نازل میسید که ای محیی لبت
 حاجت را طلب کن و از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمود
 که نام هفت یا دوزخ برآید و بنده بایستد و سه مرتبه بگوید
 آئی رَبِّ اَحْتَرَبْ اَحْتَرَبْ اَحْتَرَبْ اَنْ اَلَا اِی سِرْوَن اَمِ سِرْدِ کَلَامِ
 چه حاجت داری و فرموده اند که چهار ده مرتبه بگوید یا الله ند
 میسید که سوال کن چه حاجت داری و فرموده اند صلوات الله علیه
 فرموده اند که هر که بنده بسجده رود و سه مرتبه بگوید یا الله یا رب
 یا سید یا حو سجده و تعالی فرماید که لبت ای بنده من چه حاجت
 داری بطلب و از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که شیخ یحیی
 سید عالم سلین صلوات الله علیه و الله اکبر گفت یا رسول الله که ها
 من بسیار است و عبادت من قلیل است پس حضرت فرمودند که سجده
 بسیار کن که کنا ها نماز میزد و گمان علی بن الحسین صلوات الله
 علیه ما یَقُولُ فِی سَجْدَةٍ اَللَّهُ ثُمَّ اَنْ كُنْتُ فَقَدْ عَصَيْتُكَ فَاِنْ قَدْ
 اَطَعْتُكَ فِی اَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ لَا يَمَانُ بِكَ مَعَا مَنِكَ عَلَى

بیان ترک معصیت است و صورت اول بیان معصیت است و این ترک
بشرک نیز انعام است و ثلاث منت برمن و بر عالمیان و مرا و غیر اینها
نیست بر من و عصیان و مخالفت کرده ام نزد من بخندیده اند و از روی مبارک
و معاذ و گردن کشی از بندگی تو و نه از روی انکار پروردگاری تو
متابعیت کردم هوای نفس و شیطان را و از این بعد از تمام محبت
و برهان و ظاهر حق پس اگر عذر کنی پس بسبب کنایان نیست
و ظلم نکردی بر من و اگر بیامری و بپیشی پس بسبب خود و دل داشت
بود ای بخشنده ترین بخشنده کان و در هیچ آنرا بنوعی منقرض
که دریم حضرت امام رضا صلوات علیه سه انگشت خود را بر سر می گذاشت
چهار انگشت که بویا تسبیح می نمود و بعد از آن سر او سجده برداشتن
می نمود که حضرت سه تسبیح فرموده باشند و انگشتان خود را بر
داده باشند که فرمودن بگفت پس بختیست که تعلیم فرموده باشند
کثیر الله و یا آنکه شمرده باشند بگفت نیز عبادت باشند و ممکنست که
ایشان را و تضرع حالت سجده باشد و الله تعالی اعلم و در حدیث شریف
از ابو حمزه که گفت شنیدم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله که
در حال سجده این دعا می خواند که **اَسْتَغْفِرُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ**
عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ اَلَا بَدَّلْتَ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ وَ خَسَنَتِي حَسَنَاتٍ
پس در سجده دوم که تضرع بجانب رحمت می خواند یا ورماد و روزه
و اجب یا است در سجده دوم این دعا خواند **اَسْتَغْفِرُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ**
مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ اَلَا کَفَيْتَنِي مَوْنَةَ الدِّنِّ وَاَكْلَ هَوْلِ دَوْنِ الْحِمَّةِ
در سجده سیم که سجده اوله گفت دوم یا بر خاک مالیدن بجانب رحمت

باشد بخواند

باشد بخواند که **اَسْتَغْفِرُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ اَلَا حَقَّ**
لِيَ الْمَكْنُوتُ مِنَ الذُّنُوبِ وَاَلْقَلِيلُ وَكَلْتُكَ مِنْ عَمَلِي الْمُسْتَرْدِّ لِرُدِّهِ
چهارم گفتند **اَسْتَغْفِرُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ اَلَا اَتَنِي**
بِحَسَنَةٍ وَجَعَلْتُكَ مِنْ سَكَنَانَا وَاَلَا تَجْعَلُنِي مِنْ سَعَفَاتِ النَّارِ بِحَقِّكَ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَیْكَ وَاٰلِهٖ وَاَكْلَ وِمَمَكْنُوتِ دُوحِهِ شَكَرُ كَرْدِه باشد یا آنکه
مطلوب باشد از یک تا چهار و ترجمه دعاها اینست که خداوند از تو
میکنم بحق عجز تو و محب و توحید و تعلق سازی چیز یا یا دست سوال بگردم
مگر آنکه ببدل سازی کنایان را بر محسنات یا آنکه توبه کنم و بعوض کنایان
حسنات بجا آورم یا بتفضل خود کنایان مرا از نامه اعمالم بفرم
و بعوض کنایان حسنات را بنویسی چنانکه وعده داده اند که **فَاُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُ**
سَيِّدُنَا حسنات یا صفات و ضمیمه را ببدل سازی صفات
حسنه و حساب کنی بر حساب اسان سوال میکنم بحق عجزت که
کفایت کنی تمام مراد من و دفع کنی هر غمی را که در پیش دارم از احوال
کنند تا گذشتن از صراط ما بگشاید خوانده اند یعنی آنکه مستغنی
آن مقدار باشد یعنی هم امری را مقدم نداری برین امر یا دست بپوش
و طلب عذر دارم مگر آنکه کنایان اندک و بسیار را بیامری و دعا
قلیل را بقبول کنی و بتجفیف خوانده اند که **اَلَا مَنَ تَاكِيْدُ قِسْمٍ** باشد
و این لام دلالت بر قسم دارد و بیان میکند که قسم مقدار است
که قسم ملفوظ باشد و در اینجا ظاهر است معنی چنین است که لغفرت
ما را بدست از عجز تحسین لفظ و همچنین دعای چهارم در نماز دو وجه
جایز است که سوال میکنم و دخول حشر را آنکه مرا از انان بگشاید

الله

و نجات دهی بر آن سبب است که در این سوره است
و صلوات فرستادن نادر است و در جاهای سجود و تکبیر
بهرین است و یعنی این سوره را در سجده و رکعت
قلی الارض و یلیق جوهه بالارض و سفت است که شخصی که سجده
شکر کند دستهای نامرئین بر زمین گذازد و سینه اش را بر زمین
منقولست در حسن کالشیخ از ابن ابی عمیر از جعفر بن علی که گفت دیدم
حضرت ابوالحسن صلوات الله علیه و ظاهر ابوالحسن اولی باشد و حضرت
دوم نیز دارد که بعد از نماز سجده کردند و هر دو دست نامرئین بر زمین
چین کردند و در دو عاسینه بر زمین رسانیدند و در تقدیر بلیله
دعائه فی شبیه است و از کلینی روایت کرده است و ظاهر این
کلینی شیخ چنین بوده است و ظاهر اسهوا و تسامح کلینی شده است
و مراد نیست که لازم نیست که سینه را بر زمین و بر خاک مالده
بلکه هر کس که آن بر زمین کافیست و روایت کرده است علی بن
ابراهیم از یحیی بن عبد الرحمن بن خاقان که گفته دیدم حضرت امام علی
فقی الصلوات الله علیه که سجده شکوچا آوردند و بر زمین رسانیدند
هر دو ذراع و سینه و شکر خود را بر سر آن حضرت پرسیدیم که فعل
این سجده را بجا آوردید پس فرمودند که همین است و ممکن
که بجنب یعنی سقط باشد یعنی همین خود را بر زمین می اندازد
و در بعضی نسخ بجنب یعنی چنین دوست میدارم و این تصحیف
نسخ است و علامه حلی آورده است وجود بر سر زمین
و استحباب و ممکن است که مراد وجود بر سر باشد مثل وضو

ما کرامت فرمود که خدمتش بجا آوردم و واجب ادا کردم و شکر
بسیب زیاد فی نعمت و اکدر نماز تقییری شده باشد باین سجده
تمام میشود و اگر بنوافل قام نشده باشد و روی سجده عین
عزائیه عن محمد بن ابی عمر عن حزن بن عمر عن مرزوم عن ابی عبد الله
صلوات الله علیه قال سجدة الشکر واجبة علی کل مسلم فیها
صلواتک و ترضی بها ربک و یغفر لک ما کنک و انک العبد
اذا صلیتم سجدة سجدة فتح الرب تبارک و تعالی الحجاب بین
العبد و بین الملائكة فیقول الملائكة انظر الی عبدی اذنی
فرضی و اذنی عیندی نظر سجدة لی شکر علی ما انعمت به علی
ملائکتی ما اذاکه عیندی قال فیقول الملائكة یا ربنا حمتک
ثم یقول الرب تبارک و تعالی ثم ما اذاکه فیقول الملائكة یا ربنا
جنتک ثم یقول الرب تبارک و تعالی انشکرک ما کنک و انک
البه یفضل و اربه و یجی قال مصنف هذا الکتاب رحم من
وصف الله تعالی ذکره بالوجه کله فقد کفر و اشترک و وجهه
النبی اذ و محجبه صلوات الله علیهم و هم الذین شوهوا هم الناس
ان الله عز وجل و اذی عرفت و معرفه و زینة و انظر الیهم فی يوم
القیمة ثواب عظیم یعرف کل ثواب و قد قال الله عز وجل کل من
عملها فان و یقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام و قال عز وجل
فایما تولوا فثم وجه الله یعنی فثم العباد لتوجه الی الله ولا یجیب
ان ینکرم ان یجیب الا بالقرین و یسند صحیح منقول از احمد
برق روی که دهیست از دهیست فم از بدین حدیث خالی از حدیث

ابی حمزه از حدیث سیستانی از حمزه و جمیع نقه انداز حضرت امام جعفر
صلوات الله علیه که فرموده اند که سجده شکر واجب است یعنی سنت و کلام
بر هر مسلمانی که انداز عقبه ایض بجا آورد تمام میکند باین سجده نماز
خود را و خشوع و کبریا باین برورد کار خود را یعنی ثواب عظیم کرامت
میفراهد و فرشتگان از ایشان گفت و دمی از وی از خود که سجده شکر خواله
میشوند بدستی که چون بنده نماز کند و سجده شکر بجا آورد خوشی
و تعالی بکشاید درهای سمانها را و جلالها را بر میدارد از میان
بنده و فرشتگان ممکنست که حق سبحانه و تعالی فرشتگان را مامور
باشد بعبادت و تسبیح آن نتوانند که متوجه احوال بنی آدم شوند
چون حق سبحانه و تعالی رخصت دهد و متوجه ایشان شوند
گویا که چون مانع برخواستند و درها کشوده میشود بجا
باین حق سبحانه و تعالی میفرماید که ای فرشتگان من نظر کنید بسوی بنده
من که بجا آورد نماز را که بواجب گردانیده ام و تمام کرد عهده من
در اخلاص صحیح گفت که هر که نماز را بشروط و حدود آن بجا آورد
او را عهده من شد حق سبحانه و تعالی که بر خود لازم گردانیده است
که او را بیاورد و چون عهده و پیمان مرا بجا آورد سجده میکند بر پشت
این نعمت که انعام کرده ام بر او آنکه بوفیقش کرامت کرده ام ای فرشتگان
او را چه باید داد ملائکه گویند که برورد کار رحمت ترا شامل حال او کند
پس الله تبارک و تعالی فرماید که دیگر چه باید داد او ایشان گویند
بختش با او کرامت فرماید پس فرماید که دایم دیگر چه ایشان گویند برورد
کفایت کردن محبتات و از دفع اعادی و بلاها و مضایب پس حق سبحانه

فرماید که دیگر چه پس حضرت فرموده اند که هر چه هست از خوبیهای
فرشتگان هر یک بگویند پس حق تبارک و تعالی فرماید دیگر چه فرشتگان
گویند برود کلاهچه از خیرات که میدانشیم عرض خودیم دیگر چه خبری
بخطرها غیر پس حق سبحانه و تعالی فرماید که من شکر او بگویم چنانکه
او شکر من بجا آورده است و آنچه میفرماید حق سبحانه و تعالی آنست که
شکر الهی است و اقبال یکدیگر بجا بیاورند و با فضل خود یعنی با ضاعت غفله
آنچه است و مستحق است از روی تقابل با او خواهم و با تمام روی خود را
و در هتدیب و ابرار رحمتی است یعنی رحمت خود را در دینا با تمام
که مطمئن باشند چنانکه گذشت که بخواهم بای خوب بشارتست مؤمنان را
که بایشان مینماید صدوق میگوید که هر که حق سبحانه و تعالی را
کند که روی دارد مثل پی آدم او کا فریست و مشرک است که حق سبحانه و تعالی
شریک خلافت کرد و آید باشد و در جنت و روی خدا پیغمبران و ائمه و
اندر و ایشان را آنجخت وجه الله میگویند که در میان بانیان کان
هدایت ایشان متوجه جانب قدس و میبشوند و ایشان سبب
خداوند و معرفت دین اویند و در روز قیامت همه توانی باین میرسد
که بندگان مؤمن ایشان را ببینند و ندانست که این لفظ مخصوص حق
باشد بلکه در قیام مجید نیز و از گشت و همین معنی یا قریب باین مراد
الهی است چنانکه فرموده است که هر چه در دنیا است فانی است و لا شکی
و آنچه را قیست و بکار بندگان خواهد آمد روی برود کار است
و اکثر مقربین درو بمعنی ذات گرفته اند و فانی بمعنی موت گرفته اند
و در اخبار بسیار انا نمۀ اظهار صلوات الله علیهم وارد است که مراد از

دین برقی آمده است یعنی غایت و بنابرین مراد این خواهد بود که هر دینی که غیر دین
ایشانست نابل خواهد شد در زمان حضرت صاحب الامر و در این است
خواهد بود تا انقضای دنیا یا آنکه غیر دین ایشان باطلست و دین ایشان
حق است و در اخبار بسیار وارد شده است که آنکه هدای صلوات الله
علیهم وجه الله اند که معرفت و دین الهی از ایشان اخذ نمیدارد و بنا
برین مراد این خواهد بود که هر چه بیکه است غیر ایشان در حکم عدمند
و ایشان حق و حودند چون حق سبحانه و تعالی دنیا و آخرت را انجسته
ایشان آفریده است و منافات نیست میان این روایات و هر دو حق است
که ایشان و در ایشان حقد و غیر ایشان و مذهب غیر ایشان باطلست
و فانی و لهذا وصف فرمود خود را بید و الجلال والا کرام چون جلال و
عظمت فماریت مقتضی آنست که باطل را نازل گرداند و اکرام و احسان
از جمله صفات جلالست مقتضی احقاق حق و انبای آنست و دیگر مستحق
و تعالی فرموده است که هر جا که رو کنید از جهت عبادت پس نظر فرمایید
یعنی با توجه است بجناب قدس یعنی اگر مرفر فرماید که رو بمنظر کنند
مانند نصاری یا رو بمنظر کنند فماریت است که اسلامان در مدتی
رو بوجه کنند مثل الحال که هر گفند بآن را می است که از جهت اتفاق
ایشان در عبادت الهی و واجبت طاعت حق سبحانه و تعالی است
که حق سبحانه و تعالی در حق باشد بلکه در میان اطراف کردن محض عقید
و بندگی است و بنا بر آنکه گذشت که این است در قبله متوجه باد در نافله
یا در هر و نازل شده است همین معنی بر میگردد یعنی در حالتی که قبله را
ندانند هر طریقی که رو کنند و در سفر هر طریقی که رو کنند و سواره باشند یا نظر فرمایند

شماست و توجه شما حق سبحانه و تعالی است یعنی بخارید در بندگی او که
 بهر طریقی که خواهید دو کنید و عرض از ذکر این آیه آنست که وجه در قرآن
 مجید یعنی توجیه نیز آمده است پس اگر در اخبار اهل البیت سلام الله علیهم
 علیهم وارد شده باشد نباید که آنرا بطلان نماید که این خبر انحصار
 نیست چون در قرآن مجید نیز وارد شده است و چون ایات که میخوانیم
 دلالت بر تجسم میکند هر تاویل میکند و حضرت عمر صلوات الله علیه
 نیز تاویل کرده اند و باید که قرآن را میخواند اخبار را نیز همان تاویل کند
 حاصل مراد صدوق نیست و عبادت و راجحین مینمایند خوانند که
 تذکر جمول باشد و الفاظ مرفوع نباشد با آنکه مفعول بجای فاعل آن
 باشد یعنی واجب نیست انکار کردن لفظ قرآن هرگاه در اخبار وارد
 شده باشد آنکه نفی کنند و رود آنرا از معصوم بلکه میباید که تاویل کنند
 آنجا چنانکه قرآن تاویل میکنند و صدوقان در کافی و توحید اخبار
 بسیار نقل کرده اند در تاویل الفاتی که در قرآن مجید وارد شده است
 که بحسب ظاهر دالت بر تجسم و تجر و حی انعام گفته اند که ما را کار
 نیست که تاویل کنیم متشابهات قرآن را بلکه میباید تصدیق کردن اما کار
 تاویل آن نباید داشت مباد تاویل کنیم که مراد آنجا نباشد چنانکه گفته اند
 که ما میدانیم استوی علی العرش را ولیکن عین دانیهم نیست استوار او این
 سخن خوب است در جای که حضرت سید المرسلین و ائمه معصومین
 سلام الله علیهم آنرا تاویل کرده باشند و هر جا که ایشان بیان فرموده
 باشند بیان ایشان مشع است و تعالی اعلم
 عین کمال صباح و مساء این باب است در بیان این خبر است در

در هر چه در این باب است
 در هر چه در این باب است

در هر چه در این باب است

از طلوع و غروب

<http://fb.com/ranajabirabbas>

۳۸
از طلوع و غروب بگویند و اگر این قلیل واستعاذه را فراموش کند
قضا میکند چنانکه نماز را قضا میکند و در اخبار دیگر نیز غیر از این
وارد شده است یا قضا و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد بن ابی قریب
عجله وارد شده است که در تعقیب آنچه لازم است تسبیح فاطمه زهرا است باین
قلیل و آنحضرت صلوات الله منقولست که هر که این قلیل را در مرتبه
بگوید ده مرتبه صلوات بفرستد بر محمد و آل او و سی و پنج مرتبه سبحان الله
و سی و پنج مرتبه لا اله الا الله و سی و پنج مرتبه الحمد لله بگوید در صبح و آواز
آن بفرستد و اگر در شام بگوید در آتش و آواز آن بفرستد
و روحش صلوات الله علیه حضرت ابن حجر بن العسکری علیه السلام نقل کرده که
عبدالله بن ابی ذریع و امی القاسم بن اصفهانی که انا صحیح و امشج بن
نعمان و عاصیه بن دین آوردن اینک و صدک الشریک که گفت الحمد
و لک الشکر یا علی ای رب حتی یوفی و بعد الرضا یقولها اذا أصبح
و اذا امشج عشر شکر بک الحمد شکرت و بسند صحیح منقولست از
حضرت زحرف امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرموده اند
که هر که نوح علیه السلام رجب و شام این تحمید را بخواند که ترجیحش
ایست که خدا وند از او خواهد میدکرم که هر که صبح و شام کند بر من نعمت
یا دفع بلائی یا درین باد دنیا پس آن نعمت از دست حال آنکه تو و لک
و شریک نداری در آن اعوام یا مطلقا از دست جمیع شماها و جمیع شکرها
ببین آن نعمتی که اعوام کرده است بر من ای پروردگار من تراست آن
مقدار حمد و شکر یا نورانی و خشنودشوی و بعد از آن خشنودشوی بیرون
که نماز رجب ده مرتبه میکند و در شام ده مرتبه تسبیح خدا و تسبیح

برین کلمات حضرت نوح را حق سبحانه و تعالی شکر و ناسپاسی بسیار
 شکر کند و در حقن کالعی انحضرت منقولست که اگر در صبح و شام
 ده مرتبه این حمد را بگوئی داد کرده خواهی بود شکر نعمت انروز و آن
 و قریب باین از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه نیز منقولست
 که اگر چه مداومت برین حمد از حق سبحانه و تعالی شکر و ناسپاسی
 و این رسول الله صلی الله علیه و آله کان بقوله بعد صلوات الله علیه
 اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ لَهْمٍ وَ اَحْمَرٍ وَ الْخَجَرِ الْاَسْوَدِ وَ الْيَلِّ الْاَسْفَلَ وَ صَلَواتُ
 الدِّیْنِ وَ عَلَیْهِ الرِّجَالُ وَ قُوْرُ الْاِیْمِ وَ الْعُقَدَةُ وَ الدَّلَّةُ وَ الْقِسْمَةُ وَ اَلْبَلَّةُ
 وَ الْمُسْكَنَةُ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ بَغْیَتِیْ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبِیْ لَا یُخْفَعُ وَ
 مِنْ عَیْنِیْ لَا تَبْصُرُ وَ مِنْ دُعَائِیْ لَا یَسْتَعِیْزُ وَ مِنْ صَلَوةِیْ لَا یُوقِعُ وَ اَعُوْذُ
 بِكَ مِنْ اَمْرِیْ لَا یَسْتَعِیْزُ قَبْلَ اَنْ یَنْتَشِبَیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَلْاَكِلَةِ
 عَلَیَّ رُبَّما وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ یَكُوْنَ عَلَیَّ عَذَابًا وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ صَاحِبِ
 خَدَّیْغَةٍ اِنْ رَأَیْتُ حَسَنَةً فَنَهَیْتُ اَنْ رَأَیْتُ سَيِّئَةً اَفْتَاها اَللّٰهُمَّ
 لَا تَجْعَلْ یَقَاجِرَ عَلَیَّ كِبَرًا وَ لَا بَدَلًا وَ منقولست از حضرت که بعد از
 نماز صبح و احتمالاً فله صبح نیز در این دعا را بخوانند و ترجمه اینست
 که خداوند اینها را بتو میبیم انعم و اندوه و عاجز بودن و در بندگی و غلبه
 و بی دلی و شغل و بن و از غلبه روان برین کسی که باشد یا مغلوب
 بودن مردان یعنی توان ابنه و از کسادی بی شوهر و بی زن که کسی
 بهیترند که دختر یا یکس یا خواهر و امثال اینها را یا از برای مرد و
 دست بهم ندهد و از غافل شدن از حق سبحانه و تعالی و از عذاب
 در دنیا و عقبی و از مذلت و تساوت دل و از بریشانی یا عیال باری

میں باہر میں

۳۱۷
 مشابهت غفلت را داشته باشد چه جای مثل او و شنوات یعنی حالت سبوتا
 و دانست هر چیزی را ای خدا و ندان که خود تو بیشتر از او زهر خود را که از تو
 سبوتا کند و دهد زیرا که تو فطریه بیده هدا مانند خفاقت و خود
 و توابع آن و مثال این فتنه های عظیم همی پس این قادر نیست و ای خدا
 عطای واسع تو بیشتر از او زهر غشیه و ای بدترین کسایند که ایشان
 از تجربه مطالب خواهند و ای افضل کسایند که عمل اسید خلایقند و ای خیر
 ترین سامان که الجا بت می کنی دعوات خلایق را و ای بدترین فطریه که
 که مطیع و ضامند کائنات و ای کسند کائنات و ای خدا و ندان که از هر یک
 کند و نود و دو حسد است یکی چنانکه منقول است که خلق حیات و فانی و
 حساب جمیع خلایق را کند پس آنکه هر کس از این باشد که خطاب الهی
 با اوست و پس پس حجاب برسد ندان که چگونه ممکن است معنی حضرت
 سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرموده اند که همچنانکه در وی می شد
 در یک ساعت روز خلایق را و بسبب مشغول شدن در جمعی از جمعی و یکو فانی
 نیست و ای بخشنده ترین بخشنده کائنات و ای حکم کننده و از هر حکم کننده
 در دنیا و معنی صلوات الله بر محمد و آل محمد فرت و فرخ کن روزی مرا و
 کن عذر و هر کس بر من از رحمت و بگرد مرا از انکسایند که در صف تو
 کند و مبرر غیر از بعضی من بیابوری چنانکه خود و جمعی که اگر کثرت
 کنند از ما مبرم و جمعی از بعضی شما خواهی آمد که ایشان مثل ما نباشند
 خدا و نال تو خاص روزی من و روزی ایشان را پس فرخ کن کردن بر من
 و بر عیال من از روزی تو که حلال باشد و فرخ کن و در و بر کن از تو فقر را پس
 خطاب نویسندگان علم کنند که بر دست راست و چپ نشسته اند ^{از خدا}

صبح میکنم بفضل الله

[illegible]

علیت

اصح است یعنی هیچ کس از من و حال آنکه پادشاهی و پادشاهی و پادشاهی
و نیز کوار داشتند و نیز یکی و عظمت و جاه و جلال و فرمان و پادشاهی
باری و علم و جلال و منزله بودن از الانی و انصاف و بی کلامت با
جلال و عظمت و جمال و مکرمت و خوبها و حسن و خوبی و قوت
و مقدس داشتن او یا منزله کردن و نیز یک داشتن و نیز یکی یا
کردن و منزله داشتن و نیز یک او کردن و نیز یک کردن و او را
بگیر یا نصف کردن و توحید او کردن و او را یکانه داشتن
و بخشیدن و کرم و نیز کوار و انعام کردن و احسان نمودن
نعمت و فضل و احسان و فلاح کردن و نجات و قوت و قوت
یا جایل و ماضی شدن از عجزیت و پادشاهی و قدرت و قهاری
و شکافتن و هم آوردن و شب و روز تاریکها و روشنایها و
دینا و آخرت و آخرت و دنیا و آخرت و دنیا و آخرت که هیچ لفظ
موجود ندارند و آنچه که عالم را عالم میگویند با آنکه امروز
فرمان هر آنچه نام بردم و آنچه نام نبردم و آنچه نامیدند
آنچه نامیدند و آنچه بوده است و آنچه خواهد بود و هر یک ملک و
مخصوص خداوند است که بر و در کار عالم است جمیع کمال است
و محامد مخصوص خداوند است که شب و روز و روز و حال
در میان نعمت و عافیت و نعم درستی با بفضل عظیم الهی حمد
و سپاس مخصوص خداوند است که از دست بخیر در شب و روز
ساکند و اوست دانا و شنوا و احد و ستایش مخصوص خداوند است
که شش ماه اندک اندک شب را داخل و زمین کند و شش ماه

۳۱۰

امام جعفر

صلواته مرتبه ۴۰

تام

باب بیوم در بیان احکام
سهو در نماز

اسمعیل ابن

بن یزید که گفت شکایت نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلی الله علیه و آله که شیطان بر من مسلط گشته است و سه روز غایبم از شما پس میگویم و غالباً گفتم که بعد از اتمام شکر میکنم که دو کرمه ام پاشه حضرت فرمودند که بعد از نماز صبح را بسوره قل هو الله احد و قلیا ایما الکافر و یجوان پس چنان کردم سه و ارش بر طرف و ظاهر اینها صحت این دو سوره اینست که شیطان را از خود ممانعت دور میکند و سه و ارش شیطانست و محتملست که در وی سوره های در این سوره باشد بسبب کوتاهی این دو سوره از سه و ارش پاشه شده باشد و اول اظهار است و روی بوجه السماء عز الله صلوٰت الله علیه و آله انکه قال انما الشیخی صلی الله علیه و آله و انما رجلاً فقال یا رسول الله لفت من سوسیه صلی الله علیه و آله و انما رجلاً معیناً لیس فی صحیح فقال که که هذه الکلمات نوکلت علی اخی الذی لا یؤمن و انما الذی لم یخف ضایعته و لا وکله و لم یکن له من یزید فی الملک و لم یکن له زین من الذل و کبره و تکبر قال کلمه کنیت انت غاد لیه فقال یا رسول الله اذهب الله عني و سوسیه صلی الله علیه و آله و رقی دینی و وسیع رزق و با شایند منکره منقولست از ابو حمزه که حضرت امام جعفر صادق فرموده اند که شخصی بخد مت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله از سوسیه که در دل افتاده است بسیار در عذابم و من روی عیال با در عرض داد و محتاجم علاج جلدی جمله من را ض خود میخواهم حضرت صلی الله

علیه و آله و سلم

انحضرت

ولهذا صدوق نفسی را سبب نموده است و روایت کرده است فتح بسید
 صحیح از جیب که گفت شکایت نمودم بچهره امام جعفر طاروق که بسیار
 سهو میکنم در نماز حضرت فرمودند که بنمایم رکعات نماز را بسبب که بر تو
 و با حفظ و اگر کن بسبب بر تو و شک از راه ویت درین درج است و این
 حدیث و امثال این از احادیث صحیح ظاهر میشود که امثال این با تقا
 در نماز سبب بطلان نماز نمیشود چون مفرقه است و مع هذا عیبت
 و دیگر خواهد و قال الرضا صلوات الله علیه اذا اکرع علیک
 السجود فی السجده فامض علی صلوایک ولا تقل و ان حضرت
 صلوات الله علیه منقولست که فرموده اند که هرگاه در نماز سهو
 بسیار کنی نماز را تمام کن و عاده کن و همین مضمون در حدیث
 صحیح از ابن سنان از جمعی که منقولست که حضرت امام جعفر ص
 صلوات الله علیه فرموده اند که هرگاه در نماز سهو بسیار کنی نماز را
 تمام کن و روی بگردان و بگو یا جعفر صلوات الله علیه
 قال اذا اکرع علیک السجده و رعت انک توشک ان بدعاک انما
 هو من الشیطان و کالیه منقولست و در شیخ در حدیث روایت کرده است
 از محمد از حضرت امام محمد باقر صلوات الله فرموده اند که هرگاه سهو
 بسیار شود پس نماز را گذار و ملتفت بشو شیطان که هرگاه ملتفت
 نشوی غنیمت و غیر دست دست از تو بر میدارند پس که این سهو
 از شیطانست و در حدیث صحیح از زهره و ابو بصیر منقولست که انما
 گفتند بعد از آن حضرت صلوات الله علیه عرض نمودیم که هرگاه شخصی
 نماز شک بسیار کند و نداند که چند رکعت کرده است و چند رکعت

اگر متلاش کند در نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو رکعت و یک رکعت و یک رکعت
با آنکه اگر کثیر التوبه نباشد نماز قبل طلعت تا جوت کثیر التوبه و التفت
شده است بنا بر پیشتر صحیح میگرداند پس اگر مشک کند در دو رکعت
میان یک و دو بنا بر دو میگرداند و اگر شک میان دو و سه بنا بر دو
میگرداند و در افعال اگر محذور باشد ملغف نیست و اگر
باشد و شک کند میگوید که کرده ام و اگر یقین راند که نکرده است
اغریجا آورد و اگر یقین داشته باشد که نکرده است پس اگر وسوسه
باشد میگوید که کرده ام بلکه علم و سوا میزاجا در این بنا بر آنکه
محرم است که اعتقاد باشد و هم است و توهم میکند که علم دارد
و بعضی گفته اند که اگر ترس کند کثیر التوبه چیزی را که تلاطم داشته باشد
مثل یک سجده آنرا بعد از نماز بجای آورد و لیکن سجده سهو عمدی
و ظاهر اخبار است که ملغف نیست و فی رواية ابن
عمر عن حماد بن ابی حمزة ان الصادق صلوات الله علیه
قال اذا كان الرجل من نسيها في كل ركعة فهو بمنزلة من ترك ركعة
التسوية و باسانید متکثر صحیح و حسن که دوازده سند صحیح و
حسن کالصحیح منقول است از ابن عمیر از محمد بن عیسی که حضرت امام جعفر
صلوات الله علیه فرموده اند که هرگاه شخصی در هر سه نماز سهو کند
باشند کند و کثیر التوبه است و ظاهر کلام حضرت است که سه نماز
بی سهو نباشد که در هر سه نماز یک سهو کند و جمیع گفته اند که کثیر التوبه
است که در یک نماز سهو کند و یا در سه نماز بی دربی سهو کند یا
لفظ کثرت که اقلش سه است و اگر گفته اند که رجوع بعرف میکنند

در نماز چهار رکعت پس بروسه که اعاده کند و کسی که شک کند در دو روزه
و چهار رکعتی شک کند در دو روزه یا در سه و چهار یا در دو و چهار یا در
و چهار و در بعضی پنج چنین است که **أَوْ فِي الثَّانِيَةِ وَالرَّابِعَةِ يَفِي شَكِّكَ**
کند در دو روزه یا در سه و چهار یا در صورت حکم دو صورت مذکور
کرده است و بقیه را خواهد گفت و نسخه اول بهتر است چون شامل
چهار صورت گشت و بقاعه احتیاط است و لیکن آنچه در نسخه است بهتر است
چون ناقص نخواهد گشت و علی ای حال بنا بر اکثر میگذارد و چون سلام
دهد تمام میکند آنچه رکات دارد یعنی قنال میدهد که اگر کرده باشد
پس در صورتی که شک میان دو و سه باشد بنا بر سه میگذارد و نماز
میکند نماز را و دو رکعت نماز نشسته یا اگر شک است بنا بر سه میگذارد
اگر عارض سه باشد چهار شود و همچنین است اگر شک کند میان سه
و چهار بنا بر چهار میگذارد و دو رکعت نماز ایستاده میکند که اگر دو
چهار شود اگر شک کند میان دو سه و چهار بنا بر چهار میگذارد
و دو رکعت ایستاده میکند اگر دو باشد چهار شود و دو رکعت نشسته
میکند که اگر سه باشد چهار شود و سجوی دیگر نیز خواهد آمد اما
در دو رکعت و چهار رکعتی که سبب بطلان صلوحت پس منقلب
در سجده زلزله و سجده رفاغره و سجده محمد بن مسلم و سجده ابو بصیر
و سجده فضل و سجده و سنا و اخبار است بسبب آنکه اگر سجده و سجده در
تخیر دیگر از حسن و موثق وارد است که بنا بر آن میگذارد و سجده منقلب
یا چنانکه خواهد آمد و بنا بر سجده علی اخبار و سجده مشهوره معمول است
کردن اولی است چنانکه فی دعا غیره و اما بطلان صلوته بسبب شک

کرده باشد و در خارج وقت نیز اعاده میکند اگر پشت بقبله کرده باشد
بنا بر مشهور و اخبار سابقا بقدر ظاهر شد که حکم استدبار حکم عین و قیاس
مکمل آنکه گویند این خبر ظاهر نیست که در خارج وقت عاده باید کرد
مطلقا و چون عین و بسیار با اخبار بیرون رفت اسناد با زمانها
طهور محل کلام است دیگر میگوید و سجود است که بترك هاتك چنانکه
نماز باطل میشود و عرض خواهد آمد مفصلا پس حضرت فرموده اند که قنال
حمدا اعجاز خود و سوره سنت است یعنی وجوب هر دو از سنت نبوی
شده است نه از قرآن بخلاف آنچه سابق که وجوب آنها از قرآن ظاهر شده
و در وایل کتاب صلوات گشت و نمیکنند ترك سنت فرموده که
و جوبش از قرآن ظاهر شده است چون نماز از قرآن ظاهر شده است
پس اگر کسی بموت نشاند یا قرات بترك کرده باشد کند نماز باطل است
و تفصیلش گشت و دیگر خواهد آمد **وَالْأَصْلُ فِي الشَّهَوَاتِ**
مَنْ سَهِيَ فِي الرُّكُوعَاتِ لَا يُؤْتَى إِلَّا بِتِلْكَ الْأَوَّلِينَ مِنْ كُلِّ صَلَاةٍ
فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ وَمَنْ شَكَّ فِي الْغَرِيبِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ
مَنْ شَكَّ فِي الْعَدَاةِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ وَمَنْ شَكَّ فِي الْجُمُعَةِ
فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ وَمَنْ شَكَّ فِي الثَّانِيَةِ وَالثَّلَاثَةِ وَالرَّابِعَةِ
أَخَذَ بِأَلَا كَثْرَ فَإِذَا سَلَّمَ أَمَرَ مَا طَرَفَ أَكْثَرُ قَدْ نَقَضَ وَاصِلُهَا
كُلُّ مَنْ شَكَّ أَنْتَ كَثْرَ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ وَمَنْ شَكَّ فِي الْغَرِيبِ
از نمازهای ظهر و عصر و عشا پس بروسه که اعاده کند نماز را و
شک کند در نماز شام پس واجب است بر او که اعاده کند نماز را و
که شک کند در نماز صبح پس بروسه که اعاده کند و اگر کسی که شک کند

باشد بنا بر آنکه میگوید و مقام میکند و در رکعت غایتش میگذارد و باطنی
که اگر سه باشد چنان باشد شود و اشتراک در نماز را بطلان میدهد و در هر سه
جمله وارد است و اگر خواهد بود یک رکعت ایستاده میکند و اگر خواهد بود دو
نشسته میکند که بجای یک رکعت ایستاده است اما چون اگر از احادیث و دیگر
نشسته است عمل آن اولی است و ظاهر هر چه زبانه از احادیثی است
که بنا بر آن میگذارد یا عیون که خواهد آمد و اکثر علما این اخبار را عمل کرده اند و
چون مذهب اکثر عامه بر آنست که بنا بر اقل میگذارد و صدوق عمل بخیر کرده
و هرگاه بخیر باشد عمل کردن با پنج رکعت سهواست و نخواهد بود و اما شکی
در میان دو و سه پس قبل از آنکه احوال مجتهدین باشد تمام باطل است و مجتهدین
در هر جای که یک رکعت شک در و باشد و اگر پیشتر مجتهدین باشد باطل است اما
اگر مجتهد دوم رفته باشد و ذکر سجود بر کفایت باشد نماز صحیح و اگر
بعد از مجتهدین باشد اشهر میان علما آنست که بنا بر آن میگذارد و بنا بر حد
حد که خواهد آمد و در صحیحین وارد است که بنا بر آن میگذارد و مقام میکند
اگر بعد از تمام شدن رکعت دوم باشد یعنی بعد از مجتهدین و ظاهر هر چه
عبد الرحمن بن ابی اسحاق که بنا بر اقل میگذارد چنانکه خواهد آمد و در حدیث صحیح
عبد الله بن مسعود نقل است از عید بن زبانه که گفت شوال کردم از حضرت مسلم
جعفر صادق علیه السلام آن شخصی که نماز دو رکعت نماز کرده است یا سه رکعت
حضرت فرمودند که نماز را عاده میکند عرض کردم که آیا نه چنین است که
منقولست که عاده میکند نماز را کسی که نیت و عالم باشد حضرت فرموده
که آن در صورتیست که شک در میان سه و چهار باشد و شیخ عمل کرده است
این حدیث را بر نماز تمام و میتوان عمل کردن بر آنکه شک در حال باشد

در نماز صحیح و شام و جمعه پس در صحیح علما وارد است که اگر شک در نماز
کند نماز را عاده میکند و در صحیح جلی و صحیح جعفر و ایضا صحیح بخاری و غیر
او وارد است که سهو در نماز صحیح و شام سبب عاده است و در صحیح بخاری
و صحیح ابویوسف و وارد است که شک در نماز شام سبب عاده است و بنابر
عمره وارد است حدیث دیگر که حسن کا یحیی و موفق کا یحیی و قوی کا یحیی
است و در حسن کا یحیی وارد است که سهو در نماز شام و شک در رکعت
آن سبب بطلان صلاحت است چون همه دو رکعت یا سه رکعت و اخبار
صحیح وارد است آنکه شک میان رکعت اول و دوم مبطل صلاحت است
نماز سفر و نماز طواف در آن داخل است و در موفق عماره وارد است که شک
در نماز صحیح و شام بنا بر آن میگذارد و شیخ عمل کرده است بر آنکه طواف و عماره
باشد بنا بر آنکه شک در نماز پنهان باشد مجاز و طواف آن بضعف شد و
اولی است زنا و بطلان و بعد و بنا بر طواف بخار بن مجتهد خواهد بود
میان بنا و باطل و باطل اولی است چون الحدیث ان صحیح و اگر شک
با آنکه احادیثی هار بن علی نیست و عیون وارد است که قدام احادیث و اخبار
کرده اند با آنکه ایشان احوال مردم را از آن کتاب ایشان استنباط میکردند
و آنچه از تتبع ظاهر میشود احادیث و احادیثی که از زید بن علی بن
الحکیم نقل است از الله علیه نماز زید بن زبانه کرده اند و علی بن ابی طالب
عمل میفرمود و آنها نمیتوان کرد و الله تعالی بفرمود و اما شکی در میان سه
و چهار پس در حسن کا یحیی جلی و حسن کا یحیی حسین بن ابی اویلا
و موفق کا یحیی ابان و صحیح محمد بن مسلم و مرسله جلیل وارد است که
اگر یک طرف غالب شود بر طرف آن بنا بر آن میگذارد و اگر هر دو طرف مساوی

بنا بر آنکه

و ندانند که رکعت و قیامت یا تیم در صورتی که تحقیق شک کرده است در نماز
و دو وجوب حضرت این معنی خواهد داشت که اگر در حالت قیام شک کند مثلاً
سه و چهار سجده است چون راجع میشود بشک مینات دو و سه و اگر او قیام
شک در میان دو و سه در حالت قیام واقع میشود و بنا بر ظاهر حدیث
جوابیه مربوط میشود بسوال بروی حسن بخلاف آنکه اگر تخمیناً اندک در
تعیین کند که حصراً اضافی گیرند حقیقی و جمعی حمل کرده اند بر آنکه این شک قبل
از اتمام سجده نباشد و این حمل نزدیک است بآنچه مذکور شد چون این طلق است
و سابق مفید و باین هر خاطر جمع میشود و لحاظ آنست که احتیاطاً نماز
اعاده کند خواه قبل از اتمیکل یا بنا بر حدیث تریاره و خواه بنا بر آنکه اگر نماز
بنا بر حدیث عامه و اگر شک کند دو و چهار پس در حدیث صحیحین
و صحیحین بر مسلم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه وارد است
که بنا بر چهار میگذارد و نماز را قضا میکند یا محدثاً که اگر دو باشد چنانچه
شود و اگر چهار باشد این دو هر حق سجده و قیام و اینها قدری و پس میکند و
ظاهر صحیح زبانه و صحیح ابویضیه و حسنیه کالصحیحین
آنست که بنا بر اقل میگذارد و تمام میکنند و در صحیح ابویضیه هست که
سجده سه و پنجاه و سلام کن بعد از سجده پنجم و در صحیح مسلم از حضرت
صلوات الله علیه منقولست که فرموده اند که هر که شک کند میان
دو و چهار نماز را اعاده میکند و حمل کرده اند بر آنکه قبل از اتمام سجده
سه میگذرد چنانکه گذشت و باین احکام شک خواهد آمد و قال ابو
عبدالله صلوات الله علیه لعاری من موطنی یا عتیاراً جمع لست
الشیء کله فی کتب منی شککت تخذ بالاکبر فاذا استقر

و این عبارت در موقوف کا استخراج از راه منقول است که گفت سوال کردم
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که با قرصوات الله علیه که با حضرت سید
المسکین صلی الله علیه و آله سجده سهو کرده است هرگز حضرت فرمودند
که نه و نگذرد است این در سجده رافیه و ظاهر امر در سجده معصوم باشد
و در صحیح ترمذی بن حران منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
الله علیه فرمودند که هرگز فیهی نماز اعادة نگذرد است حیالها و تدبیرها
میکند تا اعادة نکند و از جمله حیلای مجرب است که در اول نماز الحاق
بجانب قدس استی بر دوازده و حضور قلب چند مرتبه این آیه را بخواند
که رَبِّی اشْرَحْ لِی صَدْرِی و یَسِّرْ لِی اَمْرِی و اَخْلِلْ عَقْدَیْ **مِرْسَاة**
یَقْقَهُوا قَوْلَی یعنی بروردگار اسمینه مرا ستور گردان بنور هدایت
یا معوذت یا فاتح گردان که کجایش علوم و حکم و صبر داشته باشند
و آسان گردان کار را در هر کاری خصوصاً نماز و حضور قلب و
اخلاص و بکشی کرده زبان مرا تا بفهمند سخن مرا و آنچه بخواند
السَّوْرَةَ عَلَی مَنْ قَعَدَ فِی حَالِ قِیَامِهِ اَوْ قَامَ فِی خَالِ عَوْدِهِ
اَوْ تَرَكَ الْمَشْهُدَ اَوْ لَمْ یَذْهَبْ اَمَّ نَقَصَ و واجب نیست دو سجده
سهو مگر بر کسی که بنشیند در موضعی که باید ایستاد یا ایستد در
جایی که باید نشست تا ترک کند نشسته را یا ایستد که زیاد کرده است
یا کم کرده است اما حکم اول در سجده سهو به نماز و موقوفه نماز واقع
شده است که سجده سهو می کند و این دو سجده یعنی شیطان را بخانه
می آید اما حکم بوجوب مشکلت و شک نیست که احوط آنست که
بجای آورد بقصد فریت و اما ترک نشسته پیش از رکوع بخاطر آنست که

پس اگر

نشیند

جَنَابُكُمْ دُرُوحًا بَصِيرَةً وَنَفَقَاتٍ تَشْهَدُ وَأُورِثُهَا لَكَ سَجْدَةً سَهْوًا
 بَعْدَ رِسَالَةٍ بَاجَا أَوْرَدَ وَدَرِجَاتٍ صَحِيحَةٍ عِدَالَتِي نِيْلَ وَأَرْثُهَا لَكَ سَجْدَةً سَهْوًا
 بَعْدَ رِسَالَةٍ اسْتَبَدَّ وَأَقَالَ لِيَرْثُهَا مِنْ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ سَجْدَةً أَلَسْتُ بِرَبِّهِ
 تَعَالَى لَتَسْلِمَ وَقَبْلَ الْكَلَامِ وَلَيْسَ دُرُوحًا كَالْبَحْرِ أَلَمْ تَحْضُرْ صَلَواتِ اللَّهِ
 عَلَيْهِ سَجْدَةً سَهْوًا لَكَ سَجْدَةً سَهْوًا بَعْدَ رِسَالَةٍ وَبِشْرٍ
 كَلَامَتِ وَأَحَادِيثِ سَجْدَةٍ وَحَسَنَةٍ وَأُورِثُهَا لَكَ سَجْدَةً سَهْوًا
 أَكَلَامَتِ أَمَّا حَدِيثُ صَفْوَانَ بْنِ مَعْرَبٍ الْحَمَّالِيِّ عَنْكَ عَمَّا لِلَّهِ
 صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ سَأَلْتُ عَنْ سَجْدَةٍ فِي الشَّهْرِ فَقَالَ
 إِذَا نَقَصْتَ قَبْلَ التَّسْلِيمِ وَإِذَا زِدْتَ بَعْدَهُ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ فِيهِ
 الْحَيَّةُ وَأَمَّا حَدِيثُ صَفْوَانَ شَرِيحًا أَنْ حَضَرَ أَمَامَ جَعْفَرٍ ضَاقَ
 صَلَواتِ اللَّهِ لَكَ كَلَامَتِ أَنْ حَضَرَ أَمَامَ جَعْفَرٍ ضَاقَ
 فَمُورِدُهُ أَنْ لَكَ كَوْنُهَا فِي دُرُوحًا وَاقِعٌ شَدِيدٌ بَأْسُهُ شَرٌّ لِيَسْجِدَ
 يَأْتِيهِمْ لِيَسْجِدَ بَعْدَ رِسَالَةٍ وَاقِعٌ سَازٍ وَكَرَاهِيَتُهُ زِيَادَتُهَا
 مَثَلُ سَلَامٍ وَكَلَامٍ سَهْوًا بَعْدَ رِسَالَةٍ وَاقِعٌ سَازٍ بَعْدَ سَلَامٍ
 فَتَوَى سَلَامٌ مِيدَهُمْ أَنَّ دُرُوحًا تَقِيَهُ وَشَرٌّ لِيَسْجِدَ بَعْدَ رِسَالَةٍ
 دَوَابِتُ كَرَدَتْ اسْتَبَدَّ وَدَرِجَاتٍ صَحِيحَةٍ أَنْ حَضَرَ أَمَامَ الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ
 مُوسَى الرِّضَا صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا دُرُوحًا بَصِيرَةً وَنَفَقَاتٍ بَوَّارٍ وَأُورِثُهَا
 بَشْرٍ لَرِسَالَةٍ وَبَعْضُ عَمَلٍ بَيْنَ حَدِيثٍ كَرَدَتْ أَنْ لَكَ مَطْلَقًا
 بَشْرٍ لَرِسَالَةٍ وَبَعْضُ عَمَلٍ بَيْنَ حَدِيثٍ كَرَدَتْ أَنْ لَكَ مَطْلَقًا
 كَرَدَتْ أَوَّلِيَّتُ جَوْنِ أَخَادِيثِ سَجْدَةٍ بَعْدَ رِسَالَةٍ قَرِيبُ تَوَاتُرَاتِ
 وَسَأَلَهُ عَنْهَا أَلَسْتُ بِرَبِّهِ تَعَالَى لَتَسْلِمَ وَقَبْلَ الْكَلَامِ وَلَيْسَ دُرُوحًا كَالْبَحْرِ أَلَمْ تَحْضُرْ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا دُرُوحًا بَصِيرَةً وَنَفَقَاتٍ تَشْهَدُ وَأُورِثُهَا لَكَ سَجْدَةً سَهْوًا

در سجده سهواً و یا غفلت و یا آنکه عبارت شیخ بر صریح نیست که خوف
در سجده فتویه باشد بلکه آنرا نیز حمل میاید بر آنکه حضرت در بیان ذکر
سجده این را میفرموده **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَبِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ** و صلی الله علیه و آله در تهنیت است
و در کافی **الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ** است و هر دو خولیت اگر چه جمعاً حوطاً
چون تعبیر است که این دو حدیث بلکه ظاهر است که سهواً یا غفلت
و تهنیت شده باشد و اگر ذکر و ایم را محو اندکی در غلظت است چون جلی
میگوید که مرتبه دیکو شنیده ام که حضرت **ع** بودند یعنی در بیان ذکر و در
تهذیب لفظ بقول آنها یا آنها هست و در فقه و کافی نیست و این لفظ نیز
نیز میاید استنباط شده است که طرح این خبر کرده اند و علی بن عمار کرده اند
و گفته اند که حق گفت که مرتبه امامت از آن اعلی است که سهواً یا غفلت
پس راوی غلط کرده است و احتمال ظاهری دارد که مذکور شده اولاً
بود که حل بر آن کنند و مانند جلی و کتاب و اولاً که بر حضرت عرض نموده
و حضرت تحسین او کرده بوده است و نزد حدیث این کتاب مانند این
معصوم بوده است چرا که این جرح عظیمی است نسبت به بعضی که چنین
سهوی کنند و نظر بر این دو کتاب که بمنزله اصلت نظر کنند و سهوهای
شیخ را ملاحظه نکرد باشند که شیخ افضلت و تأمل کنند که در تقدیر
افضلیت چه ربط دارد و فضیلت بتوشق و شک نیست و آنکه کلیاتی
از اکثر حدیثین ماست و بعد از وضو و غلظت شیخ طایب مرقد و
تعالی عنه که مرتبه فصاحت یافته است چون عامه شیخ شیعیان میگویند
که ایشان کتاب ندارند و کتب حدیث نوفا ایشان اعتباری نداشته است
عده کلامیست و وقفه بود بنا بر این شیخ متعیش در تحصیل کتاب بسیار بود

فقیه

در بیان آن

و اما این اظهار است و هر دو عبارتست چنانکه در اخبار صحیحی گذشت که اگر کسی
از کعبه بخاطرین سید قطع میتواند کرد و یا آنرا نیز قطع جائز است چنانکه در
صحیحین بیان یقین بود و عدم قطع مطلقا نیز جایز است چون اذان و اقامه
سنت است چنانکه در صحیحین مراد و صحیحین و این سراج گذشت و من
و من استیقن الله که بیکر که تکبیر که الا فلاح فلنصلو
و کيف که با آن یستیقن عبارت فقر رضولیت و مضمون صحیحین
مسلم از احادها صلوات الله علیهم که فرموده اند که هر کس یقین کند
که تکبیر احرام را فراموش کرده است پس باید که نماز را اعاده کند و لیکن
چگونه این یقین بهمی رسد چنانکه بحر گشت که ادعی و فعل خود را فراموش
نمیکند و یا آنکه سهولت را کرده ام بخاطر ندانم که در مذمت غیر میکرده
باشم تکبیر احرام را و همچنین نشنیده ام که از کسی این سهو واقع شده باشد
و قد روی عن الصادق صلوات الله علیه انه قال الانسان لا
یقین تکبیر الا فلاح و در فقر رضولیت که از حضرت امام جعفر
ص منقولست که فرموده اند که ادی فراموش نمیکند تکبیر احرام را یعنی نماز
ممکنست که بحسب واقع نیز چنین باشد چون با لغات از جمعی که کتب التمهید
نشان داده اند که فراموش کرده باشند و اگر ناگاه کسی صادر شود
میگوید که انسان نیست و الا اظهار است و الا میباید است که امری عادی
بیطلاق صلوة او نمیکند و در متعارف ایمان نیست که مسلم و قریب
گویند و سأل الحلی عن الصادق صلوات الله علیه و الا عن رجل
ان تکبیر حتى دخل في الصلاة فقال لكش كان في نيته ان
قال نعم قال فليصبر في صلوة به باسائید صحیح منقولست از عبد الله که

تقصید مقدمه آورده ذکر فرموده است و من استیقن الله ترک الاذان
و الاقامة نمودند و لم یکن قد قرأ اية التوبة فلا بأس بترك الاذان
فليصل على النبي صلى الله عليه وآله و ليقبل قد قامه الصلوة این
عبارت فقر رضولیت بسیار خطاب لعنیت و کسی که لغو کند که اذان
و اقامه نگفته است و بخاطرین سید و اگر نسو و را خوانده باشد
پس با کفایت که ترک کند اذان را پس صلوات بر محمد و آله و فرستند و بگو
قد قامت الصلاة و در فقر رضوی و مرتبه مذکورست و در صحیح علی الهی
منقولست از محمد بن مسلم که حضرت امام جعفر صادق فرموده اند که اگر
شخصی فراموش کند اذان و اقامه را تا آنکه داخل شود در نماز اگر بخاطرین سید
پیش از قرائت پس صلوات فرستد بر نبی و آل و صلی الله علیه و آله و اقامه
بگوید و اگر پیش از قرائت کرده است نماز تمام کند و منقولست در
و ذکر این آدم که گفت عرض کردم بحضرت امام رضا صلوات الله علیه که
فرای تو کردم در نماز بودم و در رکعت دوم در اثنای قرائت بخاطر سید
که اقامت نگفتم چگونگی حضرت فرمودند که در موضع قرائت خاموش شو
بگوید قد قامه الصلاة قد قامه الصلوة قرائت اذان یا الله یا الله
تمام کن و نماز تمامست و در حسن کا یحیی از حسین از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه منقولست که هرگاه شخصی تکبیر احرام بگوید
و بخاطرین سید که اقامت نگفته است پس اگر پیش از قرائت باشد سلام
بر رسول خدا صلی الله علیه و آله پس اقامه را بگوید و نماز را از سر گیرد و اگر
بعضی از نسو را خوانده باشد نماز را تمام کند پس ظاهر شد که عبارت صحیح
بجلیست صلی وینه قطع صلوات مثل سلام و قد قامت فینه انما

و جمیع علی بن قیطان و موفقه کالقیع عید و غیر ایشان از ائمه هدی صلوات
علیهم منقول است که هرگاه کسی فراموش کند تکبیر احرام را عاده می کند نماز
و اما از اخبار دلالت میکند بر تکبیر احرام و قانون عین این است که اول
و سیم نماز را عاده می کند و در باب دیگر بیان میکند اخبار را که با آنها
و شرط واجب و سنت بر دیگر نماز عین و غیر این است که تکبیر
الافتتاح حتی کسر اللام و قال آخره و با سایرین صحیح و حسن منقول
از بر خطی که گفت سوال کردم از حضرت صلوات الله علیه بر شخصی که فراموش کند
تکبیر احرام را تا آنکه تکبیر روع بگوید حضرت فرموده اند که حرمت یعنی تکبیر
از حجره و کافیت تکبیر احرام از تکبیر روع کافیت اگر چه قصد نکرده باشد
و ظاهریات باشد خواهد داشت که در این باب و وقتی خبر دارند که
امام تکبیر روع را گفت بخاطر رسیدن تکبیر احرام نگفته است یا تکبیر
بمعصده و بجای آورد و لیکن ظاهر خبر اینست که تکبیر روع قائم مقام
تکبیر احرام میشود و استبعادی ندارد که سنتی واجب شرعی باشد و لیکن
مرویت صحیح از ائیان از فضل و ابن ابی نعیم و حضرت امام جعفر صادق
الصادق صلوات الله علیه بر سید ندر از شخصی که تکبیر احرام را فراموش
کرد و مانند تکبیر روع را بگوید یا تکبیر روع حرمتی و از تکبیر احرام
حضرت فرموده اند که بدیهه عاده می کند نماز هرگاه یقین دارد که تکبیر
احرام نگفته است و اشعاری و در این باب یقین که هر سید یا کمالی و یا
شکست و خیال میکند که یقین است یا آنکه شک دارد و در حل می توان کرد
و تا اول اظهار حرمت و بنا بر آنکه منافق را در نماز حدیث بر خطی نقل که
از اخبار ظاهر شد که تکبیر احرام از تکبیر حرمت و نیز بخاطر اینست که

گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق و صلوات الله از شخصی که فراموش
تکبیر احرام را تا داخل شود نماز حضرت فرموده اند که یا در پیشگاه و بنور که تکبیر
بگوید گفت بلی حضرت فرمود نماز تمام کند و این حکم بنا بر آنست که اگر
شک می کند وضو و ضعف حاصل از آنجا که می کند که فراموش کرده
لهذا حضرت فرموده اند که یا قصد نداشت که بگوید و هرگاه قصد داشته
البتة گفته است و سوا این می کند که نگفته پس حل می کنیم بر آنکه اشخص
و سوا می بویاید حضرت و اقول لا بد است از اینست چنین فرموده اند و
اوقات و سوا می بویاید از آنکه در تکبیر احرام حاصل شود و چنانکه حرمت
سینا است که هر مرتبه میگوید و اعتقادش نیست که نگفته است حتی
آنکه بگوید بخاطر این بلا می افتد استاده بود و نیز داین شده که بفرمودیم
که هلاک شده ام و غافلیم چون نیست وضو می کند و سوا می کند تا
آفتاب بر می آید و نماز ظهر و عصر چون وقتی دارد که وضو نداشت
که قنار قوی ملا می دقتی بصالح و سوا می و طریق نیست و تکبیر می کند
چون اذان خارج شده ام و تکبیر گفت اعمادم نیست که گفته و تکبیر
میگویم بنام و همچنین تا صبح گفت که اجماع و گفته من داری من نیست
نظیر و اجماع در آن نیست و جواب حق سبحانه و تعالی برین است
قبیل عبارت گفته شد بعد از آن که گفته آمد که الحمد لله که از سوس
خارج شده ام اما عبادا تم می نیست است گفت آیا میدانی که وضو
گفت بلی گفت از جهت گفته که بسیاری گفت حق سبحانه و تعالی گفت نیست
همین است و میباید گفتی که سوا خود می بود و الحمد لله که از سوس
خلاص شد و این تا و بیاید بنا بر آنست که در حقیر مراد و صحیح در

میگوید

از تکبیر سر بر نمیست و محتملست که مراد از تکبیر افتتاح تکبیرات مستحبه باشد
چنانکه ظاهر حدیث مذکور است و قد مر و فی زمره عن ابن جعفر صلوات
علیه قال قلت له رجل یسئ الی افتتاح فقال ان ذکرها
قبل الركوع کثیر ثم ذکرها فی الصلوة کثیرا فیها
فی موضع التکبیر قبل الفرة وبعد الفرة قلت فان ذکرها بعد الفرة
قال فلیقتضها ولا شیء علیه وایسانید صحیح منقولست از مراد از حضرت
امام محمد باقر که گفت عرض نموده ام با تحفیت که هرگاه شخصی در رکعت
تکبیر اول افتتاح را حضرت فرموده اند که اگر بخاطرش بعد از رکوع
تکبیر و قرات کند رکوع رود و اگر نماز بخاطرش بعد از رکوع
هرگاه بخاطرش بعد بگوید آن تکبیر را در جای تکبیر پیش از قرات یا بعد
از قرات عرض نموده ام که اگر بعد از نماز بخاطرش بعد فرموده اند که قضا
کند آن را و بر وجهی نیست و محتملست بر تکبیرات مستحبه هر تکبیر
مستحب است که از چهار زن و واقف بر گردند همچنین از جهت تمام اشک
ممکن است که مستحب باشد و محتملست است که مراد از ایشان شک باشد
باستجاب جوع لیکن چون احادیث صحیح وارد شده است که
شک بعد از نماز محل اعتبار ندارد و محل اولاد اولیت و در موضع تکبیر
تدارک نمودن آنست که مثلا وقتی که خواهد قنوت کند شش تکبیر
مستحب یا بگوید یا بعد از رکوع و پیش از سجده اول و بعد از آن پیش سجده
دوم و بعد از آن چون سر را سجده دوم بردارد تکبیرات منسیبه با
بجا آورد و ممکنست که مراد از موضع تکبیر این باشد که در أثناء قرات
نباشد و پیش از قرات و بعد از قرات بر سهیل مثال باشد و از جهت

این باشد که در أثناء قرات بجای آورد و مثل این خبرست موثر بر ما بعد از ابو
بصیر از آن حضرت که فرموده اند که هرگاه تکبیر را فراموش کرده باشد و پیش
از رکوع بخاطرش بعد بجا آورد و اگر بعد از رکوع باشد بلفظ فتور محض
تکبیرات مستحبه باشد و روی زمره عن ابن جعفر صلوات الله علیه انه
قال اذا انت کبرت فی اول صلواتک بعد الاستفتاح باحدى و
عشر تکبیرة ثم کثرت التکبیر کله او کثر تکبیرة آخرها التکبیر
الاول تکبیرة الصلوة کلها وایسانید صحیح منقولست از مراد از
حضرت امام محمد باقر که فرمودند که هرگاه در اول نماز بعد از آن تکبیر
بست و یک تکبیر بکوفی و دیگر فراموش کنی تکبیرات در موضع خود یا
بعد بکوفی و در قصد تبجای او و است و بیان سابقه است بحرانیست
بر تکبیراتی که در اول نماز گفته اند تکبیراتی که در نماز سنن است و آنچه بخاطر
این ضعیف سیده است در محل این حدیث آنست که چون پیش از رکوع
شد در جاریست معتبره که عرض از وضع هفت تکبیر در اول نماز آنست که
استفتاح بافعال صلوة در هفت موضع است افتتاح قرات تکبیر
احرام است و افتتاح رکوع اولی و سجود اول و سجود ثانی تکبیرات
و در نماز و رکعت شش افتتاح از جهت رکوع و سجود است و یک افتتاح
تکبیر حرام پس اگر کسی هفت تکبیر در اول نماز بگوید و بعد از آن قنوت
کند که در وضو خود بگوید ضرر ندارد و درین حدیث جمیع تکبیرات
مقدم دانسته اند در نماز چهار رکعتی چون در هر رکعت پنج تکبیر است
یکی از این و چهار از جهت سجده در سجده رفتن و سر برداشتن هر یک پیش
تکبیر از جهت کوعات سجود است و یک تکبیر احرام است و یک تکبیر قنوت

27/10/20

بخواند درجائی شلوار رفت بلند خواندن در اینجا و هسته بخواند درجائی
که منسوب از اینست هسته خوانند در اینجا و ترک کند قلمت را درجائی که منسوب
قوله است در اینجا شلوار و در کت را با خفت کند درجائی که منسوب از اینست
قوله است در اینجا حضرت فرموده اند که هرگاه از اینها که سهوا و گلیانیا می کرد
باشد بد و چیزی نیست و ظاهر از اینها که در مرتبه سوال کرده باشد چون سوال
و جواب یا اختلاف بسیار دارد احتمال هر دو است با شایخ و امثال آنها
بسیار بعید است چون هرگز کتابی را در نظر گرفته اند و این چنین متابع
اجازه کتابند و لهذا مثل حسین بن سعید این کتاب را تقاسم خوهر می و
امثال او و روایت کرده مسئله بهر اتصال است و چیزی که در کتاب است
درج کرده است کتابی را با او بخواند است و کتب فضلاء را
صاف قلم و اصلوات الله علیه هم بر نشان خوانند است و در کتاب
خود ترتیب قرار داده است و لهذا کتاب را از اصول او بخواند شریک اند
او دیگر حادرتی بهر واده بیشتر و کرد و آنچه خود از سخن آید
باشند هائیشان جمع نمود لهذا اجماع واقع شد بر تفعیل ما بعد عنده چون
آن کتب هم در میان بود و چون مقابل می کردند کتب حادرتی را با کتب خود
از آن او و فاخته می نمودن و چون تفعیل می نمود معاصر می بودند و آنها را بعد از آن
و لیکن مثل صفیان و ابن ابی عمیر و فضاله و یونس و بنی و ابن فضال
اجماع کردند بر تفعیل ما بعد عنده و تفصیلش بر روضه مذکور است در این
و در حدیث صحیح با شایند که گفته است که هرگاه صحیح است از علی بن جعفر
منقول است که گفت سوال کردم از برادرم حضرت موسی بن جعفر صلوات الله
علیه که اگر شخصی از جعفر بداند کند میتواند که بلند بخواند حضرت فرمودند

که اگر

۳۲۶

اقْرَأْ فِي الثَّانِيَةِ قَالَتْ فَلَمَّا مَوَّاهُ صَلَوَاتِي كُلَّهَا فَقَالَ إِذَا حَفِظْتَ
الرُّكُوعَ وَالْجُودَ فَقَدْ قَمِيتَ صَلَوَاتُكَ وَكَاتِبُ مَقُولَتِهِ حَسْبُكَ
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که حسین گفت من سهونم
و قرات تا فرمود من یکم ادر رکعت و لا فرموده اند که در رکعت دوم بخوان
یعنی در رکعت دوم که بخوانی نمازت بی قرات نیست نه آنکه دومین
الحمد را بخواند حسین گفت عرض نمودم که فرمود من یکم در رکعت دوم باز
یا در رکعت دوم و فرموده اند که در رکعت سوم بخوان عرض نمودم
که در نماز سهونم یکم حضرت فرموده اند که هرگاه رکوع و سجده را حفظ
و ترتیبی نمازت قیامت و صحیح است و در وی زیاده عزاء حاصلوا
عَلَيْهِمَا قَالَا إِنَّ اللَّهَ بَارِكُ وَتَعَالَى فَرْضُ الْمَلَكُوعِ وَالْبُخُوعِ وَالْمَرْءُ
مُسْتَهْنٌ مِّنْ تِلْكَ الْقِرَاءَةِ مَعْلُومٌ أَعَادَا الصَّلَاةَ وَمَنْ شِئَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ
با ساینده صحیح منقولست از زاده که از یکی از امام محمد باقر یا امام جعفر
الصادق صلوات الله علیه شنیدم و می دانم که آن کلام بک شنیدم
که فرمودند که حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید واجب ساخته رکوع
و سجده را آنکه فرموده است ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا و ظاهر حدیث دلالت
که بر آنکه اولم قرآن از برای وجوب و علما گفته اند از آنست که
باشان ابن حنیف با آنکه منوات از است فرموده اند که قرات مجزئتها
یا حمد و سوره سنت است یعنی وجوبش از قرات ظاهر نشده است بلکه
از سنت حضرت سید المرسلین ظاهر شده است که حضرت فرموده
لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ یعنی نماز صحیح نیست مگر بخواندن فاتحه پس
چون وجوبش از سنت ظاهر شده است که کسی عمل ترک کند قرات را

تا از خفتن و ظاهر آنست که تسبیح بلند خوانده باشد و احوط آنست که خوانده
را قلی مرتبه اخفات آنست که خود بشنود مگر آنکه بقیه باشد که اگر نماز
حدیث نفس برپا نشد جاری شود که آنرا خواهد بود و اگر ترتیب
اخفات بنا مشهور آنست که صحیح قریب بشنود و بنا برین بسیار مشکل
میشود که اخفات با قلی ترتیب چه رسد و آن آنست که صحیح قریب
قریب نشود و بعضی از اصحاب گفته اند که اقل ترتیب چهار آنست که هر
صورت ظاهر شود این خوب بود اگر کسی مستحکم می داشت و لیکن چون
وجوب چهار اخفات ظهوری ندارد که در شکل نیست اگر چه احوط
آنست که در اخفات چنان بخواند که صحیح قریب نشود و خود نیز
حرف بگوید و اما آنچه در صحیح زبانه مذکور است که اگر کسی فراموش
قرات را در رکعت اول قضا کند آنرا در رکعت آخر نماز قضا فعل
یعنی محل خود قرات می کند اگر چه اگر فراموش کرده بود تسبیح اول
بود ولیکن در صورت اولی قرات آنست تا نمازش بی فاتحه الکتاب
نباشد و اما در تکبیر و تسبیح مکتب که قضا یعنی فعل باشد و ممکن
که بمعنی خود باشد و یا آنکه در موضع تکبیر بگوید و در موضع تسبیح
شش تسبیح بخواند و احوط آنست که قصد قضا نکند و از صحیح دیگر
نزد آنکه ظاهر میشود که در رکعت آخر تسبیح واجب است که متعین و اخبار
خواهد آمد و ازین خبرش ظاهر میشود که اگر در رکعت اول تسبیح بخواند
سهونیده سهوناید کرد و اخبار غرض درین باب خواهد آمد ان شاء الله
و در وی الحاکم بن حماد عن ابی عبد الله صلوات الله علیه آنکه
قَالَ اسْتَوْعِنَ الْقِرَاءَةَ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى قَالَ قَرَأَ فِي الثَّانِيَةِ قَا

اقْرَأْ فِي الثَّانِيَةِ

اعاده ميکنند نماز را و اگر کسی هم وارث کند بروی چیزی نیست نه کتبه نه تکرار
و این حدیث و امثال این حدیث بسیار ظاهر میشوند که هر چه را خیر
و تعالی برین مکان واجب ساخته است بترک آن عمدًا و سهواً نماز باطل
میشود مثل تکبیر احرام و نیت علی المشهور و رکوع و سجود و طهارت
و وقت و استقبال و هر چه را **انحراف** بنقض یا اعم از نقض
و غیر آن واجب ساخته است مثل قنوت و اذان و رکوع و سجود
و تشهد و سلام علی الخلاف بترک آن عمدًا نماز باطل میشود لیکن
میشود که استدلالی که کرده اند از قرآن مجید بر وجوب قنوت بلکه
حق سبحانه و تعالی فرموده است که **فأقرأوا واما نیکو من القرآن**
یعنی بخوانید از قرآن آنچه را انسان باشد بر شما مشکلی نباشد خوب نیست
چون این در عمل شب واد شده است و اگر قنوت در نماز باشد قنوت
در نماز شب را خواهد بود بچنانکه خواهد آمد و مثل حدیث مزبوره است
صحیح حدیث مسلم از احدها صلوات الله علیها لفظاً و معنی و در موقوف
کا للفتح از منصور بن حازم منقولست که گفت عرض نمودم بحضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه که نماز واجب می آید و فرمود
کردم در جمیع نماز که قنوت کم حضرت فرمودند که ایاد رکوع و سجود را
نکرده و کتم بقی آنها را می آید و در موقوفش کرده ام حضرت فرمودند که
نمازت صحیح است چون ترک قنوت نسیاناً واقع شده است و طهارت
مرا و از قنوت فاتحه الکتاب باشد و چون در حدیث صحیح از علی بن
و بابر و در صحیح از زبلی حضرت امام جعفر صادق ص و آورده است
که فاتحه الکتاب بنماز هر وضو مجزئ است و صفات نماز را با صحیح

منافات

از انحراف

نمودند یا حد حضرت فرمودند که حد و حدیث صحیح است بعد از آنکه الله عزوجل
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که خوشبختان و تقویان و سجد را
در قرآن مجید واجب دانیده اند یعنی کسی که اگر شخصی باز مسلمان شود و قرآن
نماید که ایستاد و آنکه تکیه بر احکام نکند و پیش از آنکه بخواند یعنی تسبیحات اربع
بدان سجد و نماز کند و با آنکه تکیه بر تسبیح را بداند از آنجا که در حدیث
از معوی بن عمار منقولست که عرض کردم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که
شخصی میگوید که قرآن را در هر رکعت آخر بخواند پس بعد از آنکه حدیث فرمودند
که رکوع و سجود را تمام کرده است گفتیم بلی حضرت فرموده اند که اگر کسی در هر رکعت
که آخر نماز را اول گفت یعنی قرآن را در هر رکعت آخر بخواند و یا حدیث سوره
دود در هر رکعت آخر بخواند و این معنی ظاهر است و بعضی باین اخبار و الله تعالی
بعلم و روی العلا عز محمد بن مسلم علیه السلام جعفر صلوات الله علیه
فی جعل شایق ما اتحد انه لم یزل فاین استیعق الله که هر یک از طریق
استحبابین الکتاب رکوع هسما و تسبیح صلوات الله علیه علی التمام و رکعت
که یستقیمین الا بعد ما فرغ و انصرف فلیقم و لیصل رکعة و سجدة
ولا شیء علیه و بده سند صحیح منقولست از علا از حدیث از حضرت
امام محمد باقر صلوات الله علیه در شخصی که شک کند که آیا رکوع کرده
یا نه حضرت فرموده اند که نماز را تمام میکنند و نمازش صحیح است مگر آنکه
یقین داشته باشد که رکوع نکرده است اگر یقین کند رکوع نکرده است
پس باید از نماز دو سجده آنکه رکوع ندارد و بنشیند نماز که تمام کرده است
یعنی بر رکعت سابع برین و نماز را تمام کند و اگر بعد از آنکه از نماز فارغ
شود یقین بفرشت که رکوع نکرده است بخیزد و رکوع و سجده بخواند

بعد از
فلیقم

الحدود

میکنم که رکوع کرده ام یا نه حضرت فرمودند که رکوع کرده و نمازت صحیح است
و این وسواس بنیطالست پس ظاهرش آنست که وسواس داشته است
بقیته آنکه ظاهرش آنست که سران رکوع برداشته است و مع هذا شک
کرده است و لهذا حضرت چنین فرمودند و همچنین عمل بکثیر السوء و کثرت
میشود حلیت کا یعنی عبد الرحمن گفت عرض نمودم حضرت اما جعفر
صلوات الله علیه که شخصی خود را بسجده انداخت و عیندا ندکه رکوع کرده است
یا نکرده حضرت فرمودند که کرده است چون ظاهر آنست که رفتن بسجود
کافی باشد و لهذا حضرت فرمودند که کرده است و شک میکند چنانکه ذکر
وسواسیانت و اما جعفر که گفت سوال کردم از حضرت اما جعفر
صادق علیه السلام شخصی که فراموش کند بیک رکعت از نماز تا فارغ شود و بعد از آن
بخطا طریقی که رکوع نکرده است حضرت فرمودند که بر پیشانی او رکوع میکند
و در سجده ظاهرش آنست که رکوع نکرده است رکوع را بعد از نماز میکند
و در سجده سهو میکند و لیکن حمل کرده اند بر آنکه بیک رکعت رکوع کرده است
و بسیار است که تغییر میکند از رکعت بیک رکوع و در سجده و روی علیه الله
از سنن ابن عزیل علیه السلام صلوات الله علیه انه قال اذا نسيت
من بعد من الركعة او ركوعا او سجودا او تكبيرا ثم ذكرت فاقضها
فانك سواء سئوا و در تفسیر فاصبح الذي فانك سواء است
و بسند صحیح منقولست از عبد الله که حضرت اما جعفر صادق علیه السلام
علیه فرموده اند که هرگاه فراموش کنی چیزی از نماز خواه رکوع و خواه سجده
و خواه تکبیر و خواه طریقه باشد که فراموش نمودی وقت پس بجا آورده
آنرا فوت شده است نماز را قضا فعل است بقیته نسخه شیخ فاضل

ظاهره

ماله رکوع

عبداللہ

۳۳۰

۳۳۱

و محتسب که مردان اعم از سهو و شکی در رکعت یا در افعال باشد
 و در سجده بزنی واردات که گفت سوال کردم از حضرت امام رضا صلوات
 علیه از شخصی که بیک رکعت نماز بکشد و چون رکوع برود در رکعت و در رکعت
 دوم بخاطر سهو یا سهو که رکعت را در رکعت اول کرده است حضرت فرمودند
 که حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه میفرمودند که رکعتی داند که
 در رکعت اول سجده را ترک کرده است ^{و نماند که بیک سجده را ترک} و نماند که بیک سجده را ترک
 کرده است یا دو سجده را نماز را از سهو بیک رکعت یا بقیه بقیه که دو سجده
 کرده باشد و در رکعتی هم بخطا است و چون از سجده بقیه بقیه
 استدلال کرده اند که شکی و سهو در افعال در رکعت اول سبب
 بطلان صلوات و این حدیث صریح نیست بلکه بعد از تمام نماز
 میشود از تضرع جواب و نسبت بدیگری دادن که بقیه بوده است
 و جواب جنم بترک مطلق سجده و شک در رکعت و دو است و این
 معنی دیگر است غیر آنچه او سوال کرده است یا آنکه اخباریست یا
 شده است بر عدم بطلان و خواهد آمد و روی غیر التماس
 الرأی آنکه قال کنت مع أصحابی فی سفر و أنا إمامهم
 فصلیلت بهم المویب فسلک فی الکعبین الأولین فقال
 أصحابی إنما صلک بنا رکعتین فکلمتکم و کلمونی فقالوا
 أما نحن فتعبد فقلت لا کیتی لا ائخذ و ائتم رکعة فاعتمت
 برکعة ثم سرتا و انیت ابا عبد الله صلوات الله علیه فذكرت
 له الذي كان من امرنا فقال انت کنت أصوب منهم فعلا و أنا
 یقعد من لا یبصری ما ضل و مرویت بسند قوی از افعان که از

در رکعت

والتعاقب را فرمودند پس حضرت دو رکعت نماز دیگر کردند و در صحیح منقولست
از حاد ثقی که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
علیه که ما غانما میگردیم امام ما سه رکعت و در دو رکعت سلام داد پس ما
نماز را عاده کردیم حضرت فرمودند که چرا عاده کردید نه حضرت سید عالم
صلی الله علیه و آله سلام دادند در دو رکعت دیگر را کردند چنانکه تمام نکردید
نماز خود را و روی عتد اَنَ مَنْ سَلَّمَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ مِنَ الظُّلْمِ وَالْغُلَامِ
الْحَصْرِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْأَخْرَجَ مِنْ ذَلِكَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ صَلَوَاتُهُ وَلَوْ نَزَلَ
الْحَصِينَ وَلَا عَادَهُ عَلَيْهِ وَبِسند موثق منقولست از حاد که حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هر کس سلام دهد در دو رکعت
یا عصر یا مغرب یا خفتن و بخاطر آن بد که نماز را تمام نکرده است پس باید
بنامند بر پنج رکعت و نماز را تمام کند و اگر بعد بشهر چنان رسیده باشد
که بشهر ماه راهست بخدمت از مدینه متفرق تا اینجا و عاده نمیکند نماز
و روایت کرده است شیخ در صحیح از مراده از حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه که گفت از حضرت سؤال کردم که هرگاه شخصی در کوفه نماز چهار رکعتی
در دو رکعت بکند و بعد از آن در مسکن یا مدینه یا مصر یا در شهر دیگر بخاطر آن
رسید که دو رکعت کرده است فرموده اند که دو رکعت دیگر در آنجا بکند
و محل کرده اند بر این گفته و آن بعد است پس اگر راضی نکرده باشد که هر
کرده است و این بر سبب استیجاب باشد و سَنَّاكَ عَبْدُكَ زَكَرِيَّا أَنَا
عَبْدُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَنِ الرَّجُلِ يَقْبَلُ الْمَدَاءَ رُكْعَةً وَيَسْتَعِذُّ
وَيُصَلِّتُ وَيُحْيِي ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ إِذَا صَلَّى رُكْعَةً قَالَ لِيُصَلِّتُ
الْبَاقِيَةَ رُكْعَةً وَكَانَ لِي فِيهِ رُكْعَةٌ وَرُكْعَةٌ وَرُكْعَةٌ وَرُكْعَةٌ وَرُكْعَةٌ وَرُكْعَةٌ

کردن رکعت

۳۳۳

می آید بدانکه این حدیث مجلسی محتمل است که مراد او این باشد که السلام
علیک سلامت حضرت فرموده باشند که نه بلکه السلام علیما سلامت
و احتمال دارد که مرادش این باشد که اگر کسی عبارت اول را بگوید و بگوید
اول نماز را بطلان می شود حضرت فرموده باشند که عبارت ثانی مطلق
و برین مضمون اخباریست دیگر وارد شده است و خواهد آمد به طبیع
آنست که محل بر معنی کنیم و این لازم دارد معنی اول و روی الحلی عن
ابی عبد الله صلوات الله علیه آنکه قال اذا لم یجد انفسه صلیت
ام انما و کما یذهب و همک الی غیری فقیه و سبک که صل
و رکعتین و أربع سجرات فقام فیها باجم الکتاب ثم تنهت و سلم
فان کنت اجماعاً صلیت رکعتین کانتا هاتان تمام الاربع و ان کنت
صلیلت اربعاً کانتا هاتان ثانیة و باسبب صحیح منقولست از مجلس
که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه ندانی که دو
خاک کرد یا چهار رکعت و هیچ طرف پس در مضمون تو نباشد پس تشهد
بخوان و سلام و بعد از آن دو رکعت نماز ایستاده می کنی بدو رکوع و
سجده و الحمد لله یا منی و سلام می دهی پس اگر دو رکعت کرده باشی یا اربعاً
باین دو رکعت چهار رکعت می شود و اگر بیشتر چهار رکعت کرده باشی این
دو رکعت را فاقه حساب می کند حق سبحانه و تعالی هر چند احتیاط واجبست
و نیت و جوب می باید کرد و دان ولیکن باین برساند که متمم باشد
با ثانیة و همین مضمونست صحیح ابن ابی عمیر و صحیح محمد بن مسلم نظام
صحیح زراره و صحیح ابو بصیر و حسنه کا لیه حلی آنست که بنا بر اول
می گذارد و دو رکعت بگویم که اگر دو باشد چهار می شود پس ناچار است

از آنکه

و بآن رکعت پنجم منضم سازد که دو رکعتی باشد و شیخ روایت کرده است
در قوی نقل از محمد بن مسلم که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر علیه
علیه السلام از شخصی که بعد از آنکه نماز ظهر کرده باشد یقین ببرد که پنج رکعت
نماز کرده است حضرت فرموده اند که چگونه یقین ببرد که پنج رکعت کرده
است علم بهر میان حضرت فرموده اند که اگر علم داشته باشد که در رکعت چهارم
نشسته است پس نماز ظهر تمام شده است پس بر پنج رکعت و یک رکعت ایستاده
و بآن رکعت پنجم سازد که دو رکعتی باشد و شیخ روایت کرده است و این حدیث
سواء حدیث جمعیست و احتمال ندارد که سهوی شده باشد چون این حدیث
حضرت امام محمد باقر روایت کرده است بخلاف عین و در حدیث من علم
علم با کافی داشته است هرگاه علم بچهارم نشسته باشد و علمست
که در صورتی که نماز تمام و اتمام و اتمام هر وقت در حسن
کا لقی از راه دیگر از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرموده اند
که هرگاه یقین کند که نماز واجب زیاده کرده است آن نماز احسان کند
و اعاده کند نماز را هرگاه یقین ببرد که زیاده کرده است و در موقوف
کا لقی از حضرت امام جعفر صادق علیه منقولست که فرموده اند که هرگاه
زیاده کند در نماز پس بروست که اعاده کند پس بخواست بر موقوف که بگذرد
نشسته نشسته باشد و از او اسامه منقولست که از آنحضرت سوال کردم
از شخصی که نماز عصر را شش رکعت کند یا پنج رکعت حضرت فرمودند که اگر یقین
داند که شش رکعت یا پنج رکعت کرده است اعاده نکند و اگر نداند که زیاده
کرده است یا کم کرده است دو رکعت نماز نشسته بکند که اگر سه باشد نماز
شود و اگر یقین ببرد که دو رکعت کرده است یا سه رکعت و فارغ شده

جمله

سلام و سخن گفته باشد و ندانسته باشد که نماز تمام نکرده است لازمست که
نماز را تمام کند یا بجز سه و کرده است پس حدیث ذوالقلمین را بیاورند و فرمودند
و سأل الفضیل بن یساراً یا عبد الله صلوات الله علیه عن النبي فقال
من حفر سهواً فامته قلبه عليه سجدة السهو و إنما السهو على من
يذكر أن أدباً صلى ثم نكس ثوباً و كان يجتمع منقولست از فضیل بن که گفت
کردم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از سهو حضرت فرمودند که
هر که حفظ کند سهو خود را و نماز تمام کند یا آنکه در محل خودش بجا آورد یا نشسته
و نماز احسان بکند بر سجده سهو نیست و بخت سجده سهو بر کسی که ندانسته
در نماز زیاده کرده است یا کم کرده است و ظاهر حدیثست که شکر کرده باشد
در میان سه و پنج تدارک می کند احتمال سه و یک رکعت نشسته و فیما بین
بد و سجده سهو چنانکه در حدیث اسامه که گفت و احتمال دارد که سجده
سهو کافی باشد و ظاهر حدیثست و گفتن نماز احسان ضرر ندارد چون
غرض سجده سهو است و به همین عبارت منقولست و موقوف کا لقی از
منقولست در حسن کا لقی از راه دیگر از حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند
هرگاه کسی از شما شکر کند در نماز و نداند که زیاده کرده است یا کم کرده
پس دو سجده نشسته بکند و حضرت این دو سجده سهو را از عین بیان
یعنی بنی شیطانی را بخاطر میماید چون میخواست که نماز تمام بکند
شما علی رغم و سجده می کنید و دلیل میشود و بجهت عبادت شامل این
که شکر کند که آباد و رکعت نماز کرده است یا سه رکعت یا پنج رکعت یا دو و پنج یا
شش و سجده سهو از جهت احتمال پنج و شش باشد و هیچیک از این شکر کند که یا سجده

کرده است یا سه سجده یا سوره خوانده است یا دوسوره خوانده است و علی
 مطلقا متوجه این معانی نشده اند و در شک میان سه و پنج و دو و پنج
 و اثنایها قابل بطلان صلوات شده اند اگر چون این عبارات صحیح
 نیست درین مطلوب و لیکن ظواهر کافست چنانکه خواهد آمد و بعضی
 از فضلا احتیاجی داده اند که ملازمین عبارت شک میان چهار و پنج باشد
 که میداند که یک رکعت یا دو رکعت است یا از یاد کرده اند که تمام
 و لیکن الفاظ و تمیز است و در کلام معصوم لایق نیست و در حدیثی
 عَنْ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَتَى قَالَ لَمْ تَذْكُرْ لَنَا صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْكَ
 أَنْ يَذْكُرَ أَنْ نَقْصُرَ فَتَقْصُرَ وَسَلِّمْ وَأَجِدُ جَدِّينَ بَعِيْرَ مَوْجِ وَلَا
 قِرَاءَةَ تَشْتَدُّ خَفِيْفاً وَبِاسَانِدٍ عَجِيْبٍ مَنْقُولَةً عَنْ جَلِيٍّ كَمْ حَضَرْتُ أَمَامَ
 جَعْفَرِ صَادِقٍ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَمَعْرُوهٌ أَنْدَكَ هَرَكَةً نَدَى كَمْ جِئْتُ رَكْعَةً
 كَرْدَةً بِأَجْزِ رَكْعَةٍ يَزِيدُهُ كَرْدَةً يَأْكُلُ بِرِئْسِ تَشْهِيْدِ جَوَّانٍ وَسَلَامٍ بَدِيْهِ وَدُجِيْهِ
 سَهْوَكُنْ بِيْ رَكْعَةٍ وَفِي قِرَاطِهِ وَبَعْدَ رَجْعَتَيْنِ تَشْتَدُّ خَفِيْفاً يَحْيَى وَأَنْ
 أَتَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأُشْهِدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ الْأَكْثَمُ صَلَ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَسْتَ وَسَلَامٌ خَوَاهِدْ أَنْدَكَ وَظَاهِرُ عِبَارَتِ يَزِيدُهُ كَرْدَةً يَأْكُلُ
 أَتَى كَمْ مَذْكُورٌ شَدِيداً بِإِحْتِمَالِ تِلْكَ سَابِقَةٍ وَدِيْجِ احْتِمَالِ بِيْكَرِ رَاوِ
 كَمْ دُرْغَمِ يَزِيدُهُ يَنْقُصُ بَعْلُ أَكْبَرِهِ بَاقِي سَهْوٍ وَاجْتِنِ بَعِيْدَ نِيْسَتِ جَدِّ
 این معنی است سجده این ای عیبر بعضی از اصحاب مانند صفیان بن سحر که
 بمد و حست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرموده اند که
 دو سجده سهو میکند در هر زیاده ای که داخل پیش و بر تو یا نقصانی که بکنی
 در نماز و احوط التفت که در هر زیاده ای و نقصانی که مبطل نباشد دو سجده

سهو میکند و التفت میان چهار و پنج اگر بعد از تجدیدن باشد چنانکه ظاهر
 تمام میکند و دو سجده سهو میکند اگر بعد از احتیاجی یا در چنانکه
 عبدالله ترسان و صحیح ابو یوسف نیز منقول است از حضرت امام جعفر صادق
 صلوات الله علیه که فرموده اند که هرگاه ندانی که چهار رکعت نماز کرده یا پنج
 پس دو سجده سهو میکند بعد از سلام در وقتی که نشسته باشی و بعد از پنج
 سلام مکن و نشسته در حدیث جلی بود پس نشسته و سلام در سجده پنج باشد
 و ذکر دو سجده کن نشسته در حدیث جلی و در روی محمد بن مسلم عن ابي جعفر
 صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَتَى سَمَلٌ عَنْ رَجُلٍ دَخَلَ مَعَ الْأَمَامِ فِي صَلَواتِهِ
 وَقَدْ سَبَقَهُ بِرَكْعَةٍ فَلَمَّا قَرَعَ الْأَمَامُ نَزَعَ مَعَ النَّاسِ ثُمَّ ذَكَرَ بَعْدَ
 ذَلِكَ أَنَّ فَايَةً رَكْعَةً قَالَ لَيْسَ بِرَكْعَةٍ وَاحِدَةٍ وَمَنْقُولَةً عَنِ
 دِرْوَازِ شَيْخٍ در سجده از محمد که پرسیدند از امام محمد یا در صلوات الله علیه
 از شخصی که داخل شود یا امام در غارش و امام پیش از هر رکعت کرده باشد
 و چون امام سلام دهد او نیز تسبیحاً سلام دهد و بار هم از سجده بارید
 رود بعد از آن بخاطر این رسد که یک رکعت از وفوت شده است حضرت فرمود
 که او اعاده میکند یک رکعت یا بقی بجای آورد و گذشت سجده عبدالله و
 آن و تسبیح و بکار و وفی و غیره از محمد بن مسلم منقول است و همچنین
 از عبید بن زرار و در روی محمد بن الحسن بن اخیاح عن ابي ابراهيم صَلَواتِ اللَّهِ
 عَلَيْهِ قَالَ قُلْتُ لَا يُؤْتِي صَلَواتِ اللَّهِ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ رَجُلٌ لَا يَذْكُرُ
 اَنْتَيْنِ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَنْ تَذْكُرَ أَنْ تَذْكُرَ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ رَكْعَةً مِنْ صَلَواتِ اللَّهِ
 وَسَلِّمْ ثُمَّ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَهَذَا لَيْسَ وَمَنْقُولَةً در سجده علی التمام
 و المشهور و بعد از التمام از حضرت امام موسی صلوات الله علیه که عرض نمود

بخدمت امام جعفر صادق صلواته الله علیه وآله که هرگاه شخصی بداند که دو
 نماز کرده است یا سه رکعت یا چهار رکعت حضرت فرمودند که یک رکعت یا بیش
 میکند و سلام میدهد بعد از آن دو رکعت نشسته میکند پس اگر دو رکعت
 سه رکعت کرده باشد چهار رکعت یا بیش استاده و دو رکعت نشسته
 تا فلحوا هد بود و اگر دو رکعت دو باشد باین هر دو چهار رکعت و در حسن
 کالیتهم از این امر پرسش نمود که او از بعضی از شیخ خود را شنیده است
 از حضرت امام جعفر صادق صلواته الله علیه در شخصی که نماز کرده و بداند
 که دو رکعت کرده است یا سه رکعت یا چهار رکعت حضرت فرمودند که دو
 نماز استاده میکند که اگر دو باشد چهار رکعت و بعد از آن دو رکعت
 نشسته میکند که اگر سه باشد چهار رکعت و اگر دو رکعت چهار رکعت
 باشد این چهار رکعت نافله خواهد بود و اگر نیت نماز خواهد بود و مشهور میان
 علما این حدیث است که عمل بآنچه صدوق ذکر کرده است اولی است و اگر
 ظاهر آنست که بخیر باشد در عمل بآنکه خواهد و روی عملی از آنست که
 عَنْ الْعَبْدِ الْقَائِلِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ سَأَلْتُ عَنْ الرَّجُلِ يَتَنَبَّهَ
 كَلَامَهُ بِأَيِّ أَفْجِدَةٍ صَلَّى أَمْ أَنْتَبَهَ أَنْ يَكُنْ أَوْ أَرَبَعَ أَلَيْسَ عَلَيْهِ صَلَوةٌ
 فَقَالَ كُلُّ ذَا ثَلَاثٍ نَعَمْ قَالَ فَلَمْ يَجِبْ فِي صَلَوةٍ وَلَيْتَعَزَّ بِاللَّهِ مِنَ
 الشَّيْطَانِ الْخَبِيثِ فَإِنَّهُ يُؤْتِيكَ أَنْ يَنْتَبَهَ عَنْهُ وَبَسَدَ مَحْجُومٌ قَوْلُ
 ابْنِ نَفْلٍ زَعْلَى بْنِ الْحَجَرِ لَعَنَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَظَاهِرُ بَقْلِ ابْنِ مَالُوعٍ عَنْ اللَّهِ
 بِشَرِّ مَالُوعٍ وَبُودِهِ اسْتِ وَبِهِ مَالُوعٍ بِشَرِّ غِيَاثِ اسْتِ بَقْلِهِ
 كَذَا ابْنِ مَالُوعٍ رَسِيدُ وَبَنَى وَاقْفِي بَقْلُ ابْنِ شَكِّ شَدَّ وَاحْتِمَالُ دَارِدُ
 شَمَالُ شَدَّ وَاقْفِي اسْتِ وَخُوشَ عَقْدَارُ وَبِسَبَبِ اسْتِ تَرَكَّ حَدِيثُ ابْنِ بَتَّةِ

نفسه میکند که اگر سه باشد چهار شود و اگر یک باشد با هر دو و چهار شود و بنا بر نسخه
بگفت ایستاد و بصورت میماند که آن یک باشد و اگر اعتبار از کرد و اندک نظر
آن احسان بر سلطان صلوات و صدق میگوید که اگر چه این اخبار بخاطر
مختلفند ولیکن در واقع اختلاف ندارند چون صاحب سهو غیبت و هر چه از
صحاح و دراست عمل کرده است و صدق اخبار صحیح که سبب بطلان آنها
علی کرده است و این اخبار را یکو اقامه است و فقیه و ارشد است و عمل است
و در وقتی که بنحی این عبادت که **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَا تَكُلُوا صَلَواتَ اللَّهِ عَلَيْهِ**
إِذَا شَكَّ فَإِنَّ عَلَى الْيَقِينِ قَالَ قُلْتُ هَذَا أَصْلُ مَا كُنْتُ أَعْرِضُ وَرَوَيْتُ
مَقُولًا رَأَيْتُ كُنْتُ مَعَهُ شَاهِدًا مَوْحِي كَافٍ صَلَواتَ اللَّهِ عَلَيْهِ فَمَنْ دَرَسَ
كُنْ يَابَرِيقَ لَكَ رَحْمَةٌ فَتَعْرِضُ فَعَدَمُ که این قاعده گشت حضرت فرمودند که
بنظر ظاهر این گشت که نظر اقامه کرده و بیشتر گشت که بنابر آنکه شکی در این
که صدق و قابل باشد چنان بنابر اقل و بنابر اکثر چنانکه الحاکم گفت و جمعی نقل
کرده و اندک از این حدیث را که اکبر را در آن ذکر کرده و اگر اعتبار از ارجح و در بعضی
برای الله است و نماز و سجده است زیرا که اگر در واقع آن را بخواند بجا آورد و آن
بنا بر آنکه باشد و اگر کم باشد بنابر ستم باشد بخلاف بنابر اقل که با باشد و موقع
آنرا باشد و نماز زیاد و میشود و باری عمل نماز را باطل میکند و عمل بر آن خلط کرده است
این خبر را بخاطر یک بر منفعون و ارشد است مثل حدیث حسن که بعضی
ابی علامه بدو است و موفق که بعضی بخدا هم که ابی یعقوب و قوی عبد الرحمن بن
حجاج که هر که شک کند بنیان **وَدَّ وَبَابُ يَكْدُ** میکند و در آن میکند و بنا بر این عمل
بر نافه کرده اند که اخلاص متواتر و ارشد است بر سلطان صلوات که
شک کنند بنیان **وَدَّ وَبَابُ يَكْدُ** و بعضی از آن گشت **وَسَأَلَ عَمَلُ اللَّهِ مِنْ ابْنِ**

صدوق مکتوبه

صدوق علی و اسناد بخیر میان
غیاث و قلی بن ابی بکر اکثر



۳۳۸

اَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ الْمَكْتُوبَةِ وَلَا
 يَكُنْ فِيهَا فَقَالَ إِنْ ذَكَرَهُ وَهُوَ قَائِمٌ فِي الثَّلَاثَةِ فَلْيَقْلِبْهُ وَإِنْ لَمْ يَذْكُرْ
 حَتَّى يَكُنْ قَائِمٌ فَلْيَتَمَدَّدْ ثُمَّ لِيَجْعَلْهُ سَجْدَةً وَهُوَ قَائِمٌ قِيلَ إِنَّهُ سَجَدَ
 وَاسْتَأْنَفَ سَجْدَةً فَقَالَ اللَّهُ كَلِمَتُكَ سَأَلَ لَوْ دُمُ الْأَخْفَضِ مَا أَفْعَلَهُ
 كَمَا دُرُكْتَ غَاثُ وَاجِبُ جَاءَ أَوْرَدَ فَرَمُوشَ كُنْدَ كَلِمَتِهِ لَمْ يَنْتَبِهْ لَمْ يَنْتَبِهْ حَقًّا
 فَرَمُوشَ كَلِمَتِهِ لَمْ يَنْتَبِهْ لَمْ يَنْتَبِهْ لَمْ يَنْتَبِهْ لَمْ يَنْتَبِهْ لَمْ يَنْتَبِهْ لَمْ يَنْتَبِهْ
 بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 سَجْدَةً سَهْوًا كَلِمَتُهُ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 سَلَامَانَ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 فَوَيْدِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 كَلِمَتُهُ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 سَهْوًا كَلِمَتُهُ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 وَارِدِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 كَلِمَتُهُ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 كَالْفَتْحِ زَيْدُوشَ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 عَرَضَ فَرَمُوشَ كَلِمَتُهُ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 اَزْدَ فَرَمُوشَ كَلِمَتُهُ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 كَلِمَتُهُ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 وَكَلِمَتُهُ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ
 كَلِمَتُهُ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ بَنَسِينِ دُشْمَنْدِ

دو سجده سهو میکند و آنکه درین اخبار بسیار است و هر کس که از اینها آید
 همین باشد که چون سجده سهو را ذکر فرموده اند و گفته اند که غی بود از تشهد
 منتهی نشدیدی دیگر گفته اند و اگر کسی حقا دانند و تشهد را پیش از سجده سهو
 یا احوال را بجا آورد و طوطی او را بود تا آخر گفت صحیح است که کرده باشد اما اگر
 سهو کرده باشد تا آخر بجا آورد و در حدیث صحیح از محمد بن مسلم از احمد صاحب
 علمها منقولست در شخصی که از نماز فارغ شود و بخاطرش برسد که تشهد را بخواند
 و سلام گفته است حضرت فرمودند که اگر نزدیک باشد بجا بخورد و و تشهد را
 بخواند و اگر نرسد بجا بکشد و و تشهد را بخواند و و تشهد را بخواند و و تشهد را بخواند
 در نماز یعنی و چون از رتبه بی ظاهر شده است و و تشهد را بخواند و و تشهد را بخواند
 و در قوی که الحاق از سجده منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر
 صلوات الله علیه از شخصی که سهو کند تشهد در نماز حضرت فرمودند که
 و تشهد را بخواند و و تشهد را بخواند و و تشهد را بخواند و و تشهد را بخواند
 سهو نیست و ظاهر از این سجده سهو باشد که تلاذ کرده است و اخبار بسیار
 وارد شده است و آنکه هر چه را تلاذ کند سجده سهو ندارد و اگر سلام را فراموش
 کند کرده باشد و فاصله بسیار باشد و تشهد را بخواند بجا آورد و در حدیثی
 کالفتح زیدوش منقولست که گفت بجز امام موسی کاظم صلوات الله علیه
 عرض نمودم که امامت جمعی میگردم و تشهد را بخوانم و برخواستم و سلام ندادم
 از و فراموشی پس ما موسی گفتند که سلام ندادی بر ما حضرت فرمودند
 که در وقتی که تشهد روی سلام گفتی لغت فراموشی فرمودند که با کمال است
 و اگر با کمال فراموشی کرده بودی و ایشان می گفتند که سلام نکرده ام
 که در ایشان کنی و بگوئی السلام علیکم و ظاهر عبارت آنست که سلام بجا

دو سجده سهو

مثل السلام علينا گفته بوده است و حضرت فرمود بگفتند که همان بس است
 هر چند قصد خروج نکرده بوده است یا سلام گفته بوده است و فرمود که در
 بوده است و باینسان کند در حال نماز سلام و ظاهر آنست که السلام
 علیکم کافی باشد اگر چه ممکنست که مردان باینسان که تا آخر در موقوف
 کا یعنی آنحضرت امام جعفر صادق و صاحب است علیه نقول که هرگاه
 شخصی فراموش کند سلام را و در واز قبله بگردد یا در اینجا باشد کند
 و بگوید یا گفته باشد السلام علینا علی عباد الله الصالحین از نماز
 خارج شده است یا میشود و ظاهر آنست که اگر این سلام را در وقت نماز
 گفت باشد کافیست از سلام منعی کا یعنی آنحضرت منقولست که هرگاه
 ماموم فراموش کند که سلام دهد سلام امام کافیست از سلام او و در
 محمد بن مسلم عمن عن احدی صلوات الله علیه آله قال ان شئت الله
 بعد مناصتکم فکم بدیهة انکم صلی الیها و کان یقیمه حیث انصرف الیه
 کان قد اسم کفر بعد الصلوة و کان حیث انصرف اقرب الی الحوض
 بعد ذلك و کا یعنی منقولست آنحضرت امام جعفر صادق فرمودند
 که اگر کسی بعد از نماز شک کند و نداند که سه رکعت کرده است یا چهار رکعت
 و در وقت خارج شدن از نماز اعتقادش این بود که نمازش تمام شده است
 اعاده نمیکند نماز را زیرا که در وقت خارج شدن از نماز نزدیک بود بآن
 از حال بعد از نماز او حاصل آنکه شک بعد از فراغ اعتبار ندارد و در حال
 صحیح آنحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست و شخصی که شک
 کند بعد از فراغ شدن از نماز حضرت فرمودند که اعاده نمیکند نماز او و
 چیزی نیست و در صحیح بخاری آمده گفت که هر چه وقت گذشت آنست که میگذرد

میدار تا ج ما مومین و همچنین اگر ما مومین شک داشته باشد ما مومین
و اعتقاد ما مومین می کنند در کبریه و نیست در صوفی و شک در غایت ما مومین
نماز است که شک با نیکو از نیک و همچنین سهوی نیست در غایت که شک
در کلمات آن سبب بطلان نماز است و همچنین سبب بطلان شک
در دو رکعت و اگر نماز را نیکو کند شک و در کافی و فقه بیست که
و لا سبب شک تا فاکه و شک نیست یعنی هر نماز را در نماز است که در کبریه و در کبریه
باشد و همچنین است که بنا بر کبریه که در نماز است که در کبریه و در کبریه
ما مومین مختلف شود چنانکه درین مثال واقع شده است پس بیایم
و ما مومین در احاطه آنست که نماز را هر چه که کند و آنچه یقین است
عمل نمایند که نماز از سر گرفته و نیز هدیه و اکثر نیز کافی چنین است
بنابر آنچه که اگر اعاذه و او داشته باشد و احتمال دیگر که مراد از آن
به هر یک لازم است که عمل کنیم خود کند پس درین صورت جماعتی
که جزم در سه رکعت دارند دیگر می کنند تا چهار رکعت و در
جماعت که جزم در چهار رکعت سلام می دهند و اما هر یک از این طایفه
متفق باشند با آن طایفه دیگر می گیریم و طایفه دیگر قصد آنرا
می کنند و اگر ما مومین شک داشته باشد رجوع بیک طایفه می کند که
علم داشته باشد و بعد از آن رجوع بیک امام می کند که کعبه
لاستقامت داشته باشد و مثل آنچه مذکور شد که طایفه و
شک میان دو و سه داشته باشند و طایفه شک میان شک
میان سه و چهار داشته باشد پس هر طایفه دویم یقین را باید
و طایفه اولی یقین بطلان آن ندارند اما رجوع بیقین ایشان می کنند

بهنرست غایت نیست
بیکتر گذارده

و عمل به می کنند و طایفه اولی نیز عمل به می کنند و اگر ما مومین شک داشته
باشد شک در شک در میان شک و در کبریه و طایفه دیگر در میان سه و چهار
و امام احتمال هر دو دهد و در اینجا آنست که هر یک جدا شوند نماز طایفه اولی
و امام باطل است چون شک میان شک و در و است و طایفه دوم شخصی از ایشان
خود امام می کنند و بنا بر اکثر می گذارند بنا بر سه و چهار و بنا بر اولی و رجوع
خود را ظاهر می کنند و اگر درین صورت امام شک کند در میان دو و سه بطلان
اولی با امام بنا بر دو و سه می گذارند و تمام می کنند و طایفه دوم بنا بر چهار یا سه
می گذارند و تمام می کنند و محتمل آنست که درین صورت امام بناسه گذارد که
شک در آن دارد و چون طایفه دوم جزم در سه دارند و بنابر این ایشان عمل می کنند
و تمام می کنند و طایفه اولی نیز می بینند و اگر جزم خورند و در کبریه
و احتمال داده اند که چون امام شک در میان دو و سه است و رجوع بیک
دوم کرد و طایفه اولی نیز رجوع با امام کنند چون شک طرف شک امام و در شک
این بعد است بنا بر اکثر این طایفه اولی جزم دارند که سه رکعت کرده اند چون
کمنه جزم بخلاف آن داشته باشند و بنا بر این ظاهر شد که نسخه فقه که او
بقتضای که ملزم نباشد که هر یک از این طایفه در دعا کرده اند و رجوع می کنند
در جای که جزم در دعا داشته باشند شک میان شک و در و اعاده و کنند و در اینجا
که نماز حقیقی باشد که در شک در میان دو و سه باشد و چهار عمل احتیاط
کنند و قریب با جمعی از حدیث صحیح عبدالرحمن بن الحجاج از حضرت امام موسی
کاظم در سه و در دعا که حضرت فرمودند که بنا بر یقین می گذاری و عمل به می کنی
و احتیاط می کنی در هر نمازها و محتمل است که ملزم نباشد که بنا بر اولی می گذاری و
احتیاط را می کنی تا جزم هم رسد و در حسن کا فقه از حضرت امام جعفر صادق

شاید نماز احتیاطی واجب است
یا غایب و اعتقاد بر این است که
میکنند

مشفقت پسند صحیح عبداللہ بن مسعود کہ گفت سوال کردم از حضرت امیر مومنین
صلوات اللہ علیہ از حق تعالی فرمود داشت از ایشان سخن گوید با آنکه خدا گوید کہ
حضرا را بدست کند حضرت فرمودند کہ ما را روا تمام میکند و بعد از نماز دو سجده میکند
پس عرض نمود کہ یا ابا عبد اللہ سو پیش از نماز یا بعد از آن حضرت فرمودند کہ اول
از نماز و اقامت دیگر و این دو جنبه واقع ساخت سکرات و حقیقت
و شفقت برین است و بعد از آنکه اگر کسی خواب برود یا نماز بر او سکون کند و از حق تعالی
نکند و یا بخود گوید کہ سید کا نبات صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بر او رفت و میگوید
اگر است بخیرت سکون کند یا خواهد بود و گفت پسندیدم و دیگر از بعد از روات
گفته است کہ گفت از حضرت امام جعفر صادق صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم شنیدم کہ
فرمودند کہ حضرت سید المرسلین صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم میگردند و میگویند
کردند سلام و او ندانست بحال گفتند یا رسول اللہ یا اوردن از جنی بخدا نشاند
یعنی منوح شد حضرت فرمودند کہ چرا بحال گفتند و در گفت کردید و سلام
حضرت روید و المرسلین کردند و فرمودند کہ چنین بودی و المرسلین یعنی خدا
و دست او را و انبیا را این نیز میگفتند چون در دست چنان داشت و گفت ای بن
حضرت میخواستند و در دست دیگر کردند تا چنان گفتند شایسته حضرت خدا
فرمودند کہ حق حجاز و تعالی التخصیص سو فرموده از جهت جنت این است چون
اگر کسی میگوید و از سر زدن میکند و میگوید کہ ما عارف مقبول نیست و انکار
که از عارف میگوید و از حق تعالی میکند و میگوید کہ حضرت سید المرسلین
علیه و آلہ و سلم و دیگران سہل است و در همه مشایخ حضرت میکنند با احترام
این بس حضرت و سجده سو کردند چون سخن گفتند فرمودند ما را دانای نماز و در
حدیث صحیح عبداللہ بن مسعود کہ گفت از حضرت امام جعفر صادق ص

خبر
میان
و

و منقرض است

شديد كه فرمودند كه حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله در سفرى بحرين
نزول فرمودند و بلال را فرمودند كه پيدا باش كه چون جمع شود ازان بكوبى
و ما پيدا شويم اتفاقا بلال را نخواست و رفت و پيدا نشدند تا وقتى كه ازان را
پيدا شدند پس ما را ناسمج كردند حضرت در ركعت نماز نافله ايام آوردند
بوزان نماز جمع و جماعت كردند و نديس فرمودند كه اى بلال ترا چه شده
بلال گفت كه انگدا و نديك و نديك و نديك و نديك و نديك و نديك و نديك
كوب فرمودند و فرمودند كه درين وادى شيئا طين بسيارند نو قف درين
وادى ميكند و اخبار در خواب اخذ مى و سهولت مى و مشق و لغت مى و
كوب روات بسيار را بعد است وليكن تحملست كه از روى فقيه و اديبان
چون اين حكايست نزد عامه مشهور است و از حضرت عامه معصومين صلى
عليهم سوال ميكردند نشان موافق عامه جواب مى فرمودند و در جايى كه
متفق است در صحيح الاين بگير از دراره كه گفت سوال كردم از حضرت امام
محمد باقر صلوات الله كه ايا حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله حجه سو
كردند حضرت فرمودند كه اخبرتم بحجه سبوند و فرمودند و فرمودند و فرمودند
حجه سبوند و فرمودند قاله متفق هذا الكتاب رحمه الله ان الفاء
والهمزة لغتها الله يكررون سبوند الله عليه وآله يقولون
لو جاز سبوند صلوات الله عليه فالىمكن حازان سبوند سبوند
الصلوة عليه و فرمودند ما ان النبى عليه و فرمودند و هذا لا يكرن
و ذلك لان جميع الاحوال المستقره نفع على النبى صلى الله عليه وآله
و ما نافع على غير و هو مشقة بالصلوة كغيره من البشر و ليس
كل من سوا النبى هو فاما ان النبى اخفى بها اى النبوة و النبى

سوم

خدا بیدارند و بعضی بعضی و با فی اشیاء می دانند و بعضی اشیاء را صلوات الله علیه
 بی حلی الله علیه و آله میداند و بعضی اشیاء را می دانند و طایفه مفوضه که حق تعالی
 ایشان اینست که حق تعالی او را آفته هدی و آفرید و خلق ایشان را با فیض انوار
 و ایشان را خلق و رزق و محبت و کفر ایشان را متابعت حکم کرده اند و
 عقول که لغت خدا بر ایشان با انکار میکنند و بعضی را و بعضی را نیست که
 سهو و غفلت ایشان باشد بلکه جمیع شیعه بغیر از صدوق و شیخ و غیره انکار
 سهو و غفلت او و صیارات صلوات الله علیه می دانند و هرگز نیست که لغت بصدوق
 و شیخ او داده اند و همه چنین گفته اند که اگر ایشان را بداند که آنحضرت در زمان
 که وقت حضور قلب ایشان باشد و در آنجا سهو کنند عکس است که در تبلیغ احکام
 نرسد و گویند زیرا که غایت بر ایشان واجب است چنانکه تبلیغ بر ایشان واجب است
 علی فی شیعه ذکر کرده اند عکس است خلاصه ذکر کرده باشند و علما چنین گفته
 که در جمیع امری سهو بر ایشان جایز نیست و اگر ممکن باشد سهو ایشان فایده ندارد
 منفی میشود و اعتماد ان ایشان فایز میشود و صدوق جواب گفته است
 این مقصود بر ما لازم نمی آید بلکه آنچه دلیل عقلی دلالت میکند امتناع سهو
 در تبلیغ احکام است زیرا که شکی نیست در آنکه از بسیاری از امور اینها و از
 با امت شریک در مثل خوردن و نشامیدن و بیعت بخلاف وقت و امثال اینها
 و در احوال شریکه هر چه بر امت واقع میشود بر آنحضرت حلی الله علیه و آله
 نیز واقع میشود و آنحضرت مأمور بود در اینها مثل امت که بی نورند پس چون
 سهو و غفلت که در زمان واقع میشود غیر آنحضرت پس اگر بر آنحضرت
 میشود منافات با نبوت ندارد و حالی که مخصوص آنحضرت است بها لغت
 و تبلیغ از اولام نبوت است و جایز نیست که در آن سهو واقع شود که اگر احتمال
 در آن

دو دفعه

۴۴۳

که متابعت میکنند شیطان بریشان سلطنت دارد و جماعتی که منکر این
 آنحضرت اند چند جواب میگویند یکی آنکه در میان صحابه آنحضرت کسی نبود که
 دوست داشته باشد و اصلاً چنین شخصی نبود و چنین امری واقع نشد بلکه
 محض افترای بوهیره کذاب است و معنی این واقع را بشک روایت کرده است
 با اختلاف بسیار چون دروغ کوخا فظه نمیدارد و بخانه بخاری و مسلم و غیره
 از روایت کرده اند و معنی این است و در روایت کرده اند که دلالت میکند بر آنکه
 در زمان خود مشهور بود و بکذب و افترا و اگر کسی خواهد رجوع بآن کند
 چون ذکرش موجب تطویل میشود و صدوق ذکر کرده است که حواله نمودن
 کرده اند دروغ میگویند زیرا که این مرد معروف است و کینش ابو محمد ^{علیه السلام}
 عمیر بن عبد العزیز است و مشهور است بدین والدین و کما و را بنام و کثرت
 بخوانند و سنن و شعبان از روایت کرده اند و مقبول الطریق است
 و من از اخبار نقل کرده ام در کتابی که تصنیف کرده ام در میان خبرك ^{لانی}
 که حضرت سید المرسلین ص بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
 که یا علی غریب جاد خواهی گردی با کسانی که با تو بیعت کنند و وفای به تو
 نکنند و آنها طبع و زیر و عايشه و اصحاب ایشان بودند و در جنگ جمل
 و قتال خواهی گردی با سلطان که معاویه و اصحاب او بودند که حق سبحانه
 در شان ایشان فرموده است که همیشه جهنم خواهند و شما رفاق
 که آنحضرت ص فرمودند که از دین بیرون خواهند رفت چنانکه تیران نشانی
 تیر و همیشه شیخ ما این را بیدست گفت که اول درجه دروغ نفعی است
 از پیغمبر و او جایز باشد که در کتب اخبار بسیار که درین باب وارد شده است
 جایز خواهد بود که در کتب جمیع اخبار و در جمیع اخبار رسیده بطلان دین

ذوالحجین ۳۸

و منکر این

باب یابویه اولی است از نسبت آن بعضی معصومین صلوات الله علیه بر جمیع و نقل فرمود
 اند که در سلطانیته در میانیکه سلطان محمد خدا بنده رحمة الله علیه بر راست
 در یک صفت شیخ الغارین و الواصلین و العاشقین شیخ صفی الدین محمد بن علی
 القاسم الاعظم المعصوم در حق خود فرمودند و در صف علاقه دیگر علی شیخ
 الدین مکارم در حق می گفتند و در صف دیگر در حق شیخ می گفتند و باین حد
 رسیدند که حضرت معصوم فرمودند و سلام دادند پس پرسیدند که آیا تا زک
 شد یا فراموش کردید حضرت فرمودند که کار آنکه من بکن تا آنکه در اولید
 که واقع شد حضرت برخاستند و دو رکعت دیگر را بجا آوردند تا اگر استاد
 گفته که این چه معنی دارد و لایم و بگوید در عبارت دوم کذب می کند و کار آنکه
 بکن البته بخاری سهو کرده است شیخ گفت کل ذلك لم یکن میدانم که بنی سهو کرده
 و سلام بخاری در حق نگفته است تا اگر بخانه است به يك از علمای این جنس خوب
 شنید تا آنکه بجهت شیخ صفی الدین اعتراف فرمودند که کل ذلك لم یکن و بکن
 چنین بود که چون خانه را علاج مؤمنان و فتنه مقام شهنش و سلام مقام خود
 در آن روز بر حضرت سید المرسلین ص تندر بود و در مقام حضور رسیدند سلا
 کردند و چون صحابه این رسته نداشتند که از ایشان که این معانی را فهمیدند حضرت
 سهو را بر خود فرمود و برخاستند و در رکعت دیگر بجا آوردند تا مردمان حکم را
 بداند و آن قاری طریقه نشد و باینز بهمه وقت و همه تحسین نمودند و افز
 کردند بر حقیقت کلام شیخ پس شیخ بهاء الدین رحمة الله فرمودند که البته این
 حال از حال الهام نیست که حق سبحانه و تعالی در میان خود اقامه نماید و بلیا
 از تحقیق شیخ را با کرامات و مذکور است اخفد بگو در فضل اعلان مجلس بود که نه
 مقصودت و این اخبار از راست البته شیخ صفی الدین اعتراف فرموده اند شیخ فرمود

که در حق خود

که نامنقونیم بر این اخبار شیخ می گفت و فرمود بدو حدیث صحیح درین باب نقل
 و اگر ما این اخبار را شیخ می گفت اما من برین خبر فرمودم که کار آنکه من بکن
 شیخ فرمودند که بگو عرض نمودم که چون اخبار شیخ را از علمای معصومین و از
 سنده است ممکن است که ایشان فرموده باشند و سهو واقع نشده باشند
 و چون سهو می شود و بگوید حضرت علامه ص فقیه فرموده باشند شیخ چنین
 بسیار فرمودند و همه فضلا که حاضر بودند تحسین بسیار فرمودند و
 شیخ فرمودند که چنین وجه ظاهر می شود و ما این وادی شفته اند و بگویم
 و بعد از آن عرض نمودم که شیخنا تعظیم ارشاد و از آنکه علمای هر دو کتب است
 ذکر کرده اند که تقاضی این را و قطع محال است و در فقه حاکم است
 تحسین بسیار فرمودند و ما برین سخن شیخ صفی الدین استوفی قدس سره
 محمول بر نیست که اگر آنحضرت سهو کرده باشند چنان خواهد بود چنانکه قدس سره
 جمیع اخبار همیشه مدار بر نیست و الله تبارک و تعالی اعلم و ستاک
 حاکم ذوق عثمان ابا عبد الله صلوات الله علیه علی عمره راجل فانه شیخ
 الصلوات و تذکره عتدک طالع الکثیر و عتدک عتدکها قال فلیصل حین
 تذکره و بسند صحیح منقول است از حدیث که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر
 صادق صلوات الله علیه از شخصی که فوت شده باشد از غارهای غار
 و بخاطر ترسیدن و بآمدن افتاب یا قیامتین افتاب حضرت فرمود
 که نماز قضا را بکنند در وقتی که بخاطرین صد هر وقت که باشد اگر چه در وقت
 نافرمانی باشد و گاهت دارد و غیر آن که گاهت ندارد خصوصاً نماز قضا و احادیث
 صحیح و ارشاده است و در باب خود مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی
 صلوات الله المریض و المعنی علیه و الضعیف و اکب طون و التبع

ولا

ان حضرت امام جعفر صلوات الله علیه که فرمودند که نماز می کند بر سجده و یا قنای
و سجده می کند کسی که پنداشد و روی خود را بقبله می کند و کافیت را داخل
سوره حمد و در نماز فرجه پیش خود را بر هر چه ممکن باشد می گذارد و در نماز
سنت یا می کند یعنی پیشانی گذاشتن لازم می کند و حدیث جعلی گذاشتن
گذاشتن پیشانی مستحب است و عملی است که مراد از نماز این باشد که اگر عمل با
که رکوع را درست بجا آورد و در سجده پیشانی را بر زمین و این کار آن که دارد
واجب است و اگر نتواند گذاشتن و یا کند چیزی بر پیشانی گذاشتن مستحب
و این معنی بحسب عبارت طهرات و الله تعالی اعلم و قال امیر المؤمنین علیه السلام
علیه دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى جَبَلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَفِيهِ كُنْتُمْ
رَبِيعٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ أَصْلَ فَقَالَ إِنِ اسْتَطَعْتُ أَنْ تَجْلِسُوا
فَأَجْلِسُوا وَإِلَّا وَجْهُهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَرَوْهُ قَلْبُكُمْ بِرَأْسِهِ أَجْمَعًا
وَيَجْعَلُ الْمُحْجِرُ اخْفَضَ مِنْ الرُّكُوعِ وَإِنْ كَانَ لَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَقْرَأَ
فَأَقْرَأْ أَوْ اعْبُدْ وَاسْمِعُوا فَمَقُولُ لَسْتُ بِحَضْرَةِ امير المؤمنين صلوات الله
علیه که فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله داخل
شدند در شخصی از انصاریان که بر باد شده بود عرض استسفا یا شل
آن بر انصاری گفت یا رسول الله چگونه نماز می کرد حضرت و وی باران
او کردند و فرمودند که اگر توانید که او را بنشیند بنشیند و اگر نه
روی او را بجانب قبله کنید و اگر نماند و اگر نه ایستاده بسجده و اگر نه
از رکوع کند در نماز و اگر نتواند قنوت کردن قنوت را نهد و واقع
و یا و بشنود و یا و حوطل این حدیث است و روی عیسی علیه السلام
عَنْ وَرَادَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ سَأَلْتُ عَنْ بَعْضِ

خابیده

کفر

۳۴۹

بسیار است و میگرداند و لیکن میگویند که هر چه غنیمت میسرده بر آن نمیکند
بلکه بر بالای سبک دستمال میگذارند و سجده میکنند با آنکه در سجده
روایت کرده اند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند
ما سورم که سجده کن بر هفت استخوان پیشانی و دستها و زانوها و انگشتها
باها و خود رکعت لغت ذکر کرده اند که سجود وضع جبهه است بر زمین
و استمال این خبر را اخبار بسیار قطع نظر از اخباری که حضرت بر آن
سجده میفرمودند و خبر از جهت پیشانی میافته اند و گذشت در صحبت
ما بجمع السجود علیه مفعلا و این خبر نیز ظاهر میشود که وضع جبهه بر زمین
یا وضع جبهه برینها بهتر باشد و واجب نباشد و نمیکند که مراد از فضل
و خوب باشد برینه بد بر عامه و احوط آنست که همما ممکن تر و نیکتر
عمل این حدیث و سأل النبی اکبر الله صلوات الله علیه عن ابي
هل یفقی الصلوات اذا اجتمع علیه فقال لا الا الصلوات التي افاق و
باسانید صحیحی منقول است از حلی که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر
صلوات الله علیه و آله که آیا بما آنکه بهوش باشد قضا میکند نماز را که
در حالت کرده باشد یا نکرده باشد چون کرده از بنده نکرده است چون
نزد حضرت فرمودند که نه مگر نماز را که بهوش آمده باشد و وقت آن
و کتب انبوب بن یحیی عن ابي الحسن لما کثرت صلوات الله علیه یسأله
عن الفقه علیه قوما و ان کثر یفقیها فانه من الفقه و الا فلیک
لا یفقی الصوم و لا یفقی المعاش و باسانید صحیحی منقول است از ترمذی
گفت من صدیق من خدمت حضرت امام علی بن ابی طالب صلوات الله علیه و آله و
سوال کردم از کسی که بهوش شده باشد یک روز یا بیشتر یا قضا میکند نماز

که از وقت

۴۵۰

ولیکن عجلت براسمعیل بیج و بموجب و اصل آنست که برو قضا نیست چون
متواتر و آورده است بر آنکه برو قضا نیست مگر آن نماز که و قنوت در نماز
باشد اما آنچه آورده است که هر نمازها را قضا میکند منقولست در
منصور و صحیح و رفاعه و صحیح و محمد بن مسلم و صحیح و ابن شاذان و غیر
اینها از اخبار آنها بسیار و اما قضای یکا و پس در حدیث صحیح و رفاعه
منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام صلوات الله
علیه را کسی که پیشویش شده باشد یکجا و چه مقدار از نمازها را قضا میکند حضرت
فرمودند که هر را قضا میکند امرها از شد بد است و ترک آن عظیم الخطایست
و ظاهر این خبر احوال کلی است نه یکجا و مگر آنکه خبر دیگر بصدد و رسیده
و اما قضای سه روز منقولست در موقوفه سماعه و حکم صدوق و حسن
موفقا صلاح قدسات و در حدیث صحیح و ابداست که یک روز از قضا
میکند پس عثمان اخبار این را میگوید که مستند است مؤلف که نماز یک
قضا کند و بعد از آن در فضیلت نماز سه روز است و بعد از آن یکجا و بعد
هر یکا که یکسال باشد که شعور نداشته باشد تا اگر بخواهد شده باشد
و بعد از آن عاقل شود قضای آن نمازها که نکرده است تا در حالت جنون
کرده است مستند نیست و الله یعلم و روی محمد بن مسلم علیه السلام جعفر صلوات
الله علیه و آله قال صاحبنا لم یطهر الغالب یوقضه و یقضي کل صلواته
و یاسنایند شکره موقوفه کا صحیح منقولست از محمد بن جعفر امام محمد باقر
صلوات الله علیه که فرمودند که هر یکا که کسی اسباب داشته باشد که در قضای
غلبه کند و آید وضو میسازد و الا بخوابد اینها و بعضی حتی ملاخذه اند
بأن کسی که بسبب ضعف معده با دوا و جلا شود و چون آنرا نیز میطوین میگویند

در حدیث

فرمودند که حق سبحانه و تعالی بر سر نهاده آورد و اولی است بقبول عذر و ظاهر
خیر است که بواسطه مرض ترکه ناله میتوان کرد و ممکن است که اعلم از نا فله
و نسیه باشد و برادر این باشد که اگر نتوان ناله ایستاده نشسته بجا آورد و بجا
نا جمیع مراتب عذر بخود را بعت و غرض مقبول است و در حدیث موقوف کاتب
از سند بر منقول است که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض نمود که نماز
نشسته میکند فرمودند که تا پر شده ام و دیده شده ام نمازهای نافله را
هم نشسته میکنم در حدیث دیگر از حضرت صلوات الله علیه منقول است که
پیامد یا میسکند یعنی با تقدیر رکوع و سجود و سجده یا استقامت یا استقامت یا استقامت
بن جعفر صلوات الله علیه این را میگوید که این استقامت یا استقامت یا استقامت
السیجد و هو یصلی و یضع یدیه علی الخابط و هو قائم من غیر زرع و لا
عَلِیْهِ فَقَالَ لَا تَأْسِ وَ بَالِغِ نَدْبِهِ مِنْقُولِ اسْتِغْنَاءِ عَنْهُ لَمْ يَكُنْ يَسْأَلُ الْكَوْمَ اَزْوَاجَ
حُضُرَتِ اِمَامِ موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی که نماز کند یا تا که برود یا
میواند کند یا دست بر دیوار سجد میتواند گذاشت و روقی که استقامت یا استقامت
بی مرضی و بی علقی حضرت فرمودند که با کی نیست و سوال کردم و سوال کردم از
که دو نماز واجب باشد و در دو رکعت و خواهد که بر خیزد یا با دست بر دیوار
سجد میتواند گذاشت که ملد و باشد در برخواستن بی ضعیفی و بعلی و
که با کی نیست و قریب باین است موقوفه عبدالله بن بکر و سعید بن حبیب
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در جواب زکریا کردن بر عضا و دیوار
در حالت نماز و اگر نماز احل کرده اند این اخبار را بر دیگر کردن که اگر کسی بگوید یا
و مستحق نیست چون در سجده این سنان از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
منقول است که فرمودند تکیه سکن بر دیوار و در نعت و امتنا لک در حالت جلوس

گذاشت

ما الله

مکمل اندک یا را شی و تقی المؤمن حلی بن رابع اصل بر کلاهت کرده است و عمل اینها
سابقه کرده است و ظاهر پیشه بود که صدق نیز چنین کرده باشد و این قول
قوی است و اگر چه احوط عمل بشهر است و الله یعلم و قال الحارث بن عثمان قلت
لِإِبْنِ عَبَّاسٍ لَقَدْ صَلَّوْا اللَّهُ عَلَيْهِ قَدْ اسْتَشَدَّ عَلَى الْإِيمَانِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ كَذَا
أَرَدْتَ أَنْ تَذَرِكَ صَلَاةَ الْقَائِمِ فَأَقْرَأَهُ وَأَنْتَ جَالِسٌ فَأَذَا بِرَسُولِهِ
الْأَيَّانَ قَهْرٌ وَأَنْتُمْ مَالِكِي وَأَرْكَعَ وَاتَّجَدَ فَلَا تَكُ صَلَاةَ الْقَائِمِ وَبِالْإِيمَانِ
منقول است از حماد که گفت عرض نمودم حضرت امام جعفر صادق صا د و صلوات
علیه که دشوار است بر من ایستادن در نماز حضرت فرمودند که هرگاه خواهی که نماز
نماز ایستاده داشته باشی بر قیوت یا نشسته بخوان بر چون دو آیه از تو
مانده باشد بر خیز و سوره یا تمام کن و بر رکوع و رو بسجود و که این نماز ایستاده
چون قیام بچند رکوع رکعت و آنرا ایستاده کرده است همانست که نماز ایستاده
کرده است و همین عنوان بسند صحیح از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله
علیه منقول است و قریب باینست صحیح ابان از زبانه از حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه و اگر صاحب حمل کرده اند این احادیث را بر نا فله و ممکن است
تعمیم آن چنانکه شامل هر یک از اینها باشد هرگاه بر یا ضعیف یا بیمار باشد و بتواند که
هر نماز را ایستاده بجا آورد و همه اصحاب باین حمل کرده اند و سنان بن
السَّيِّدِ أَبُو سَعْدٍ الْأَوَّلُ صَلَّوْا اللَّهُ عَلَيْهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ النَّافِلَةَ قَاعًا
وَلَيْسَتْ بِهِ عِلَّةٌ سَمِعْتُ أَوْ حَقَّقْتُ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ وَجَسَّ كَالْخَمْرِ مُنْقَبِطٍ
از سنان بن سنان که گفت سوال کردم از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه که
که نماز ناله نشسته کند بی علقی و بی علقی حضرت فرمودند که با کی نیست
و حدیث سید ریحانه نیز بخواند گفت و لیکن با علقی پیری و قال ابوبصیر

قلت لا يجمع صلوات الله عليه أنا نحمدك ونقول من صلواتك وهو سبحانه
من غير علة كانت صلواته لك من بركتك وتجليلك بعبادة فقال
لنفسه هكذا هي آياته ثم ورد في قول ابو بصير منقولست که گفت عرض فرمود
عزیز است اما بخدا چه که ما حدیث رسیده است و چیزی اعتقاد داریم که هر که
نماز نشسته کند علی و رکوع و سجد و سجده حساب میکند و در سجده
بیک سجده پس بیک رکعت محسوب باشد حضرت فرمودند که چیزی نیست
بلکه تمام محسوب است از جمله نماز است و محسوب است
ان شاء الله تعالی اما معصومین است و احتیاطا در آنکه مراد شما این است و
ضعیفان باشند و مراد از جمله عرض باشد و در رکعت بیک رکعت حساب
کردن بهتر است چنانکه منقولست در حدیث کالی که از حسن صلی الله علیه
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه شخصی نماز
کند بیک رکعت بر ایستادن جای هر یک رکعت و در رکعت بیک رکعت و کالی
از بخیر بنسب منقولست که گفت سوال کردم از حضرت م از شخصی که
داشته باشد نماز نافله را نشسته کند چقدر است حضرت فرمودند که دو رکعت
بیک رکعت حساب میکند و در وی عزیزان بن اعین عن احمد بن محمد بن احمد
علیه السلام قال قال ابی صلوات الله علیه اذا صلي جالساً فادرك ركعتين
ربكيسو و شیخ بسند صحیح روایت کرده است از همان حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه که فرمودند که در هر سجد شایعین با پاها
المتینین و وقتی که نشسته نماز میکردند مرتب می نشستند و چون بر می
خاستند پاها را می میزدند و مراد از ترمیم آنست که زانو ها را از زمین بر آید
و گفت پا های نشسته که بر زمین باشد و مراد از میل پاها آنست که پاها

امام بخاری و صلوات
علیه با حدیث

نفسه

قلت لا يني عبد الله صلوات الله عليه جعل شيء كبير لا يسطيع القيام
لما يحمله ليعقبه ولا يمكنه الركوع والسجدة فقال لي يومئذ ائمة
وايكان له من برقع اليه المخرج فليجهد فان لم يمكنه ذلك فليؤ
برأسه نحو القبلة قلت قالوا نعم قال اذا كان في ذلك الموضع فقل
الله عنه فان كان له مقدره فصدقته من غير الطعام بعد عشاء
يومئذ لم يكن فان لم يكن له يسار ذلك فلا شيء عليه ودرجتي انا بول
عبرنا زوارهم بغدادى كه كتاب ومعتدات منقولست كه كشت عن قوم مجتهد
امام جعفر صادق صلوات الله عليه كه مرد بهر بسيار به بيت كه بنوا انداد
خانه و فتن بسبب ضعف ومكنت بيت ركوع وسجود حضرت فرمودند
اخرت به ركوع وسجود اما كند بسروا كرسى باشد كه سجاده با هر را بداروا
محل انرا بلند كنند كه بران سجده كند چنان كند واكرا يعنى كن نباشد
بس اشاره كند بسر حاجت قبله گفت كه روزه با چكد حضرت فرمودند كه
هر كه تخم چنين حالى بسحق چخانه و تعالى روزه دار و ساقط كند
بسرا كه قدرت داشته باشد عوض هر روز يك مد طعام فصدق كرد
بسوى من بسرا كند داشته باشم با بر و مشكل باشد بر وجهى ببيت او
صوم خواهد آمد انشا الله تعالى وسأله عبد الله بن سليمان ابا عبد الله
صلوات الله عليه عن الرجل يأخذ الدخا في الصلوة ولا يني
على ان يستنيفه ايجوز ذلك قال نعم ودرجتي ازا بر من سجود
وصفوان بن يحيى اذهب الله كه كتاب واز صلوات منقولست كه گفت
سوا لكرم ان حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه از تخمى كه من
از بطنى و روان شود در نماز و همين كار كند كه بپند در بطنى كند كه بران

نيل الاربعة

نيابا با انوارات حضرت فرمودند كه بلى ودر نسخه چنين است كه ولا ينيه ان
بنحو فاهد كه خواند كند و بلكه كه برون آيد و نماز قطع كند و اقرا طهرت
و دوى بكنون العين ان ابا عبد الله صلوات الله عليه راى رجلا رفع يده
في الصلوة واذخل يده في انفه فأتبع دما فأتاد اليه يديه افره كيد
و صل كاليفتح ازيك منقولست كه حضرت امام جعفر با قرعه شغفى ديد كه من
از بطنى خود برون آورد كه بانكه دست فرستى كرد و خوى برون آورد
حضرت اشاره با و فرمودند كه دست بر هم مال و خون را بپند از نماز كن
و محولست برانكه خون خشك باشد با اندك باشد كه چون بانكست و برك
ماليد شود هر دو مقدار درهم بنوده باشد و در سجده انحضرت بن مسلم را
صلوات الله عليه نما منقولست در تخمى كه دست در بطنى كند در نماز و خوى
نه بپند چكد حضرت فرمودند كه اگر خشك باشد پند از و با كى ببيت
و دوقوى كاليفتح از حضرت صلوات الله عليه منقولست كه فرمودند كه اگر
دست در بطنى كند در حالت نماز و خوى برون آيد كه روان نشود پس بپند
مال تا خشك شود وسأله كنه المروى ابا عبد الله صلوات الله عليه
عن الرجل يعرف حى يده في الصلوة قال يني ائمة برأسه عن كل صلاة
صدق سدا خود را ببيت نفع ذكر نكرده است و ظاهر كتاب و بپند
است و اكثر او قاتل حادث لبنته از عبد الله بن مسكان روايت مى كند
طريقش بعد الله بجهت بسرا ظاهرش بجهت باشد كه گفت سوال كردم از حضرت
امام جعفر صادق ع از تخمى كه خون از بطنى و روان شود از بيشين و بپند
تا اگر نشيب بر و دچك حضرت فرمودند كه ايماني كند لبش از بطنى ركوع و سجود
در نمازها تابند شود و در حديث حسن كاليفتح از جعلي منقولست كه گفت

[illegible]

۱۰۰

[illegible]

کند و در صورت اعاده

۳۵۵

وَأَنَا فِي الْعَقْلَةِ قَالَهُمْ وَإِنْ كَانَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ صَلَاحِكَ إِلَهُ قَالَهُ
 إِذَا صَلَّيْتَ لِقَبْرِكَ فَإِنْ كَانَ فِي وَفْقٍ فَلْيَعْبُدْ وَأَنْ كَانَ قَدْ مَضَى لَوْ
 فَلْيَعْبُدْ وَلْيَسْتَدْرِجْ مَوْفِقَ مَقُولَتِ ابْنِ بَصِيرٍ كَقَوْلِ بَاخْزَغٍ صَلَواتُ اللَّهِ
 عَلَيْهِ عَزَّوَجَلَّ كَرَمٌ كَمَنْ يَمُتُّنُومُ كَلَمْ يَكُنْ عَطِشَةً يَمُكِّنُ وَمَنْ جَدَّ يَكُنْ حَوْجًا
 وَتَعَالَى دَا صَلَواتُ ابْنِ بَصِيرٍ وَكَأَنَّ وَمِثْرَتَهُ وَدَفْعًا مِنْ حَضْرَتِ فَرُودَنْدِ كَلَمْ يَلِي
 خَوِيبَتْ وَفَيْتِ عَاطِشٍ بَكْنٍ وَكَرْبَةٍ فَاصْلَةً مِثْلَ تَوَا وَدَرْ بَا مِثْلَ
 جَوْنِ ابْنِ حَقْوَقِ وَمَنْ أَتَشْتِ كَلَمْ جَوْنِ أَوْ عَطِشَةً كَلَمْ لَسْتُمْ بَا وَكَذَلِكَ بَكْلَانِ بِنِ
 بَاخْزَغٍ وَصَلَواتِ وَدِكْرُ حَضْرَتِ فَرُودَنْدِ كَلَمْ هَرَا هَاعِي غَا زَكْرَهَ بَاشَدِ وَبَعْدَ
 ظَاهِرِ شُودِ كَلَمْ وَبَعْدَ قَبْلَهُ كَرْدَةُ أَتَشْتِ بَلِ كَرِ وَفَتْ بَا قِي بَاشَدِ غَا زَا رَا عَادَهَ كَلَمْ
 وَفَتْ بِي رَوْنِ رَفَهَ بَاشَدِ عَادَهَ عَمَكَنْدِ غَا زَا رَا خَارِيبَتْ بِي مَقْمُورِ لَسِبَارِ
 وَارْدِ شَدَهَ أَتَشْتِ وَاصْحَابِ بَا نِ حَمَلِ كَرْدَهَ اَنْدِ وَهَجْزِي اَكْرُشُودِ شَرْعِ عَطِشَةً
 حَمَدِ مَكْنِ حَقِ بَحَانَهَ وَتَعَالَى لَدَفْ غَا زَا بَحَانَهَ دَلَالَتِ مَكْنِ بَرْدِ بَحَانِ حَمَدِ
 وَغَيْرِ اَنْ وَخَارِيبَتْ غَوَا تَرَهَ وَارْدِ شَدَهَ أَتَشْتِ دَرِ اَنْكَهَ اَكْرُشُودِ حَقْوَقِ مَوْسِ بَرِ مَوْسِ
 أَتَشْتِ كَلَمْ جَوْنِ عَطِشَةً كَلَمْ اَوَا تَشْتِ كَلَمْ وَبَسْمِ وَبَسْمِ هَرَمِ اَمَلَدَهَ
 وَدَرْ حَسَنِ كَالْفَحْمِ وَارْدِ أَتَشْتِ كَلَمْ جَوْنِ كَلَمْ عَطِشَةً كَلَمْ كَلَمْ بَكْلَانِ بِنِ
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى جَمْعٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ وَبَحْمَرِ تَامَا حَمَدِ بَا فَعَمَلْ كَلَمْ عَطِشَةً
 بِي تَحْمَلِ اللَّهُ حَضْرَتِ فَرُودَنْدِ كَلَمْ لَسْتُمْ بَا وَبَحْمَرِ تَامَا حَمَدِ بَا فَعَمَلْ كَلَمْ عَطِشَةً
 عَطِشَةً سَكْرَ حَضْرَتِ فَرُودَنْدِ كَلَمْ بَرَحْمَهَ اللَّهُ تَامَهَ عَطِشَةً رَا تَشْتِ حَمَدِ
 كَلَمْ دَفْعًا دَرِ كَارِيبَتْ وَارْحَمْتُمْ تَامَا حَمَدِ جَعْفَرِ حَمَدِ مَوْسِ مَقْمُورِ كَلَمْ هَرَا
 عَطِشَةً كَلَمْ وَدَسْتِ خُودِ رَا وَاسْتَقْبَلِ بِنِ لَدَرْ وَبَكْلَانِ بِنِ لَدَرْ وَبَكْلَانِ بِنِ لَدَرْ
 كَلَمْ اَكْرُشُودِ هَلَهَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى جَمْعٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ وَبَحْمَرِ تَامَا حَمَدِ بَا فَعَمَلْ كَلَمْ عَطِشَةً

در غایت حضرت فرمودند که اگر کسی بخواهد در جانب راست یا چپ و در برابر
 رو بقبله کند آنرا که غرض از نماز تمام کند و اگر نماز تمام شده باشد و در آن
 بگوید آنرا یا حق تعالی پس نماز تمام است و در صحیح این است و هر چه
 که گفت آنرا حضرت صلوات الله علیه سوال کردم از عارف که آیا
 وضو را حضرت فرمودند که اگر شخصی در نماز یا غایت دعا وضو را بخواهد
 او باشد یا کسی باشد که بخواهد نماز تمام کند که اگر کسی بخواهد وضو را بخواهد و نماز
 تمام را بخواهد و قطع نکند نماز را و در حقن کا الحقن را بخواهد و نماز تمام
 که گفت آنرا حضرت صلوات الله علیه سوال کردم از شخصی که در نماز
 جماعت باشد و نماز واجب و دعا فرستد کند حضرت فرمودند که
 بیرون میروید و بیرون میروید و اگر کسی بخواهد نماز تمام کند یا بیرون بیاید یا لا اله الا الله
 و بیرون بیاید و نماز تمام است که اگر کسی بخواهد نماز تمام کند که اگر کسی بخواهد نماز تمام کند
 نماز را بخواند و دعا فرستد که مستلزم است با دعا یا فعل دیگری بشود که او
 نماز را از یاد و نگویند یا بخواند و همچنین صحیح است علی بن جعفر که گفت
 سوال کردم از پدرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه آنرا
 که در نماز باشد و کسی چیزی بر سرش بگذارد و بخوابد شود پس رواست شود
 بشوید و بخواند تا نماز تمام شود یا اگر کسی بخواهد نماز تمام کند
 که نماز تمام یا نماز را از سر بگیرد حضرت فرمودند که آنرا از سر بگیرد حضرت
 فرمودند که آنرا از سر بگیرد و بیانی میبرد بر کشتن چون غایب و قاتل
 کشته شود و ظاهر حدیث نیز استعدای در برابر نماز را از قبله و این بسیار
 ظاهر شد که کلام هر مسلمانی است و دیگر نخواهد آمد و کمال که آنرا
 استماع عَطِشَةً قَالَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وَأَنَا فِي الْعَقْلَةِ

۳۵۶

بیرون آید و آن فرشته است که می بر دوازده مرتبه و از جهه اول استغفار میکند
تا دوزخ امت و ظاهر آنست که بسبب حمد و صلوات این فرشته محلول
و مریست از حضرت امام علی بنی صلوات الله علیه که پسندیده آن حضرت
از عظمه و علت حمد آن فرمودند که چون حق سبحانه و تعالی نعمتهای بسیار
بر بندیده دارد و بنده را بخواست میکند و حمد را حق سبحانه و تعالی و را بطرسه
می آورد تا بیا دارد و نعم آنجا و شکر آنجا می آورد و در وی عز الفیض من
یسار الله قال قلت لابی جعفر صلوات الله علیه اکتب فی الصلوة
فاجد حمدا فی بطنی او ارا ضربا نا فقال انصرف و توفضا و ان علی
نامحیی من صلواتک ما کون فی نقص الصلوة بالکلام متعذرا فان تکلمت
تاسیما قلنا شیء علیک و هو عزله من حکم فی الصلوة تاسیما قلت ان
قلب وجهه عز الغیلة قال نعم و ان قلب وجهه عز الغیلة و یسند
جمیع منقولست از فضیل که گفت عرض فرودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه که من در خانه و بچشمه در شکم خود می یابم یا صدای و در پنجه آبی
یعنی از آری یا قد فری پس حضرت فرمودند که روانه شو و وضو بگیر و نماز
برای خود کرده از نماز ما دام که نماز را باطل نکنی یعنی که حق عذر پس اگر از تو
فراموشی سخن بگوئی بر تو چیزی نیست و این منزله کسی که در خانه است و بگوید
گفتم اگر چه در او زنبله کردند فرمودند که اگر چه در او زنبله نکردند و این
شملت بر چند چیز است که اصل صدقنا قریب باشد و محمولست بر آنکه فی اعتبار
او جلا شود چنانکه غالباً چنین است که بعد از نماز شدن با او نشکند
عیش و و اما نهادن بر آن محمولست بر آنکه مبطون باشد بقرینه فعل ضایع
که دلالت بر دوام دارد و یا حمل کنیم بر استحباب وضو اگر نباید و احتمال آنست که

مشایقه کنند و شدت چنانکه در حدیث جمیع از ثواب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
علیه که نماز نیست مرد حق و زن خافه و آن بمنزله کسی است که بخت در دنیا
ش باشد و حاقن آنست که بر خود بچسباند و غایب می رود و اگر چه اصحاب عمل
کرده اند بر آنکه قبل از شروع در صلوات چنین باشد که اگر در انشای نماز و شروع
واجبت ضبط خود کردند و آن ظاهر نیست چنانکه خواهد دیگر و بگوید
از قبله را حمل کرده اند بر آنکه بوجهی عین و تسبیح شود که اگر التفات
فاخر باشد با الله و بوجه پشت کند یا بدن را بگرداند تا دریا طالت چنان
گشت و در حدیث جمیع از علی بن جعفر منقولست که گفت سوا الکریم
از برادر من حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی که در نماز باشد
و بجا کرد که جمله اش در بدو است یا بجا می آید رسیده است یا جایز است
که نظر کند در آن یا دست بر آن حضرت فرمودند که اگر در پیش جامد آید
یا در جانب راست و چپ آن یا کتبت نظر کردن و در حق کاظمی از محمولست
که گفت که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که اگر نماز
واجب پیش از فراغ شدن از نماز و از قبله بگردانی نماز را عاود کن اگر
التفات فاحش باشد یعنی بوجه پشت باشد و اگر بگرداند نشسته باشد یا
ملک و ظاهر آنست که حدیث استحباب اسلام است و در جمیع زنده منقولست که
حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که التفات قطع میکند نماز را
هرگاه جمیع بدست باشد و محمولست بر این جمیع آنست که گفت سوا الکریم
از حضرت صلوات الله علیه که یا در نماز التفات میتوان کرد حضرت فرمودند
که نه انگشتان را نشکند اگر چه ممکنست که نمحی را اعلم زحمت و کراهی کنیم
یا آنکه التفات همین و یسار نکرده باشد و بوجه پشت حرام باشد و ظاهر آنست

که در عبادت خدا صلوات بر او باد و بپوشد آنکه با دیروز آنکه با حدیث صحیح نماز را بگذرد یا اینها
واقع سازید و بعد از آن نماز را بر سر بگذارید و چون این احتیاط است
استدلال این حدیث ضعیف است کرد و قال الصادق صلوات الله علیه
لا یقطع الکبیر المکروه و یقطعها الفقهیه ولا ینقض الوضوء و یسبغ
مرفق اجماعه منقول است که گفت آنحضرت ص سوال کردم از خدیجه بن ابی
قطع میکند نماز را حضرت فرمودند که اما بستم که صدای داشته باشد نماز را
قطع نمیکند و فقهیه که با صدای قطع میکند نماز را و در جنس کلام
نماز منقول است که حضرت امام جعفر صادق ص فرمودند که فقهیه و
تمسکند و نماز را بپوشد و در صحیح انانیه غیر منقول است از آنجمله
آن حضرت شنیدند که فرمودند که بستم در نماز وضو را تمسکند و قطع
نماز نمیکند مگر خنده که فقهیه داشته باشد و در وقت فقهیه خنده
میکند که صدای بپوشد و در حدیث ظاهر لفظ قد استیغند و بخند
میکند و علی حال لازم دارد که صدای داشته باشد و چون بعضی از
عامة فقهیه را ناقص وضو میماند بصری فرمودند بعد منقص

الشیخ المصلی سأل الخليل بن مسلم أبا جعفر صلوات الله عليه عن رجل
يسأل عن القوم في الصلوة فقال إذا سلم عليك وسلم وأنت في
الصلوة فسلم عليه نقول السلام عليك وأنت في صلوة وكما لا تقبل
الصلوة لك قلت سؤال کردم از حضرت امام محمد باقر ع از شخصی که سلام کند بر کسی
در نماز پس حضرت فرمودند که هرگاه سلام کند بر تو و تو در نماز باشی
تو سلام من بر وی کوئی السلام عليك یعنی بستم ای و سلامتی از آنجا بود

که در عبادت خدا کردن آنست که در عبادت خدا و بپوشد آنکه به پشت سر او بپوشد آنکه
و نماز را بپوشد و در آنکه این فرض را در آنکه و کمتر نماز را بپوشد و ظاهر است
که چیزی غیر از نماز عبادت الله معصومین صلوات الله عليهم بیان حکم آن
نمیکند بلکه ظاهر آنست که مذکور شد چنانکه بعد از نماز در آنجا بپوشد و آن
معمول نیست و الله يعلم و سأل عبد الرحمن بن محمد أبا الحسن صلوات الله
عليه عن الغيبة في الرجل في بطنه وهو مستعمل أن يصبر عليه
أن يصل على تلك الحالة أم لا يعني فقال إن الرجل الغيبة ولو لم يفت
إشغالاً لا عين الصلاة فليصل وليصبر و در جنس کلام صحیح از عبد الله بن محمد
که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی که در نماز
باشد و میتواند که بپوشد و بپوشد آنکه یا با این حال نماز میکند یا
نماز نمیکند چون خافست حضرت فرمودند که اگر صبر تواند و سبب بپوشد یا
کردن نباشد پس باید که نماز کند و صبر کند بجهت عهده کمال بر نرسد که
اگر سبب بپوشد و از حضور قلب بازماند قطع نماز میتواند کرد و احتیاط آن
است که با حدیث دیگر را دفع کند و وضو بپوشد و نماز کند در وضو و بپوشد
چون دلالت مفهوم ضعیف است و اصول آنست که این نماز را با این حال نماز
کند و احتیاط آنرا زیج بپوشد یا با حضور قلب و توسیع تمام و بهتر آنست که قبل
صلوة به پشت بخالد و وضو را خالی سازد و نماز را و سبب را حدیث چنانکه
در الصحیح از حضرت سید الشاهین صلوات الله علیه و آنکه منقول است که فرمودند
که نماز من در حال که یا در خور چیزی فرمود و عاویض از حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که قطع میکند نماز را مگر عاویض
صدای که ترشک باشد یا بپوشد یا بپوشد میباید در آنکه بپوشد یا بپوشد

۲۵۸

و با نکتات اشاره کن که نفرستد که جواب سلام و داده یعنی آهسته جواب
 بده و عجل آنچه و گفته است جواب ده و لهذا گفت که جواب ده بد که
 تو سلام کن برو و آنچه و آورده است جواب آهسته ظاهر بر سبیل تقيه
 یا اتفاقا و آری شده است چون جواب سلام داد و نماز را بفرمود
 و عجل گفته اند که اشاره جواب دهد پس چون خوف ضرر هست حاجی
 که تقيه باشد آهسته جواب دهد و اشاره کند اگر تقيه نباشد جواب
 بگوید بخوی که او بشنود چنانکه در صحیح و صحیحین مسلم منقولست که داخل
 شدیم بر حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه و آنحضرت دعا خواند و گفتیم
 السلام عليك حضرت فرمودند که السلام عليك گفتیم چه حال دارم
 جواب ندادند چون حضرت از نماز فارغ شدند در محضر گردیم که در سلام در
 میانید گفت حضرت فرمودند که بلی عجل آنچه با و گفته اند و در وقت
 کا بعضی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که آدم
 سوا آمد از کسی که در نماز و سلام کند حضرت فرمودند که در مسکن
 سلام عليك و نیکوید عليك السلام بذر حق که حضرت رسول خدا صلی الله
 و آله ایستاده بودند و نماز میکرد عمار بن یاسر بر آن حضرت گفت و بنا
 سلام کرد حضرت چنین جواب دادند و سَلَامٌ عَلَیْکَ اَلَسَّابِغِی اَلَا عَمَلُ
 صَلَواتِ اللَّهِ عَلَیْکَ عَزَّ الشَّلَامُ عَلَی الْمَصْلُوقِ اَلَا اَسَلَمَ عَلَیْکَ رَحْمَةُ
 مِنَ الْمَسْلُومِ وَاَنْتَ فِي الصَّلَاةِ قَرِيبٌ عَلَیْهِ فَمَا یَبْتَکَ وَ یَنْفُکَ
 وَلَا تَرْفَعُ صَوْتُکَ و در وقت از عمار منقولست که گفت سوال کردم از
 امام جعفر صادق صلوات الله علیه از سلام کردن بر نمازگزاران حضرت

فرمودند که هرگاه شخصی از مسلمانان بر تو سلام کند و تو در نماز باشی
 تو در سلام او بکن آهسته که خود بشنوی و آواز را بلند مکن و این
 نیز مجوس بر تقيه یا اتفاقا چنانکه گفت و در حق عَنِ مَنُورِ
 جازیم آنکه قال اِذَا سَلَّمَ عَلَی الرَّجُلِ وَهُوَ یُصَلِّی یُرَدُّ عَلَیْهِ حَقًّا کَمَا قَالَ
 و پسند حسن کا بعضی و صحیح منقولست انصوری که گفت حضرت امام جعفر
 فرمودند که هرگاه شخصی سلام کند بر دیگری و نماز کند جواب سلام او بگو
 چنانکه اسلام کرده است آهسته و عبارت شیخ چنین است که هرگاه شخصی
 بر تو سلام کند یا و قَالَ یُوجِبُ عَمَّا لَوْ أَنَّ اللَّهَ عَلَی سَلَامٍ عَلَی رَسُولِهِ
 صَلَواتِ اللَّهِ عَلَیْهِ وَاَلَهُ وَهُوَ الصَّلَاةُ فَرَدُّ عَلَیْهِ ثُمَّ قَالَ یُوجِبُ عَمَّا
 السَّلَامُ اِنَّ السَّلَامَ اَبْرَأُ مِنْهُ اِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ یَقُولُ اَنْحَرْتِ اَمْرًا
 باقر صلوات الله علیه که عمار بن یاسر سلام کرد بر حضرت سید المرسلین
 علیه و آله و آنحضرت دعا خواندند پس حضرت و سلام کردند بر وی و حضرت
 فرمودند که سلام اسمی است از اسماء حق سبحانه و تعالی حاصل حدیث است که
 چون عامه قابل نیستند از جواب سلام با آنکه از عهد ائمه این مسعودی
 کرده اند که گفت ما سلام میکردیم بر حضرت سید المرسلین و آنحضرت جواب
 سلام نمیداد حضرت و الا استدلایل فعل حضرت فرمودند که فعل حضرت
 محبت و عامه گفته اند که سلام کلام آمیت و در کلام آنحضرت باشد
 حضرت جواب فرمودند که سلام از اسمای الهیه و درین عبارت دعا
 و دعا جاز است با جماع پس بنا بر آنکه اسم باشد و حق این چنین میشود که
 خدای یعنی رحمت و و لطف و شامل حال داد و این معنی این است و ظاهر آنست
 آقا است چنانکه گفت و اگر سلام بلفظ غیر صحیح گویند یا عبارات غیر سلام

فرمودند

کوبید و احوط آنست که ایه که مشتمل بر سلام باشد بخواند و حزم بوجوب
 نمیتوان کرد چون ظهوری ندارد همو آید که حق سبحانه و تعالی فرموده است
 که هرگاه شما را چیزی کند شما نیز محبت کنید بجهت ایشان یا در محبت
 ایشان اثر و اثر برانند که محبت سلام است در آیه و چون در لغت معنی بها
 و ملائمت است پس دفعه مد میشود که هر قسم دعا و کفایت بر جوی
 و بقا باشد در آن باید کرد و احوط آنست که در هر نماز نیز یک نکر
 و مشهور میان اصحاب آنست که سلام بر مصلی که است در از جمله عت
 که بر مصلی وایت کرده است از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
 که هرگاه داخل شوی و سجود و مردمان نماز کنند پس بر ایشان سلام کن
 و چون کسی بر تو سلام کند رد کن بر او که من چنین میکنم و در اخبار متواتره
 از حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرين صلوات الله عليهم و ادرسته
 که از جمله چیزهای که سبب برزخ کنانها و دفع درجات مؤمنان
 و کفاره معاصی ایشان است فضای سلامت یعنی بهره رسد از مؤمنان
 سلام کند از بر و جوان و فقیر و غنی و اشقا و بیگانه و همچنین اطفا
 به که باشد و دیگر شریها بعد از آنکه بودن در وقت که هر کس بخواند یا
 و کالتحیه از سید المرسلین صلی الله علیه و آله منقولست که فرمودند که سلام
 کردن سنت است و جواب دادن واجبست و هر که پیش از سلام باشد
 او را جواب ندهد و او را بی محبت آنی گشت که ابتدا کند سلام و حق سبحانه
 دوست میداند از فضای سلام را و بخیل گشت که بخل و در سلام و چون
 سلام کند بلند سلام کند تا آنکه جواب ندهد و آوده مشغول که سلام
 و جواب نداد و همچنین جواب سلام را بلند بگوید تا آنرا ملول نشوند

کس سلام کرد

۴

۴

۴

۴

۴

۴

۴

۴

۴

۴

۴

۴

۴

۴

۴

۴

یهودی و نصرانی و مجوسی مصالحه کند و دست خود را برتعالی یا بر خود او
 و اگر مصالحه با کسی کند دست خود را بشوید اگر بر طوط باشد بر سبیل و
 و اگر بر پوست باشد بر سبیل استنجاب و احوط آنست که در زیر پیرین
 کند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه نقل
 که جواب کتابت واجبست مثل جواب سلام و هر که او را بگوید سلام
 او را ایستند و بر سر او یعنی بر شانه و دست او بر سالت بیاورد صلوات الله
 یا با طاعت خدا و سهو او و او را است چون فرمان است از امیر است
 در اینست که در سبیل سلام و چون کتابت نوشتن است از امیر است که در سبیل
 المرحوم و چون قلم کند و بر باشد خالی بر آن باشد و هر چه
 و عده در آن باشد و میباید که بعد از آن است از الله بگوید و اگر میباید
 الله بگوید و کاغذ که نام آنی در آن باشد در دست و یا بنویسد و بنویسد
 و اسم الله را بآب دهی یا نکند المصلح عرض کرد الشیخ
 و الهوام فیها این بابست در بیان آنکه کسی از کند و زبده یا
 کوزه بهرید و آنرا بکشد و ظاهر استنجاب از سهو است چون
 سنجاب در پناه ذکر کرده است سأل الحسن بن ابی العلاء ابا عبد
 صلوات الله علیه عن الرجل یزنی الحیة والعقرب وهو یصلی قال
 یقتلهما و کا صحیح و در صحیح انصیین و او مدح است منقولست
 گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه آن
 که ما در عقب بایند و در نماز باشد حضرت فرمودند که نمیتواند که بشوید
 هر دو و سأل الحسن بن ابی العلاء ابا جعفر صلوات الله علیه عن الرجل
 یزنی العقابة وهو یصلی قال یقتلهما عتة انشاء او یزنیها فی

الدائم

الحق

وَجَزَّ سَاعَةً قَالَتْ فَتَلْتِ عَلَيْهِ دَابَّةً فَيَخَافُ أَنْ يَذْهَبَ بِمَنْسِبِهِ
مِنْهَا عَنَتَ فَهَذَا لَا بَأْسَ بِكَ يَقْطَعُ صَلَواتَهُ وَيَجْزُّ وَيَعُودُ إِلَى صَلَواتِهِ
وَدَرْمَوْقُ مَقُولُ شَيْءٍ مَعَادٍ لَهُ كَقَوْلِ الرَّحْمَنِ مَسْئُولُ كَرِيمٍ وَتَخْضَعُ
وَأَجَابَ بِسَاءَةٍ بَانْدٍ وَفِي طَرَفِ رِسْدٍ كَهَيْسَةٍ دَخَالِي كَدَاشَةِ اسْتِيَا
مَتَاعِشٍ لِفَرَامُوشِ كُدُوهِ اسْتِ وَبِئَرِ سِدِّ كَهَيْسَةٍ كَرَمَانِ اِتِّمَامِ كِنْدٍ وَبِطَلَبِ
آن رُودِ دُرْدِرِدِه بَانْدٍ نَا تَلَفِ شَدِه بَانْدِ حَضَرَتِ فَرَمُودَنَدَ كَهَيْسَةٍ
نَمَانِ وَتَمَاعِشِ ضَبْطِ مِيكَدِ كَهْتَمِ كَهَيْسَةٍ دَرِ رُفُوشِ فَرَمُودَنَدَ كَهَيْسَةٍ
كَهَيْسَةٍ بُوودِ وَبَاوَرِ سِدِّ يَنْقَبِ بِيَسِيَارِ كَشِدِ دَرِ رُفُوشِ فَرَمُودَنَدَ كَهَيْسَةٍ
كَهَيْسَةٍ كَدَمَانِشِ رَاوِ بِيَكِرِ دَانِ وَشَرُوحِ دَرِ رُفُوشِ فَرَمُودَنَدَ كَهَيْسَةٍ
اَكْدِ قَطْعِ كُنْزِ وَاسْتِدْبَارِ وَكَلَامِ وَاقِعِ شَدِه بَانْدٍ وَاسْتِدْبَارِ كَوْنِ بِنِهَا
وَاقِعِ شَدِه بَانْدٍ وَنَقُولِ دَرْ قَوِي كَهَيْسَةٍ حَضَرَتِ امير المؤمنين عليه السلام
الله عليه وآله كه هڪاهه تخففي نماز كند و به بيشد كه طفل متوجه التفت
يا كوسفندي داخل خانه شد و بچو را فاسد ميكنند حضرت فرمودند
كه برود و طفل را بكند كه مانع برود و كوسفندي را برون كند و بنا بر آن
خاكد كرد از بچي گفته باشند و سكه كه نماز است يا بچي را برون كند
في الصلوة فيرى حيلة يخفى له هل يجوز له ان يبتدئ فيها وبقاها
فقال ان كان يبتدئها وكنه خطوه واحدة فليخط وليقتلها واما فلا
و در موقوفه منقول است زعماء كه گفت سوال كردم از حضرت امام جعفر صادق
از تخففي كه در نماز باشند و به بيشد ما را در بار خود آيا جائز است كه
آنرا بگيرد و بيشد حضرت فرمودند كه اكميات و ميان او يك كام برد
و آنرا بگيرد و الا متوجه آن نشود و اين حديث محمول است بر آنكه متوجه

عقرب

وَالْمَرْءُ إِذَا أَرَادَتْ ۝

و اشاره کنند بآنچه اراده دارند حضرت فرمودند که بلی عاقلست و انقدر که
خواهند ولیکن زن اکرمه نماید باشد دست بر نهاده و خوردن و بیعتی بجا
بند نکند بسیار از آنجی صدای و ریشود و بر روی عیال و عیال خود
را بکشد و قائل است ای ابا عبد الله صلوات الله علیه بصلی فرمود
و هو یکنی ابجد بنی قریه ابو عبد الله صلوات الله علیه بصلی فرمود
فأقبل الرجل الیه و در هیچ منقولست از محمد بن یزید علی که صاحب کتاب
محدث است که گفت دیدم حضرت امام جعفر صادق را که نماز میکرد و در
گشت بر آن حضرت و آنحضرت در میان دو سجده بود و سکر بزم بجاست و آنرا
و آن مرد ستمویه حضرت شد و ظاهر نماز نافله بوده باشند و کاری
فاشته باشند یا بواسطه بیان جوار کرده باشند و آنچه مریدانه ایشان
اعظم است که در نماز چنین کنند و الله یعلم و روی عن ابی ذر و قال
رأیت ابا الحسن صلوات الله علیه یصلی قائما و لی جانبیه و یجلی کبیر
یریدان یقوم و یضعه عرقه که قال انه یکنی و یکنی و یکنی و یکنی
علیه و هو قائم فی صلواته فنادی الرجل العظام عاد الی صلوته
الی صلوته و در هیچ منقولست از ابو ذر که گفته است بکیت و بعضی
مذکور نیست در رجال و فقه است و شیخ در رجال و الا بکیت ذکر کرده است
با توفیق و در نقدی باین حدیث ذکر یا نقل کرده است و ظاهر
نعم است گفت دیدم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که استاده
در نماز و در جانبها و بر روی پر و میخواست که بر خیزد و عصا فی داشت
که آنرا بود و در حضرت که شدند در حال قیام نماز و عصا را برداشته
و آن را بردارد و بجای خود میفتند در نماز و لفظ الی و نحوه در حدیث

انصاع که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که گفت
که نماز میکنم و کنیزک میکند به برین او را درین میگیرم حضرت فرمودند که با
نیت و در حدیث موثق از امام زین العابدین علیه السلام نقل است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
علیه فرمودند که با کی نیت که زن طفل خود را در غار بردارد و در وقت
قصر نماز و شب ببرد و در سجده از غویب برعلیه منقول است که با نیت
عودم که شخصی هم نماز واجب باذن خود باری میکند حضرت فرمود که پس چنان
میکند عرض نمودم که چنان کرد چو نیت فرمودند که با کی نیت یعنی نماز
باطل میشود و در حدیث موثق از امام زین العابدین علیه السلام نقل است
که قطع میکند نماز را مگر غایب و بولد و باد بکه بوداشته باشد یا صلا و اشیا
بسیار وارد شده است که نماز را که سه مرتبه کرده باشد باطل است و بعضی
گفتند و آنچه گذشت بیان جواز است و اگر نه در حدیثی که از
مقبول است که چنان متوجه نماز باشد که اصلاً در نماز غیر متوجه
و تعالی بگذرد چنانکه در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که
فرمودند که چون متغول نماز شوی بر نوباد که دل به متوجه نماز نماند که
از نماز افتد و مقبول است که دل با حق سبحانه و تعالی باشد و با دست و سر
بازوای و چیزی بخاطر خود و مکران غیر حق سبحانه و تعالی و چنانکه مکران
و کائنات کن و دست بردارای دست منه که این فعل مجرب است و گناهی
که مستیان که چنین میکند مجوسند و متعابعت کبریا میکنند خدا را
سنت نمیدانند و بدعت میدانند و دهان نمیدانند و خود را حق میکنند و گناهان
در قیام و در رکوع و سجود کشاده باشند مانند شکر لاغوا و قوام کنونی بر ما
پاسنشین

سید الشاجدین مشغول غایت شدند غزله ساق درخت بودند که هیچ عمرو
 از اعضا یا حضرت حرکت نمیکرد و در سجده انحضرت امام جعفر صادق و صلوات الله
 علیه منقولست که چون سید الشاجدین بنامی ایستادند یک مبارک خیمه
 طبعی از جوت بپایه میرفتند سرانجام بر نمی داشتند تا آنکه عرض حضرت
 از آنحضرت ارجاع حق سبحانه و تعالی و رجوع کا یعنی از نماز منقولست که
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که چون در نماز در سجده کنی و در نماز ایستاده
 نگردان که نمازت فاسد میشود و چشم را بنظر انداز و بجان آسمان مگردان بلکه
 میباید در برابر در و در موضع سجود در سجده کنی و در موضع کا یعنی از آنحضرت منقولست
 که نماز را نیت که چون قیامت کند و بایه رحمت خدا بگوید اللهم انی
 و بیعت بایه عذاب رسد بگوید اللهم اعوذ بک منه و در سخن کا یعنی
 از آنحضرت منقولست که چون در عقب امام باشند نماز جماعت و نماز
 رحمت بخواند طلب کند آنرا از حق سبحانه و تعالی و چون ایه عذاب بخواند
 بنام حق سبحانه و تعالی بر او از شر آن و کا یعنی منقولست از آنکه دیدم که
 حضرت سید الشاجدین صفا نصیحت کردند و در آنحضرت افتاد و حضرت
 آنرا دست نکردند تا از نماز قیامت شدند من سوال کردم که بعد از دست نکردید
 در آنحضرت فرمودند که و بیعت یعنی رحمت بر تو باد و بایه رحمت میدانی که
 در خدمت من ایستاده و چشم بر روی که اندیده نماز من قبول نیست که آنحضرت در آن
 با صدا باشند پس گفتند فدا شویم هر چه هلاک شدیم با بیعتی که ما را از آنحضرت
 فرمودند که لحاظ باشد که حق سبحانه و تعالی نقصان را تمام میکند بنماز او و
 اخراج حسنه و سجده منقولست از خدا قیامت صلوات علیه السلام که بسیار است
 که از آنجا دیده نصف آنرا بایستد که در نماز عمل و نیت غایتها را در نماز

باشد آنرا با رجوع با حسن بیعت را غنیزند مگر آنچه دل بسته با حق سبحانه و تعالی باشد
 و رسو و بنوا فلی باشد اند مگر آنچه که تمام کند در زمین و بنوا فلی و اگر دل با خدا باشد
 یاد و وقف فیض است واقع نشاند آن نماز سجده و بر روی خاصه منبذند
 و آنچه در سجده و نماز و آمده است از حق از دست ایشان خلاص نیست
 و خلافت در بطلان نماز و بعضی گفته اند که مگر و هست و در سجده
 مسلم بنی فزان وارد شده است و در سجده از آنحضرت منقولست از آنحضرت
 امام محمد باقر علیه السلام که فرمودند که دست بپسند که دست بپسند فعل محمول است
 و شکی نیست که لحاظ ترکست و حرم حرم و بطلان و کره است شکی نیست
 بلکه آنچه ظاهر است بر حرم است است از آنحضرت و کره است و بر تقدیر است
 حرم بطهران مشک است چون نهی از فعل است که خارج است از حقیقت صلوة
 و مثل این مسئله است گفتن این آیه بعد از نماز آنکه اگر عملی قابل باشد
 بجهشتان و جوی نقل جماع نیز کرده اند و حسن کا یعنی منقولست از جلیل
 انحضرت امام جعفر صادق و صلوات الله علیه که فرمودند که هرگاه در وقت
 امام باشی و او از خواندن حمد فارغ شود بگو الحمد لله رب العالمین و مقولست
 و کا یعنی منقولست از محمد بن حنفی که گفت عرض نمودم بخدمت آنحضرت صلوات
 علیه السلام که چون از آنحضرت فارغ شوم آمین بگویم حضرت فرمودند که نه اما آمین
 و ارادت در سجده از جلیل که گفت عرض نمودم از آنکه هر زمان در عقب امام
 آمین میگویند بعد از حمد امام حضرت فرمودند که ما احسن ما و اخفص
 المصوت یا یعنی چه خوب است و آهسته فرمودند و محتملست که و خفیف
 بلفظ میخوانند یعنی آمین یا اگر بی بار و آهسته بگو که سبب ضلال است
 نشود و میباید است آنکه حفظ تعالیست و اخفا فرمایده است و شیخ ما

ایکسٹنڈ

رَبَّنَا عَلَىٰ مَعْنَاهُ أَتْلَا طَاعًا لِكَيْزَادَ قَرَفُ عَمَلِهِمَا وَإِذَا أَرَادَ الْحَيُّو
 جَكَتْ ثُمَّ حُدَّتْ لَأَمْنَهُ بِالْأَرْضِ وَقَعَزَتْ وَكَلِمَتَانِ فِي الْأَرْضِ فَأَمَّا الْأَرْضُ
 إِذَا الْإِلَهَامُ دَعَفَتْ تَهَامِينَ الْحَيُّو وَجَلَسَتْ عَلَى السَّيْبَةِ لَيْسَ بِحَافِظَةٍ
 تَكْمَلُ تَهْمَتَانِ لِيَسَامِيَهُمْ عَوَانُ تَفَرُّغٍ حَيُّو تَكْمَلُ أَتْلَا لِكَيْزَادَ
 وَأَمَّا قَوْلُكَ لِلشَّهَادَةِ دَعَفَتْ رَجُلًا وَهَمَّتْ فَعَمَلُهَا وَأَمَّا الْأَمَلُ لِكَيْزَادَ
 بِقَلْبِهَا وَأَمَّا تَهْمَتُ لِيَسَامِيَهُمْ عَوَانُ تَفَرُّغٍ حَيُّو تَكْمَلُ أَتْلَا لِكَيْزَادَ
 صدوق حدیثی روایت کرده است در حواله اسمی که صدوق با اعتماد
 ایشان دارد مردی را و حدیث ایشان را حکم بفرموده است که صدوق آنرا
 رجال توثق ایشان نکرده اند از جای جمع از حضرت امام حجت فرمود الله
 علیه و هفتاد و سه فصلت ذکر کرده است از خصایص آنکه در احادیث
 بسیار شریفه مذکور است و اولش اینست که بزنان اذان واقلست طبیعت
 و نماز جمعه جماعتینت و بقیه آنکه بعد ازین شریفه در میان احتیوین
 کرده است و من در جای دیگر از اویم چون مشتمل است بر فوائد بسیار و
 اینها مسمی فی انتخاب مؤلف است چنانکه در بحث اذان گذشت و در
 هفتاد و سه فصلت و در حدیث صحیح از زنده شریفه است که چون زنان نماز
 ایستند و جمعی از آنها بخیال کرده اند که سخن زمره است و لیکن آنکافی
 ظاهر میشود که از حضرت باقر روایت کرده است و صدوق در صحیح از زنده
 از حضرت امام حجت فرمود الله علیه روایت کرده است همین عبارت
 را با و فی که اذان و اقامت طبیعت زمره است و همین مضمون در فقه رضوی
 و در حدیث جاریست و لیکن صدوق حدیث است که فی روایت کرده است
 اندک تغییر لغوی که چون زمره نماز است و ماها از زنده بلکه که از زنده

درخماز
زنان
از باب بیست در ادب

مردان و فاصله میان با هانگزارد و دستها را بر سینه گذارد با لای پستانها
که ظاهر باشد پستانهای و از زیر پهن و جامه و چون بگویم و در دستها
بر آنها گذارد تا از زانوهای تا انگه بسیار که نشود که بدست خود در زیر
نشت نکند و چون خواهد که بخورد و در اول بنشیند و بپوشد و در چنانکه
خود را بر زمین بپوشاند و نشود و بنا شد چنانکه در اثر استقامت که نشاد
و دستها را بر زمین گذارد تا فرقی و چون خواهد که برخیزد و بپوشد
سر از سجده بردارد و بر نشسته و خور و بنشیند نه مثل نشستن مردان که سر
می نشیند و لا در جلسته است راحت و بعد از آن بر میزند و در کار و کیش
یعنی که در محل است و درین سخن معنی است یعنی بر باشد با نشسته چنانکه
ستیان می نشیند و در تهنیت لفظ لیسون قلم شایخ افتاده است یعنی
چنان نشیند که مردان که خانه نشسته میکنند می نشینند و در واقع چنان
نشینند و بجز بپوشد و لیکن چون از کار و روایت کرده است ظاهر
آنست که انشای افتاده باشد اگر چه ممکن است که منتهی که فی خنجر چنان
باشد بعد از آن برخیزد و بنشیند که سر او ظاهر شود بلکه دستها بر زمین
از جانب پهلویها و خود را بر پشت بکشد تا می ایستد و چون مردان که در
می نشینند باها را بر میدارند بگویند که سرش در زمین باشد باها و زانوهای
راست باشد مثل نشستن مردان مرغان در غایت نشسته و زانوهای را بر زمین
می گذارد هم مثل ایستادن کاف و تهنیت و خصال و غیر اینها
در حدیث مراده و بقیه عبارت صد و شصت که گذشت در ضمن اخبار
بسیار که زن با لایه از آن نمیکند و مقنعه بلکه سر و گردن و موهای
مقنعه می پوشاند و آنرا با لایه و کلاه می پوشد و مقنعه نماز میکند و اینجا
کلمه زن

عمل کرده اند بی خلا فی حجب ظاهر و سنت میدادند و لایه و لایه است که
زنان تنگ نکنند عمل این آداب و موقد این اخبار اخبار و موقنعه و در شده
در آنکه زنان می باید که مجتمع باشند نه گسوده و خلاف در آن در ده احوال
و در حدیثی که از آنست که جعفر صلوات الله قال المرأة تغطي بالبرقع
و المقنعة اذا كان كسها ليعي سترها و كان ليجر فمهم منقوش است
امام محمد باقر که زن نماز میکند نمی تواند کرد در برهانی و مقنعه هرگاه
هر دو ستر باشد بخیر مسلم تفسیر کرده است که مراد حضرت این بود که کلاه
باشد چنانکه بدن را بپوشاند و تنگ نباشد که نماز باشد و حاصل آنست که
می باید که زنان در نماز بدن را بپوشانند و غیر از دو و دستها نباشد و دستها
تاسا قبا و این دو جامه هم پوشیده میشود و در هیچ از آن مقنعه
گفته سوال کردم از حضرت امام محمد باقر که آنکه بر لباسی که زنان در نماز
کنند حضرت فرمودند که برهانی است و چادر نیست که بر سر بپوشد و کل بدن
بپوشاند و چادر را چنانکه آنست که اکثر اوقات برهانی تنگ نباشد تا پیش
ماند نباشد چادر را مقنعه میکنند که هر سر و گردن و مو و سینه را بپوشد
و در هیچ از حضرت موسی جعفر صلوات الله علیه تمام مقنعه است که فرمودند
بر کبریا که لام نیست که مقنعه بر سر بپوشد در حال نماز و زن آنرا نماز نمیکند
در دو جامه یعنی بدن را بپوشاند و کلاه سر و گردن و مو را و ستر که پوشش
یعنی اباعبدالله صلوات الله علیه عن الرجل یصلی فی ثوب واحد
قال نعم قال قلت قال الله قال لا و کان یصح نقول است و بوشن گفت سوال
کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از آنکه نماز کند در یکجا
یا جایز است حضرت فرمودند که ای جایز است پس نماز می تواند کرد در یکجا جامه

کلمه زن

ازملی

ادخلوا

آتی بغير وقت باین گذشت و روی حدیث مسلم عن ابي جعفر صلوات الله علیه
 قال ليس على الأئمة قضاء في الصلوة ولا على المذنب قضاء في الصلوة وهي
 تملوكم حتى تؤدي جميع مكائنها ويجوزي عليها ما يجزى على المملوك في
 أخذ و تركها قال وسألت عن الأئمة إذا قلت عليها أجزأ قال لا
 عليها لكان عليها إذا هي حاضرت و لست عليها التمتع في الصلوة و
 منقولست از محمد که گفت حضرت امام جعفر باقر صلوات الله علیه فرمودند که نیاید
 لازم نیست که سرپوش بکنند نماز و بر مریضه نیز لازم نیست نماز و مشروطند
 تا جبرع مالک احوال باشد و هر دو یک بر مملوکست و روست چون بنده است
 گفت که سؤال کردم از حضرت ص که هرگاه نیاید مقفوع بر لازم است حضرت
 فرمودند که اگر بکنی مقفوع میباید و قی که مضاف بر بدست میباید
 حره بر کنی و مقفوع در نماز لازم نیست و این حدیث صدوق در علل
 حسن کاتحقی روایت کرده است و در روایت کاتحقی نقل کرده است از جعفر
 که حضرت امام جعفر صادق و صلوات الله علیه فرمودند که اگر کسی بر سر
 بزند و ناخشناخته شود روم از امانه فرمودند که بدین صلوات الله علیه
 میزد ایشان و قی که میدید که در نماز مقفوع بر سر میگردد و میبایست که
 با بگوید که بعد از وفات من آزادی تا موی میزد و او بنده است و مکاتب
 قسم است یکی مکاتب طلق که بگوید موی که هرگاه در خانه مثلا همراه بگو
 بدی آزادی و شرطی نگیرد همراه که میدهد بنسبت آزاد میشود و بر مقفوع
 واجب میشود تا جبری انشال کتابت نداده است میباید است و حکم مملوک
 دارد و دویم آنست که میگوید که هرگاه بگویم بدی آزادی اگر ندی بنده
 مکاتب مشروط است و حکم بنده کان دارد تا دنیا را خراب ندهد و احکام

آمدند و یا خود انشاء الله و در صحیح انعمین مسلم منقولست که گفت حضرت امام
 جعفر باقر صلوات الله علیه سوال کردم که کین سرپوش اندازد در نماز حضرت
 فرمودند که مقفوع بر کنی لازم نیست و در صحیح از منقولست که گفت خدمت
 حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمودم که کین سرپوش اندازد
 حضرت فرمودند که نه و نه ام و لدی نیز بر لازم نیست سرپوش اندازد هرگاه
 ولدش مرده باشد یعنی اگر ولد زنده باشد سرپوش بپوشاند و در واقع چنین
 نیست و ظاهر در آن مجلس سنی بوده است که حضرت از روی یقینه این شرط را
 فرموده باشند اگرچه دلالت مفهوم ضعیف است و ممکنست که سنتی
 با وجود ولد سرپوش بایند او و الله تعالی اعلم و روای عیض بن القاسم
 عن ابي عبد الله صلوات الله علیه فی الرجل یصلی إذا لم یجد ثوبا
 و یعمی ثوبها قال إذا كانت مأمونة و در صحیح از حضرت امام جعفر
 صلوات الله علیه منقولست در هر دو که نماز کند در لنگ زن و جامه زن
 یا مقفوع زن را حرام کند بر سر یا جایز است حضرت فرمودند که اگر زن مملوک
 باشد و اجتناب از نجاسات کند میتوان و بمفهوم دلالت میکند بر آنکه اگر
 مؤمنه نباشد نتوان و مجولست بر کراهت چنانکه گفتند در احادیث صحیح که
 میتوان طلقا و روی آن خبری است از ائمه البیوت و صلوات الله علیه
 فی یومها افضل من صلواتها فی صومها و صلواتها فی صومها افضل من
 صلواتها فی صومها در آنها افضل من صلواتها فی صومها و نکره الصلوة
 فی صومها غیر صحیح و منقولست که بمقتضی مساجد زنان خانهای ایشانست
 و همین عبارت در موفق از یونس بن طیار از حضرت امام جعفر صادق
 علیه منقولست و مر و نیست که نماز زن در میان نبوت بقرابت آنها و

در صفه بخت بود و نماز در صفه مبراست نماز در صحن خانه و نماز در
صحن خانه بخت است نماز در بخت بام خانه و مکر و همت نماز کردن در بخت
بامی که فصلی داشته باشد و قال ابو عبد الله صلوات الله علیه لا تترك
النساء الغفوت ولا تحلقهن الکتابه ولا يعطوهن سورة يوسف
وعلموهن العزق و سورة النور و اذا استحي المرأة عقدت على الاكل
لا تهن منسولات يوم القيمة و روایت سکونی و جابر از صادقین
صلوات الله علیهم منقولست که فرمودند که زنان در بالا خانه ها می نشینند
چون اکثر خانه ها فصل بلند ندارد و عملگست که تا حرم ایشان به بیند
و نوشتن خط یا مدد هید نباید اجزای نویسند بختی هم در آن از خط ایشان
غشوت شوند و یاد مدید ایشان سورة یوسف چون در بالا خانه ای نشیند
و عاشق است مبارامقوتون شوند و یاد دهد ایشان را هیچ و شش ماه
رشتی که رشتی باشد هر چو می که باشد و یاد دهد ایشان سورة یوسف
چون اید عجیب و حد زنا و غیر آن از حکام زنان هست و عملگست که
این حکم مخصوص زنی باشد که عربی فیه و چون زن تسبیح گوید سنا
انرا به بیند انگشتان کند چون روز قیامت از انگشتان نیز سوال خواهد
کرد که چه کرده اید که رجری داشته باشند که جواب بگویند و خط
تسبیح بجا که حضرت امام حسین علیه السلام افضل از آن باشد چنانچه
و چون حاجت جابر شتی بود بر خواهر بسیار دلدار ضرورت است که
در قری که ایض و نوزاد و قی فی الفیض از جابریین بریند جعفری ثقه که
گفت شنیدم از حضرت امام محمد باقر ع و فرمودند که بر زنان اذان و اقامه
و جمعه و جماعت نیست یعنی بر سبیل تاکید چنانچه بر مردانست و عیادت

کدرد

درجه‌ی چند که مردان بآن نظر نمی‌توانند کرد متوجع بپنهان زدن و پنهان
در میان راه‌ها و ترنونه و دودل‌های راه و درون و بیرون نیست زنا را
در بالا خانه فتنه‌ساز و خطیاد گرفتار و سست است که سرخ رشتن یاد
و سوره نور را یاد کردند و مکر و هتک زنا را یاد کردند و سوره يوسف و هر
زن می‌تواند شود و او را توبه می‌فرماید پس اگر توبه کند چنانچه او را همیشه
در زندان حبس می‌کنند تا برگردد و او را نمی‌کشند چنانکه مرد می‌کشد
ولیکن او را حد می‌تواند دشوار می‌فرمایند و خوردنی و آب نمی‌دهند و او را
مگر آنقدر که سست رقیق و کند و طعام نمی‌دهند مگر خنجرهای برون و پون
نمی‌دهند و او را مگر پوشش‌های کهنه و درشت و اگر تارنگان می‌زنند و
تا نازک کنند و می‌زنندش تا دوزخ بگیرد تا توبه کند و آنکه برگردد و بر زن
جرم نیست و چون ولادت زن ظاهر شود واجبست که زنا را بپوشانند
انخانه تا او را توبه نظر ندان بجورست و بود و نیست و این مجولست بر زن
زیاده از قد و ضروری و جای نیست جنب و حیض حاضر شده زن نزد
تلقین می‌تست و در حالت رقیق زنا که ملائکه متادی می‌شوند از رقت
و جای نیست زن جنب و حیض داخل قبر شوند در وقت مردن
قبر و چون زن از جای خود برخیزد جای نیست مرد که در آنجا باشد
تا سوره نشور و از متاع شنیده ایم که مردی آمده می‌ورد و چهار زن است
که اطاعت شوهر نیکو بکنند و رعایت احوال شوهر خود خوب بکنند و حق
شوهر بر زن عظیم تر است از همه مخلوقین و شوهر بقوات بنماز کردن
بدن بعد از نبوت زن و جای نیست زن مسلمان که برهنه شود و زن
یهودی و نصرانی زنا که وصف می‌کنند بدن او انداخته شوهرهای خود
چند

بپنهان زنا

و در پیش نصف دین است و مرد و زن در حال احتیاج با بریدن تابش است
 بسد و چون از تابش نیا ده شود از مرد زیاده میشود و از زن کم میشود و از زن
 نصف مرد میشود و چون زن با مرد غافلند اگر چه یک زن باشد در عقب مرد
 ایستد و پهلوی او ایستد و چون زن میرد امام در وقت نماز در پهلوی
 ایستد و چون مرد غافلند مرد سر می ایستد و صدوق باین محل کرده است
 و پس و چون در غایت بر نرسد و مرد و پهلوی ایستد که زنهای او را بگیرد و
 حرم دیگر نرسد و سرش می ایستد و چیزی شمع زن نیست نزد حق
 سبحانه و تعالی و بهتر از نهضای شوهر و چون حضرت فاطمه زهرا علیها
 السلام ایستادند حضرت امیرالمومنین علیه السلام بر او ایستاد و در وقت نماز گفت
 خداوند امن را ضمیمه از دختر رسول خدا و ندا بوحشت قبری آمد و توبه ایستاد
 باش خدا و ندا از اولاد و شوهر هجرت کرده است خدا و ندا تو را و را
 بوصول خود شد که روان خدا و ندا مظلوم از دنیا رفت حق و را بردند و شهادت
 کردند ابو بکر محمد را از او گرفت و عجز در پیشکش کردند و محسن سابقا باشد
 و او بر سرین او ندا دقت خدا و ندا تو حکم کن از جمله او که توبه بهتر است حکم
 کنند کافی تمام شد حدیث جابرو در حدیث لاسناد حمیری روایت کرده است
 از عبدالله بن حسن از حدیث علی بن جعفر که گفت سوال اکبرم از پدرم
 حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بود که اگر زنی امامت زن را کند
 چه مقدار از او را بخورد و را بکشد در حالت قنوت حضرت فرمودند که
 آنقدر که شنیده شود گفت سوال کردم که آیا بر زنان هست که قنوت
 بلند کنند بخوانند در نماز و نهضه و ناخلف حضرت فرمودند که نه مگر آنکه زنی

این بابست در بیان این بابست در بیان این بابست

محمد باقر

فایز شدن انعام که از کلام طرف روانه شود و وی محمد بن مسلم عزله
 جعفر صلوات الله علیه قال اذا نصرت من الصلوة فانصرت من عبادته
 وکافی منقولست از حضرت امام جعفر صلوات الله علیه که فرمودند که
 هرگاه فایز شوی از نماز از دست است فایز شوی و مثل این حدیث شیخ
 در موقوف کا فیض از احادیث حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
 کرده اند و ظاهر این دو حدیث است که چون خواهند که از جای نماز
 انصابت دست است برچینند و احتمال دارد که مراد از این باشد که چون سلام
 روحانی است گفتند موافق اخبار دیگر و ظاهر کلی این فیهده است
 چون در باب سلام آورده است و علامه مثل صدوق فیهده است و حکم
 بصحت محمد بن مسلم کرده است و در متنی در بسیار جانی و حق با او است
 عجب واقع و لیکن مخالف قاعده او است چون در سند دو کس از اولاد
 برقی هست که ارباب رجال ایشان را ذکر نکرده اند و شیخ حسن نه مستثنه
 شده است باین تحقیق و حدیثی که احمد بن محمد بن عطار در کتاب محمد
 شمره است و گفته است که او صاحب کتاب نیست بلکه از شاخ اخبار
 و شیخ ماسولانا عبدالله مطلق شاخ اجازة را با اعتبار و جاهل یا ضعیف
 مصرعید است پس بحسب آنچه تجربه و عرن ظاهر شده است از تتبع بسیار
 آنست که ضعف در حدیثی که از شاخ اجازة باشند ضرر ندارد و لهذا است
 سعید از قلم جوهری روایت میکند و اعتبار برآورده است چون صاحب کتاب
 بنوده است بلکه میتوان گفت که طریقه متوسلین علم از شیخ طوسی
 تا علامه در این حال فلهذاست که نظر راوی اول میکند خصوصاً است
 با مثال این فضلا و بسیار است که در تریج احادیث راوی اول میکند

محمد باقر

تریج میدهند و جمیع متأخرین که از اصطلاح ایشان خبر ندارند بگویند
 که این تریج و تریج و تریج که هر دو در مرتبه محبت شل و کدیک باشند و تریج
 اسناد و حال آنکه آنچه را تریج داده اند شکی نیست که تریج از ضعف است
 غافلند که کتب قدما پیش ایشان نبوده است و بسیار آورده است که
 حدیث زمره هر صد کتاب با ساینده مختلف بوده است و شکی نیست
 بلکه دروغ بر گزار نه بسته اند بلکه زمره را با تریج مسلم می شنیدند
 شل و شل این فضلا که احادیث بسیار در مدح ایشان از ائمه
 صلوات الله علیهم وارد شده است کتب ایشان را اعتبار عظیم می کرده اند
 لهذا صدوق بک سند محمد بن مسلم نقل کرده است در فهرست با آنکه
 اسانید بسیار را و دامنه است چنانکه تصریح باین معنی کرده است
 در ابوجعفر ثمالی و بطریق مجهول نزد ما نقل کرده است و بعد از آن گفته
 که طریقی من بار بسیار است از جمله اختصاص را بطریق نقل کرده ام
 و مؤید آنکه بسیار نقل کرده است از ابوجعفر بطریق مذکور و همچنین در کتب
 خود لهذا شیخ طوسی رحمه الله در هیچ جاد مذمت و سایر سخن نگفته
 بلکه مذمت را و ای قلم میکند و همچنین صدوق غالباً و ابن طایف
 و محقق بسیار چنین کرده اند و الله تعالی اعلم
 قال الله تبارک و تعالی و اَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْتَبِعُوا صُلَى
 الرَّسُولِ اِنَّ اَبْلَغَ رِیَاسَاتٍ غَارِ جَاهِلٍ وَفَضْلَ اَنْ حَسْبُكَ
 فرموده است که پیای داوید غافل یعنی آنرا آورید با شرایط و ادکان در
 آن و زکوات ما بخود بدهید و غافلید با جمعی که نماندند و بغیر
 از نماز بر کوه فرموده چنانکه بسبب فرموده است و بنسب و ذکر و غیر آن

باب الحاح در بیان نماز و غیره

ع ۷۳

که گفتند عرض خودیم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که آیا نمازها
بجماعت واقع ساختن فرضیه است حضرت فرمودند که نماز واجب
واجتماع در نمازها مفروض نیست در همه نمازها ولیکن جماعت سنت
کسی که ترک کند جماعت با آنکه آنقدر با بهتر اند و روا جماعت واجب
مسلمانان بگرداند بی علقی نماز و نماز نیست یعنی باطل است با کمال نیست
و بر هر قدر بدالات بر وجوب جماعت نمیکند زیرا که ترک جماعت عینه
عنها فوق است بحیث ظاهر و محکمست که بسبب این معنی نماز باطل باشد
و بسبب ترک فقط با آنکه دادند که بد کرده است و خود را از فضیلت نماز
جماعت محروم کرده است کثرت ندانسته باشد و غایت صحیح باشد چنانکه
ظاهر حدیث است کچھ محکمست که مراد از این باشد که وجوب جماعت اقوال
ظاهر شده است بلکه از سنت بی ظاهر شده است و نمیدانند ترک جماعت
بجای خود باشد و لیکن ظاهر تنه حدیث که مرمت از ترک و بطول و
و ترک رغبته عنها و فرمودند فتره است که سنت بمعنی خود باشد با آنکه
علما شیعه کافه بر استیفاء و کس قابل بوجود جماعت نشده است نه
عینا و نه کفایه خلاف که بعضی قایل بوجود عینی شده اند
بکفائی و اکثر استیفاء و من ترک تلك جماعات متواليات ^{بعض} متفرقة علی
فترساتی منقول در جمیع از او بصیر و مجتهد مسلم از حضرت امام محمد
که فرمودند که فرمودند که هر که نماز خود را ترک کند بی علقی و منافقت
و ذکر این حدیث در باب جمعه اولی باشد ولیکن چون جماعت مطلقا
ذکر کرده اند و جمعه را اول ذکر کرده است پس باید که در نهایت مبالغه است
در وجوب جمعه که ترک کردن سه جمعه مجزله که نیست و صلوة الراجاء

مومنان بی علمتی پس و را غافلست و در موقوف انحضرت امیرالمومنین صلوات
 علیه منقولست که فرمودند که نمازی نیست کسی که حاضر نشود نمازهای
 در مسجد و همسایگان مسجد هر که فارغ باشد و بپار باشد و این حدیث
 حدیث محمد بن مسلم ظاهر نشان نماز جماعت و احفال دارد که مره نماز
 باشد مثل حدیث حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله که فرمودند
 که نمازی نیست هر کسی مسجد را مگر و سیدش اگر چه این حدیث نیز احتمال
 جماعت دارد و مراد از همسایه مسجد کسی باشد که در عرف ایشان همسایه
 نباشد و در میان اصحاب و در حسن کا الصحیح از حضرت امام جعفر یا قرص
 و کا الصحیح از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله منقولست که هر
 همسایگی چهل خانه است نه چهار طرف و در حدیث صحیح انحضرت امیرالمومنین
 منقولست که هر که بشنود اذان نماز جماعت و بجاعت حاضر نشود و اذان
 نیست و مراد از نماز که املت و قال رسول الله صلی الله علیه و آله لقوله
انحضرت المجتهد الکبیر عنه علیه السلام مناذر که منقولست از حضرت سید
 المرسلین صلی الله علیه و آله که بگوید که فرمودند بنیاد که حاضر شود یا
 والله که حاضر خواهد شد و در مسجد نماز جماعت و اگر نه خانه یا بنهار
 بشنوا و هم سوخت یعنی آنجا بنمای شما میزنم که خدا با شما بیوسید و
 در احادیث صحیح الطریق عالمه و خاصه و ار دسته است از انجیل و در صحیح
 از عبدالله رضی الله عنه منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات
 علیه شنیدم که فرمودند که جوهر زمان حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله
 علیه و آله تا غیور میکرد و بپار و جماعت مسجد حاضر نمیشدند حضرت فرمودند
 که نزدیک است آنجی که ترک میکنند نماز را در مسجد جماعت که هر کس که همه یاد

جماعه بقصد على صلوة الرجل وحده عجز وعشر رجه فانحة فاف
في جماعه بقصد صلوة الفرد باربع وعشر رجه صلوة فيكون عشا وعين
صلوة مضمون حديث صحيح عبد الله بن سنانا حضرت ما جعفر
ص له فرمودند که نمازی که شخصی بجماعت کند یا دینی دارد بر نماز آنها بیست
درجه در پشت یعنی مجموع از اصل و زیاده بیست و پنج درجه است فان
جماعت زیادتی دارد بر نماز آنها بیست چهار نماز که با اصل بیست و پنج نماز
و عبارت حدیث چنین است که حضرت فرمودند که نماز جماعت یا دینی
دارد بر نماز فرد بیست چهار درجه که با اصل بیست و پنج نماز باشد و این
عبادت در غایت متابعت و مطلوب است و ظاهر است و تغییر از نقل حق
المعنی اینجا رسانیده است و ممکن است که بجای خمس پنج بوده باشد و نه
از نسخ شده باشد و در حقن کال تعجب از تفاوت مقبول است که گفت عجز
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که روایتی از حضرت سید علیه
صلی الله علیه و آله نقل کرده اند سنبلان که حضرت فرمودند که نماز جماعت
افضل است از نماز آنها بیست و پنج نماز حضرت فرمودند که راست میگوید
و مضمون و فضیلت به بیست و پنج نماز متواتر یا المعنی است و روایتی از
سبل عن ابی جعفر صلوات الله علیه انه قال لا صلوة لمن لا
يشهد الصلوة من مسجدان المسجد الا مومن او مستعمل و كذا في نسخة
از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که نماز بیست و پنج
که حاضر شود بر نماز جماعت از هشتاد و پنج مسجد مگر نمازی را کسی که غفل
ضروری داشته باشد و در هیچ اثر از آن مقبول است که حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه فرمودند که هر که بر جماعت کند از وی عشتاد و پنج

مؤمنان

و در در خانه ای ایشان کلام و برافروزم و خانهای ایشان را با ایشان بسوزانم
و در حسن کا انجمی از حضرت صلوات الله علیه منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله شرط کرد بر عیالهای مسجد که حاضر شوند نه از و فرمودند
که باید که ترک کنند مسجدی که حاضر میشوند نه از جماعت و حاضر شوند
و اگر نه امیرکم مودنی را که اذان و اقامت بگوید و لم یکنم شخصی از اهل بیت
خود را که آن علی است صلوات الله علیه که چشمهای همه بپا و درو خانها
بسوزانند بر جمعی که نه از جماعت حاضر میشوند و کا انجمی منقولست از حضرت
نیلے یعقوبی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله اذاعه کردند که بسوزانند
که در خانه آنها بخود نماز میکردند و نه از جماعت حاضر نمیشدند پس در کوفی
آمد و گفت یا رسول الله من چشم ندارم و لبها را بست که اذان میشد و
بهم نمیرسد که مرا نه از جماعت حاضر کنند که با تو نماز کنم حضرت فرمودند که اگر
ببیند از خانه ات تا مسجد و دست بر لبها نکند و نه از جماعت حاضر نشود و
طرق عامه نبرد و صحاح ایشان منقولست بخود حدیث سابق برین و با آنکه
آنکه نه از جماعت سنت باشد اذاعه سوختن ایشان را چند تا و ابل کرده اند
یکی آنکه اجتماع که حاضر نمیشدند نه منافقان بودند و سوختن ایشان
جایز بود دوم آنکه ترک جماعت همه نمازها میکردند حتی نماز جمعه و سوختن
با اعتبار ترک جمعه بود دیگر آنکه بخود تمهید و وعید بود و جایز است
تخویف دیگر آنکه سوختن دنیا غیر سوختن آخرت و واجب است
بر ترک آن است سوختن عوالت آخرت شوند چنانکه در اذان گفتند و در ترک
زیارت نیز خواهانند و این معنی ظاهر است اگر چه حکمت هر عمل و الله اعلم و قاف

مکروهی و ملافت دار نمازهای و رعایت اوقات نمازها میکنند و بعضی
خود بی محافت و اینجی چای نمیدارد که شهادت و با وضو کنند و حکم بعلت آن کنند
در میان مسلمانان نیز که نماز بیشتر و کفاه و کثافت و ممکن نیست شهادت
دادن بر کسی که او نماز میکند هرگاه در مسجد حاضر نشود و یا جماعت مسلمانان
نماز کند و نماز حاکم از پنجه شاعر مقرر ساخته است تا بناسند که نماز گذارند
و آنکه نماز نمیکند بکسیت و که حفظ اوقات نماز میکند و که نمازها را و اوقات
نماز را و اگر این باشد ممکن است که کوای توان دادن بر کسی که صالح باشد
کسی که نماز جماعت مسلمانان حاضر نمیشوند و از اصلا محبت در میان مسلمانان
بدست که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله اراده فرمودند
جمعی را بپوشانند و آنکه نماز جماعت حاضر نمیشوند با آنکه بعضی را
و خانه خود نماز نمیکردند و حضرت با نغش قبول نکرد نمازخانه را چنانکه
قبول کنند شهادت بعلت تخلف در میان مسلمانان که حاکم خدا
و رسول جاری شده باشد که او را با خانه اش بپوشانند و حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله میفرمودند که نمازی نیست کسی که نماز نکند و مسجد
با مسلمانان مگر با عیله و عدم عدالت امام عقلت چنانکه در صحیح آمده
نقل است که در خدمت حضرت شام محمد باقر فلسفه بودم که شخصی اعیان
و گفت فدای تو کردم من عسایه مسجد قوم خود که هرگاه با ایشان نماز
غیبت نمیکند و از آدم میدهند و میگویند که را فطانت و مذهب ندارد
حضرت فرمودند که تو این را بگوئی و حضرت امیر المؤمنین صلی الله علیه
و آله فرمود است که هرگاه از آن بشنود و نماز جماعت حاضر نشود بی عتبی نماز
نیست پس آنم و خلعت که بیرون رود و فرمودند که تریه مکن نماز را با ایشان

و در بعضی

سید المرسلین

سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرموده است که مؤمن تنها قولش
و مؤمن تنها جماعت در حدیث صحیح از محمد بن علی و ابراهیم است و
بدین صحیح آنچه از صحیح شود از محمد بن یوسف فقه از این جهت که گفت شنیدم از
اسام محمد باقر که میفرمود بدین بسیار که چنانچه حدیث حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله آمد و گفت با رسول الله که من در جمعی با هم و با هم می‌نشینم
اهل و فرزندان و غلامان من از آن واقامت می‌گویم و پیش نهادی ایشان
از اقواب غایت جماعت داریم و غایت جماعت حضرت فرمودند که بی برکت است
گاه هست که غلامان بطلب آب باران می‌روند و من و اهل و اولاد می‌مانیم
واقامت می‌گویم و امامت ایشان می‌کنیم یا با جماعت حضرت فرمودند که بی
بیرکت با رسول الله گاه هست که فرزندان می‌فرستند و دعا فاطمه
شدن یا یوسف شدن من و اهل می‌مانیم از آن واقامت می‌گویم و پیش نهاد
نشان می‌کنیم یا با جماعت حضرت فرمودند که بی برکت با رسول الله گاه
که ز کوری وارد و حاضر نیست من و اهل می‌مانیم از آن واقامت می‌گویم و غایت
با جماعت حضرت فرمودند مؤمن تنها جماعت ظاهر و باطن است
فقیه است که چون از آن واقامت گفته است و در حدیث صحیح گفته است که
هر که از آن واقامت بگوید و صفای زلاله و دعا و غایت می‌نشیند و جماعت
حاصل می‌شود و لیکن ظاهر کلام حضرت که فرمودند که مؤمن تنها جماعت
است که ایمان سبب اینست که از آن واقامت صدق و حق از آن گفته شود
یا مطلقاً استثنای او کرده است که مؤمن تنها جماعت و تنها جماعت
قرینه ایست که چون مؤمن با حضور قاضی می‌نشیند پس دل و پیر
انماست و قوی جواسر ظاهر باطن و اعضا و جوارح او عزله مأمور است

که بدلا قتل میکنند چنانکه منقولست که حضرت سید المریدین ^{علیه السلام} دیده اند که نماز میکرد و بارش رخ دیاری میکرد فرمودند که اگر اینچنین دل و پند خدا میبوسد و اینها اعضا و جوارح او خاشع میشود و بخوبی که حق سبحانه و تعالی است و اینهمه تجریت که هرگاه دل با حق سبحانه و تعالی است در حق قیام چشم و موضع سجود است و دستهای او در برابر انوار است و باها با فاصله و فقیه است و کردن و دیدن او است و آتش و آب و آبی که در پیشانی اندازد و همچنین در سایر احوال چنانکه گذشت و اگر در این حق سبحانه و تعالی نیست هر عضو بیجا نیست و آنچه وارد است که مؤمن بجهان محبت یعنی در مسائل جمیع با و میتواند کرد در قنوی با جهنم و همچنین در حکم و عباد خود عمل نمیتواند کرد و حدیثی که نقل کنند اعتماد با و میتوان جوت مؤمن عادلست و فاسق مؤمن نیست چنانکه اخبار منقولست و دلالت برین میکند که فرشته میثاق اسلام و ایمان بسبب فسق زانمان ^{بر سر} میروند و ناسلام بیرون میروند مثل حدیث متواتر از ابنی ^{الرحمه} علیهم السلام زانمان در جین زانمان مؤمن نیست و در در جین در ردی مؤمن نیست و شارب الخمر دران جین مؤمن نیست و آیات و احادیث درین باب و حصر و تجاوز است هر که خواهد و جمیع کند با ثواب ایمان و اسلام در کافی و محاسن و مضایر و کتب صدوق و غیر آن از کتب عامه و صل که در اینجاها مذکور است مبرته که جای شک نیست و حواله نکلی ^{ثبوت} جمعی از عامه گفته اند که ایمان در لغت بمعنی تصدیق است و اصل عدم نقل است و غافل شده اند از تواتر اخبار بلکه تواتر آیات و جمله و تواتر کرده اند بنا و بیانات باره و شکی نیست که اطلاق ایمان بر مطلق تصدیق

نمودند

نیز واقع شده است اما در دعای اسلام و ایمان و ارکان ایشان اخباری چند هست که احتمال با و ندارد و الله تعالی علم و حدیث صحیح مستطیع بنخواهد آمد و صلی رسول الله صلی الله علیه و آله الخیر ذات یوم فلما انصرفوا قبل یومهم علی صحابه فسیل عن اناس منهم بایمانهم هل خسر الصلوات قالوا لا یا رسول الله فقال غیب هر فقال لا یا رسول الله قال اما انتم لیکن من صلواته انقل علی المناقین من هذه الصلوات فصلواته العت و لا و کوهلوا الفضل الذی فیما لا یوهما و لو جئوا و منقولست درجی از عبد الله بن عثمان بحدیثی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که در روز حضرت سید المریدین ^{علیه السلام} الله علیه و آله نماز صحیح گذاردند و چون فارغ شدند و با صحابه خود کردند و سوال فرمودند از جی که یک یل ما نام بر بردند که ایشان بهما حاضر شده بودند صحابه گفتند یا رسول الله حضرت فرمودند که که ایا ایشان عاییند و در شهر نیستند گفتند یا رسول الله فرمودند که بدستی و راستی که هیچ نمازی دشوار تر نیست بر منافقان که کارند در واقع و اظهار اسلام میکنند از خوف و ترس نماز صحیح و نماز حسن آخر که نماز حقیر است و اگر صد اعتقاد که چه فضیلت درین دو نماز است هر گاه حاضر نیستند و اگر چه بسبب ضعف بر نشسته باشند اطفال که تازه بر ایمان یافته اند و ممکنست که این جمیع منافق باشند و حضرت تصریح بنفاق ایشان فرمود باشند و ممکنست که مسلمانان باشند و اشعار فرموده باشند که حاضر نیستند است با ایشان بفریبند آنکه فرمودند که اگر افضل این همه و عا ^{نشد} چون فضیلت از حق فرج اسلام و اقیست یا هر دین باشد که اگر منافق فضیلت هر دو را پیدا کنند مسلمان و قوی میشدند و جمیع آمدند و لیکن

خلاف ظاهر مکرر آنکه بقصد علم اظهار نفاق ایشان چنین فرموده باشند
 یابند منافقان را مؤمن و چنین فرموده باشند تا خصوصاً این فرمود
 که وقت خوابت بر حوضات آساست چون اعتقاد دارند نتوان
 و منافقان که اعتقاد ندارند از خوف می آیند بر ایشان دشوار است
 و مسلمانی که چنین میکنند از جهالت است که ثواب ناپاکی که هست
 نمیدانند و اگر میدانستند تاخیر نمیکردند تا چون نشنوند و در
 تاخیر نکنند و قَالَ الْمَظَادُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ صَلَاتِ الْعَدَاءِ
 وَالْعُشَاءِ الْأَخْرَجَ فِي جَمَاعَةٍ هُوَ فِي دِمَةٍ أَنَّهُ عَرَّجَ جَلَّ وَتَكَلَّمَ
 فَأَجَابَ يَطْلُبُ اللَّهُ وَمَنْ خَفَرَهُ فَأَتَاهَا خَيْرٌ لَكَ عَزَّ وَجَلَّ وَانْكَوَفَ
 مَنْقُولُست که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند که هر که صبر و خفا را
 بجماعت کند بدین در راهان الهی داخل شده است و کسی که چنین نسی
 ظلم کند حق بجهان و نفاق را رستم کرده است و کسی که امان چنین کسی
 برهم زند امان الهی را برهم زده است در حاس و عافیت بفرموده او را
 حقیقت دانسته است خدا را حقیر دانسته است و ظلمی که بر خدا کند جز
 کرده اند و حق بجهان و تعالی ابراز اعظم است که کسی بدو رستم کند
 ولیکن امثالین معاللات از باب مبالغه در استحقاق عقوبت است
 بمنزله کسی که با رستم میکند یا حقیر داند و اذعان مظهر و برترند
 فَمَا لِلرَّجُلِ أَنْ يَصِلَ فِي رَجَائِهِ وَلَا يَحْفَظَ السَّجْدَ لِقَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى
 عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا شِئْتَ الْمَعَالِ فَالْصَّلَاةُ فِي الْمَجَالِ وَهَرَكَةُ بَارَتِ
 و سرهای سخت باشند جایز است که آدمی در خانه خود نماز کند چنانکه
 حضرت سید المرسلین فرموده اند که هر که زمین سخت از باران شود

بجایز

بسیار نماز در خانه بخواند و غیره زمین سخت کمتر است که آن باریک
 باران ترشید و بخلاف زمین است که فرسوده و نمک است که مراب از خاک کثیف
 جمع نعل و مراد این باشد که بسیار است که نعلها بخلت و سبب تلوث مسجد
 میشود و اگر چه بخیر باشد با اعتبار آنکه وقت آمدن باران باشد کلاهها را
 داخل مسجد کردن منافق تعظیم سی است و خواهد آمد در باب غایب که
 با وجوب در وقت آمدن باران ترک میتوان کرد و احادیث در طریقه آمد
 بسیار است و ظاهر این حدیث نیز از طریق اشیان باشد و بسبب قیام صله
 ذکر کرده باشد و علی حال القیاس بر ما باران خوب نیست مگر آنکه جمیع
 در حدیث وارد شده باشد از امام هدی صلوات الله علیه و علیهم و علیهم و علیهم
 بعد است و قَالَ أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي رَسَالَتِهِ إِلَى أَهْلِ بَابِ أَهْلِ
 النَّاسِ بِالْمَقْدَمِ فِي جَمَاعَةٍ أَقْرَبَهُمْ لِلْقُرْبِ فَإِنَّ كَانُوا فِي الْقُرْبِ وَ سَوَاءٌ
 فَأَقْرَبَهُمْ فَإِنَّ كَانُوا فِي الْفَضْلِ سَوَاءٌ فَأَقْرَبَهُمْ هُوَ سَوَاءٌ فَأَقْرَبَهُمْ
 فَإِنَّ كَانُوا فِي الشَّيْءِ سَوَاءٌ فَأَقْرَبَهُمْ وَ جَمْعًا وَ صَاحِبًا سَيِّدًا وَ لِي سَيِّدًا
 وَلَكِنْ مَرَّتْ الْأَمَامُ بِكُمْ أُولُوا الْأَخْلَامِ وَالْمَنَاقِبِ فَإِنَّ بَيْنَهُ الْأَمَامِ
 أَوْ تَعَالَى بِقُوَّةٍ وَأَفْضَلُ الْعُقُودِ وَلَهَا مَا دَنَى إِلَّا الْأَمَامُ وَ بَدِيهِ
 عَلَى الْأَمَامِ بَدِيهِ كَخَدَا الْأَمَامِ فِي دَرِّهِ هَالِكٌ مِنْ نَوْشَةٍ بَدِيهِ دُرِّ كَرِيهِ
 و عبارت عبارت فقه رضوی است از آن اولی الناس تا آخر که بدانند
 که اولی بر همان مقدم شد و امامت بودن در جماعت کسی است که قرآن
 بهتر داند و جود قلوب او بهتر باشد پس اگر هر قلوب قرآن و علم است
 و جود قلوب مساوی باشد پس هر که اعلم باشد بعلوم شرعی باشد و در
 فقه صلوات الله علیه بر او در علم فقه صلوات الله علیه مساوی باشند پس مقدم است

آنکه بیشتر هجرت نموده است از بلاد کفر سیلا و اسلام با جده حضرت رسول
صلی الله علیه و آله قبول کرد و هجرت مسافر وی باشند پس هر که در سن او
در اسلام پیشتر باشد پس اگر در سن مسافر وی باشند پس هر که از پیشتر
باشند از ایشان مقدم است و صاحب سجده که در مسجدی امامت کند
اولیت با امامت در آن مسجد نزدیکتر است و میباید کسی که نزدیک باشد
با امام صاحبان عقول و پرهیزکاران باشند که اگر امام سهوی کند
در قرائت یا غیر آن با مانده شود که نداند که کدام آیه بعد از آن آیه
یا نداند که سه رکعت کرده است یا چهار رکعت مثلا او را اعلام کنند
یا آنچه باید کردن او را افضل صغیرا صفا و است و افضل ما هلی صفا و
حائست که با امام نزدیکتر است در فقه رضوی فی الجماعه است و قیوسته
و این دو کلمه بهتر است و ظاهر او سهوا از نسخ شده است و کلیه رحمة الله
پسند صحیح و محکم بنده و ضعیف بنا بر مشهور روایت کرده است چون
در سند سهیل بن زیاد از ابن محبوب و مکرر و مذکور شد که کلیه رحمة الله
این محبوب برداشته است و سهیل از شیخ اعجاز است و در خصوص
اینجا صدوق در صحیح با حسن کا یصح از این محبوب روایت کرده است
از ابن زیاب از ابو عبیده که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صا
صادق صلوات الله علیه از جمعی از اصحاب ما که جمیع میشوند و در خانه
حاضر میشوند و بعضی بعضی میگویند که بیشتر بایست ای فلاں چه بایزد
حضرت فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند
که مقدم میشود و قوم را هر که اقربا باشد قریبتر است اگر در قرائت مسافر
باشند کسی که بیشتر هجرت کرده باشد پس اگر هجرت مسافر وی باشد پس

کسانی

عیداری که فرمای قیامت هر دیکه رسلی ازین درها بپشت دایانی که در کفر و
جسیدها باشند و شفاعت کند ترا از حق سبحانه و تعالی و شفاعت او را
در حق تو قبول کنند گفت بای محبوب منست مسلمانان گفتند یا رسول
الله
از ما چیست خواهد بود در فرزندان ما که بفرمانها و درجانی که از برای حق
حضرت فرمودند که بلیغ خواهد بود از برای کسی که صبر کند از خجسته های کفر پس
فرمودند که ای عثمان هر که نماز حج را بجماعت بگذارد و در راه صلا بخورد و بپوشد
و در حق سبحانه و تعالی کند تا طلوع آفتاب او را در پیش از روز و هر هفته از
کلمت کند که از درجه تا درجه دیگر مقدار هفتاد ساله را هست و دونه
باشند و هر که نماز ظهر را بجماعت بگذارد و در رخت عذرت بخوابد و سوره را
دو نده باشد و هر که نماز عصر را با جماعت بگذارد چنان باشد که هفت نفر از
حضرت اسمعیل را از کرده باشد که همه صاحب خانه باشند و هر که
نماز شام را بجماعت بگذارد و از ثواب حج مقبول و حج مقبول کرامت قریب
و هر که نماز خفتن را بجماعت بگذارد چنان باشد که شب قدر را بعبادت
گذرانیده باشد تا صبح و باستاند خود از از عیاس روایت که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که حق سبحانه و تعالی را
فرشته است که نام او سخا ایل است بنون و حاد و ممل که بر اینها نماز گذارند
کارنا میگرد از حق سبحانه و تعالی نذر نماز را بر چون حج میشود بر میزند
و وضو میسازند و نماز حج را میکنند بر ای از حق سبحانه و تعالی میگرد که
دران نوشته است که منم خداوند باقی یزدگان من وای کنیزان
شمارا در بنده خود و در حفظ خود و در رعایت خود در آوردم عزت و
بزرگواری خود قسم باد میگویم که شمارا بخوار کنم و کناها را شمارا بیاورم

بر غنی اندلکی در هفت آستان مکران آنکه استغفار میکند هر جمعه نماز کذا
و دعا میکند از همه انسان که حق سبحانه و تعالی توفیق دهد ایشان را
بعد از دست بر نماز هالجب کسی که توفیق یابد که نماز شب بخیزد از هر دو
خالص الله و وضو بسازد وضوی کامل و نماز کند از همه رضای حق می
بیت صادق و دل بسلم و بدست با شوق و خیم کربان حق سبحانه و
تعالی و عقیقه آنه صف از ملائک باز میدارد که علاوه بر هیچ نماز نداشت
از حق سبحانه و تعالی که بطرف آن دست بر قیامند و یکی در مغرب چون نماز
فایز شود بعد از این فرشتگان در جانش وارد گردانند و چون ظاهرش
دعا را جماعت بود در دنیا آمد گوشتند و اگر ام باشد و توفیق مضاعف
بود با ضعاف بسیار رجاء نهند تا بی رحمة الله ذکر کرده است که نماز
برایست با پشت و پنج نماز و اگر خلف عالم باشد بیارست با هزار نماز مخصوص
وارد شده است و در حدیث کا لفتح وارد شده است که نماز جماعت
بجهر است از نماز در سجده کوفه منفرد آنکه نماز در سجده کوفه برابر نماز
و این حدیث حاصل کرده اند بر مصلو خلف عالم و این مضاعف در صورت
که يك ماموم باشد پس اگر بیشتر باشد مضاعف باشد مضروب و این است
در شرح ارشاد نقل کرده است حدیثی بر مضاعف مضروب و این در صورت
که نماز در جانه باشد پس اگر در مسجد جامع باشد خلف عالم یک نماز
نماز است با وحدت ماموم و چون ماموم و شود صد هزار صد هزار
و علی هذا القیاس تا ده ماموم و بعد از ده دیگر عدد مضاعف و تا
کسی غیر از حق سبحانه و تعالی اگر چه تا ده عدد را اگر کسان عالم
عاجزند و کاک رسول الله صلی الله علیه و آله امام القوم و اذ هم یقرءون

۳۱۳

بِأَسْمَائِكُمْ وَأَرْحَافَتِ مَقُولَتِ كَهْ فَرُودَنَدَهْ كَه بَشْتَنَامُ رَجْعِي مَهْمَزِ نَخْمِ اسْمَكِ
از نجابت قبيله نبرد يا شاه و غيره و در و از نجابت نشان سخن كويد و هج
بنت كه بهر اين قبيله با سفير ستد بحسب علم و نقل و ساير فضايال بحيان
امام نايب مومنين است و در نجابت با حق سبحانه و تعالی هذا بلفظ
ميكويد كه اياك بعد عما الله مقام شاكستيم حق تعالی فرماست چون بشت
ما مومنين سخن ميكويد بلفظ سخن سخن ميكويد بلفظ جمع سخن سخن را پس
مبينايده كه تمام افضل شما باشد بحسب تقوى و ورع و علم و فضائل و زوا
كه چه ميكويد و اقرار ميبايده كه حقى فروتر از حمد و دعاها را نهد
كه بلفظ جمع ميكويد و نماز را بحضور قلب بگردد و چنان باشد كه نمازها
ما مومنين بركت نماز او مقبولى شود چنانكه خواهد شد در باب حقيق
كه ميبايده كه حق امام را بدانى زنيا كه او بركت خود گرفته است كه آن
ما مومنين مناجات كند با حق سبحانه و تعالی و از حقه انسان دعا كند و
كفايت كرده است از ما مومنين هول و خوف انسان در نزوح سبحانه
و تعالی را در مناجات با حق سبحانه و تعالی نشانه و قَالَ كُنْ لِي قَبْلَهُ
وَ اِنَّكَ اَنْتَ سَمِيعٌ اَنْ تَقُولُوا صَلَوَاتُكُمْ عَلَيْهِ وَاَوْفُوا بِوَعْدِهِ
ابن سينا را روايت كرده است و سند صحيح دارد از آنحضرت امام
كه حضرت سيد المرسلين صلى الله عليه و آله فرمودند كه اگر خير را بد
شما را و خواهيد كه با خود را نيكو كنيد بنا بر بستنيد يا خواهيد كه ما شما
نيكو شود بنا بر تحقير مومنين مردم را بايد كسانى را كه از همه شما افضل باشند
يا مقدم بر ديگران خود را چون خدا و جمع خير معني را نموده است و قَالَ
هُوَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ صَلَاتِهِمْ وَفِيهِمْ مِنْ هَذَا أَكْثَرُ

ذوق

منه که بر آن امر ای سقا الی یوم المقیمه و مریدت در قوی الخیر
که فرمودند که هر که امامت جوی کند و در میان ایشان کسی باشد که از او علم
باشد همیشه دین ایشان در پیست تا روز قیامت چنانکه سیدان
با عتراف ایشان با علیت حضرت امیر المؤمنین و دیگر انبیا با اهل بیت
مقدم داشتند بنا بر اینست که روز بروز در پیستی اند و حق سبحانه و تعالی
دید و بصیرت ایشان را چنان گویا کرده است که استدلال کرده اند چنانکه
ابوبکر با آنکه حضرت رسول الله و او را امامت جماعت داد پس خلافت
آنحضرت که بنیابت حضرت سید المرسلین است و دایست و بنیابت
تواند کرد با آنکه در امامت نماز همه ایشان قایلند که اقتدار هر دو قایل
میتوان کرد و از کتب ایشان اظهر من الشمس است که حضرت مهرش
بودند و عایشه بدین لاکت برو و عازان چون حضرت بنیابت
فرمودند که بلا لجه شد عرض نمودند که چنین کردند حضرت را آن
گفت یکدیست بدوش حضرت امیر المؤمنین و انداختند و در پیش
بدوش فضل عیسی و بپس رفته ابوبکر را بست کردند و خود امامت
ناتشبه نشود بر عوام و بخاری همین حکایت با تخالف مختلفه کثیره روایت
کرده است نیا داده از پیست موضع چون کذاب حافظه میشد از توقفات
عایشه نظر ظاهر میشود باطل و جوه هر که خواهد پیوسته از روی انصاف
و به بیند و قال ابودریس بن ابی الله عنه ان ابا عبد الله شفعک الله
عز وجل فلا تجع شفعک سفیرا ولا فاسقا و کاشفی منقولست
اذا بودند که خدا از روی بادی بدی که امام نوشاعت کنند است
بنا با قدس الحقیست گردان شفیع خود را جاهل و نه فاسق چون چنان

عبدالله

و بشنیدای ایشان نمیکند در غایت واجب جماعت بسیار دیوانه یا کسی که
 خویلا داشته باشد و اعلمی که ساکن بادیه است تا ما نجات نکند بشیر
 یا بعد مت حضرت سید المرسلین **صلی الله علیه و آله** بنا بر آنکه بعد از حق
 هجرت ساقط شده باشد و ولد که اندک بعد پدید آمده باشد و کسی که خود
 باشند در صحیح آن مسکن از ابو بصیر منقولست که حضرت امام جعفر صادق
 فرمودند که هر کس را که در هیچ حالی امامت زمان نمیکند در غیوم و بین و دیوانه
 و ولد الزنا و اعلمی **و قال له المومنین صلوات الله علیه لا یصلحوا الخ**
خلفاء الاکم و الارض و الجن و المحدث و ولد الزنی و الاعراب
لا یوم المهاجر کلین و حسن کا شیخ از زاده انحضرت امام محمد باقر علیه
 روایت کرده است که فرمودند که حضرت امیر المومنین **ع** فرمودند که البته
 نماز نکنند هیچ کس را نه منافعیان در عقب عجز و صاحب ریوس و دیوانه
 و کسی که حد زده باشند اگر چه توبه کرده باشد و ولد الزنا که معلوم
 باشد که از ناست و این غیر مطلقا امامت نمیکند و اعلمی امامت را
 میکنند چون صاحب فضل است از و امامت اعلمی میتوان اندک و کا شیخ
 منقولست از حضرت امام موسی کاظم **ع** که امامت نکند کسی که در روی او
 از هر باشد یعنی نسی و در روایت کا شیخ از عبدالله بن یونس منقولست
 که انحضرت امام جعفر صادق **ع** سؤال کردم از محمد بن و برص که آیا امامت
 مسلمانان میتواند از پدر حضرت فرمودند که بلی گفتیم که آیا حق بخانه
 بر صول باین بلاها جسد نمیکند که آیا بلاها نوشته شده است صکر
 موسی یعنی عیسه مؤمنان محل بلاها اند تا صبر کنند و راضی باشند و
 ثواب غیر متناهی باشد و از جمیع جمع حمل کرده اند اخبار سابقه را بر کوه

بدر صوفی

اجتیم

بدر صوفی

باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما فرمودند که یکی نیست که عیسیٰ علیه السلام
هرگاه ماسومان با و رخصتی شوند چون رضای ماسومان در کار است بنا بر اخبار
شیعیان و بیشتر از دیگران قرات دادند و عالمی باشند ایشان و حضرت امام
صلوات الله علیه فرمودند که نیست که عیسیٰ علیه السلام کوری دلش کور باشد
و در بعضی روایح ایضا **اَلَا تَعْلَمُ اَنَّ الْقَلْبَ بَعْدَ نِيَّتِ كَوْرٍ مَكْرُورٍ دَلِيلٌ اَنْ يَكُونَ**
حَقَّ سَجَانَةٍ وَ تَعَالَى فِرْعَوْنُ است که حتمی ظاهر کفرا کور نیست و لیکن کوریت
دلها فی که در سینه هاست یعنی نفس مجرّی که غلبه دارد بر این شکل صوری و فطری
این حدیث فی نفسه منقول است و صدوقی مناسبت در اینجا ذکر کرده اند
و حکمت که بر و هر چه باشد و در حدیث حسن کا **اَلْفَحْشُ** از زاده منقول است
که عرض نمودم بحضرت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که من در قریب
کو در غایت می توانم که حضرت فرمودند که بلی هرگاه از ایشان افضل باشد و کسی
که او را و قبیلۀ دارد و یا از ایشان استانتاب فرماید و در هیچ از حلی منقول
از صادق صلوات الله علیه که فرمودند یکی نیست که بعضی امامت کند و یکی
ماسومان و یا قبیلۀ بلایند و در حسن کا **اَلْفَحْشُ** از حلی منقول است از حضرت
در همه که امامت می کرده باشد برخلاف قبله حضرت فرمودند که عیسیٰ
اعاده میکند و ماسومان اعاده نمیکند زیرا که ایشان اجتهاد خود را کرده اند
یعنی همه قصیر کرده است **وَقَالَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ثَلَاثَةٌ لَا يَصْلَحُ**
خَلْقُهُمْ اَلْجَهْلُ وَ الْغَرَبُ وَ اَنْ يَكُنْ يَقُولُ يَقُولُكَ وَ اَلْجَاهِلُ هَرَبُ اَلْقِسْطِ وَ اَلْجَاهِلُ
مُقْتَضِا وَ هَسَدٌ منقول است از خلف از روی آن حضرت م که فرمودند
که سه کسند که در عقب ایشان نماز نمی توان کرد کسی که بجهل احوال باشد
در شیخ و نیست در عدالت و فتنه چنانکه اکثر اصحاب گفتند و کسی که غلبه

علیه و آله را ضایع کرده است و کواهی و مقبول نیست بجهت چون اهل بیت صفیه
کبره است و اگر چه در بعضی روایح منقول است که بعضی مبالغه نیست در نماز کردن و برو
صلحا مناسب نیست به دیگران شود اگر کسی باشد که نماز نکند و الا واجب است
چنانکه گذشت مگر آنکه ترک نشسته از جمعه آن باشد که کسی هم نرسیده که
او را خفته کند و ترسد که اگر خود خفته خود کند هلاک شود و بسط ظاهر
که عدالت شرط و کبار برضاست در امامت و اصرار بر صغیره کبره است
چنانکه در اخبار و ثبوت بسیار وارد شده است و خواهد آمد ان شاء الله تعالی
و بعضی گفته اند که خفته شرط است در مطلقا و ظاهر هر سه مکرده اند
وَقَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا يَوْمُ صَاحِبِ الْقَيْدِ لِلطَّلَقِ و **لَا يَوْمُ صَاحِبِ**
الْقَالِ الْاِنْجَاءِ و برایت معلوم است از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقول است که فرمودند که امامت بخیر کسی که او را شیخ و غیره حقش
باشد جمیع که مقتصد باشند و امامت بخیر کسی که فایده داشته باشد
جمیع که جمیع داشته باشند و حمل کرده اند بر آنکه فید و فایده است
باشد که بعضی از افعال صلوٰه را صحیح یا بیجا و رد یا آنکه نشسته نماز کند
یا ایما کند در کعبه و سجود و در قوی از حضرت امیر المؤمنین ص بر منقول
که فرمودند که صاحب قید و بند مطلقان یعنی یهایان که در پیشگاه
امامت نمیکند **وَقَالَ اَبُو الْقَاسِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا اَلَا تَسْمَعُونَ**
اَنَّ يَوْمَ الْاَعْقَابِ اَنَا رَضَوْبُهُ وَ كَانَتْ اَكْزَرُهُمْ قِرَاءَةً وَ اَفْقَهُمْ **وَقَالَ اَبُو**
جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اِنَّمَا الْاَعْمَى اِنَّمَا رَضَوْبُهُ وَ كَانَتْ اَكْزَرُهُمْ
وَ اَفْقَهُمْ **وَقَالَ اَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اِنَّمَا الْاَعْمَى اِنَّمَا رَضَوْبُهُ**
لَا تَعْلَمُ اَلْبَصَارَ وَ لَكِنْ تَعْلَمُ اَلْقَاوِبَ اَلْقَاوِبُ فِي الْمَسَدِ وَ حضرت امام

صلوات الله علیه و امام زمان حضرت دیوباب نوشتند که تا نمیکن با نماز
نمی توان کرد در عقبت و چون کافر با اسلام و ایمان شرط است باجماع و روای
صحیح که خواهد شد **وَسَيُكْفَرُ عَنْكُمْ وَ اَنْ يَكُونَ اَبَدًا** صلوات الله علیه
عن پیام لا باس به فی جمیع امور و غار و غیر آن **يَسْمَعُ اَوْبَهُ الْكَلَامِ**
الْفَلَسْطَ الَّذِي يُعْزِزُهُمْ اَقْرَبُ خَلْفَهُ **فَاَلَا لَافْتَا خَلْفَهُ مَا كُنْ**
عَا قَا طَاطَا و در صحیح و کا **اَلْفَحْشُ** منقول است از حضرت گفت سوال کردم از حضرت
امام جعفر صادق ص از امامی که باکی با و نیست و عیسی از عیوب شرعیۀ ندارد و
کناهان نمیکند نه صغیره و نه کبره الا الله با پدر و مادر و رشت منکر میکند
که ایشان را بختم در می آورد اگر مضطرب نوم در قندای او یا قندای بکم با الله
صورتها قندار واقع سازم و خود قراوت من حضرت فرمودند که نه قراوت من
در عقب و و افتد با و لیکن مادام که عا قید و مادر و رشتان قطع شود
باشد ظاهر میشود که صفای ضرر نداشته باشد و حمل کرده اند بر نه رشتان
یا آنکه چون کسایت که صاحب است ظاهر احوال و اشد که با الطبع در پیشگاه
و از در شری نام میشود و صغیره نیست که کبره نیز نیست استغفار و لیکن اگر
باشد هر چند استغفار کند نماز نمی توان کرد تا بلکه هر نرسد و او را الله شری
بن الاصاب و صحیح منصور بن حازم دلائق ظاهر بر آنکه ملکه مینا
ولیکن آن در عدالت من است نه عدالت امامت و حکمت که چون ظاهر
غالب است در حقوق الناس است و اینجا احتیاط ضرور باشد و در عدالت امام
همین کافی باشد که اقرار فرمودند داشته باشد و روی بخیر است حکم عده
آن **فَاَلَا لَافْتَا خَلْفَهُ مِنْ شَيْءٍ عَلَيْهِ بِالْكَوْنِ** **وَلَا خَلْفَ مِنْ شَيْءٍ عَلَيْهِ**
بِالْكَوْنِ و روایت کرده است محمد در صحیح از حضرت امام جعفر صادق ص که فرمودند

در بعضی روایح صلوات الله علیهم که بنی با جمعه باشد و یا با جمعه در سوره و یا با جمعه
بنی داند و بنی افضل از ایشان نداند بخیر یا زیاده از ایشان اعتقاد با
ایشان یا یکی ایشان داشته باشند هر چند بظاهر ظاهر باشد و بنی
و امامی مذهب باشد و یکی که فتنه و ظاهر باشد و اگر چه اشی عیسی
و اگر در واقع فاسق و مجبیط عادل باشد نماز صحیح است امام مومنین
و در نماز و در غده مینمود و ظاهر نماز او صحیح باشد **وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ**
وَعَلَى بْنُ عَمْرٍَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا مَنْ قَالَ بِالْحَجْمِ فَلَا تَعْطُوهُ شَيْئًا
مِنْ الزَّكَاةِ وَلَا تَصَلُّوا خَلْفَهُ منقول است در قوی از حضرت امام علی ص
و حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیهما که فرمودند که هر که اشتباه
بجستیت حق سجانه و تعالی داشته باشد و جسم است که طول و عرض
و حق داشته باشد خواه جسم نورانی داند و خواه طمانی مثل بلورین
با و زکوة میدهد جمیع چیز و در عقب و نماز نمیکند زیرا که کافر است و سلا
نیست ولی در غده مومنین و ایمان شرط است فی در غده چنانکه خود
آمد و **كَتَبَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِلَى أَبِي الْقَاسِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ**
لِيَكُونَ جَعْلُكَ ذَا الصَّلَاةِ خَلْفَ مَنْ خَلْفَ مَنْ وَفَّقَ عَلَى اَيْتَانِ
جَعْلِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا **فَاَجَابَ لَا يَصِلُ وَ زَكَاةٌ** و در صحیح منقول است
از محمد که عرضه نوشتیم بحضرت حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه که
فدایتی که در ایما نیست نماز کردن در عقب کسی که اعتقاد با امامت الله
داشته باشد تا بحضرت امام رضا یا امام موسی صلوات الله علیهما
و حکمت که از حضرت امام موسی و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما
باشد چون منقول نیست که کسی امام رضا امام داند و باقی ائمه معصومین

آنحضرت صلوات الله علیه که فرمودند که حضرت سیدنا مهلبین صلی الله علیه و آله
از اسب فریادند و جانب راست آنحضرت دستکست با جانب بدن چنانکه عامه
روایت کرده اند و در بعضی نسخ فتح بقدم حاکم مسلم و عجم بود انیس و عجم بود
حاو واقع شده است و در بعضی نسخ بدل آن واقع شده است و هر دو با جمعی است
که زخمی شده بود که پوست شکافته بود و امامت صحابه کردند نشسته در بالا خانه
ماریه مادر ابراهیم فرزند آنحضرت و این واقع بشتر بود و گذشت در بحث مساجد
و سوره که جمیل بن صالح ایشما افضل یصلی الرجل لیغنیه فی اولی الوقت او
یوخر علیه فیصلی باهل مسجد ادا کان ایامهم قال یوخر فیصلی باهل
مسجد ادا کان ایامهم و منقول است جمیل بن عقیل عقیل نشان و ظاهر است
که از کتاب و نقل کرده اند چنانکه در اول کتاب گفته اگر چه طریقه
بکتاب و ذکر کرده است که گفت آنحضرت صادق صلوات الله بر سریدم که این
دو صورت کلام بدو فضلند آنکه شخصی در خانه خود نماز کند و در وقت
با آنکه تاخیر کند و امامت اهل مسجدش کند بسبب آنکه اکثر شیعیان که
تابع ابو حنیفه اند نماز را در میگردانند از همه انتظار را مامومین تا انشا
جمع شوند بقیه اند که تاخیر چون امام ایشان است و سلف است که
انتظار را مامومین اند که بکشد بجای ترجیح و قیام با جماعت حضرت فرمودند
که تاخیر میکنند و با اهل مسجد امامت ایشان تا فایده هرگاه امام ایشان
باشد لازم است که دعوت ایشان کردن و ممکن است که اهل مسجد را
باشند و نماز را ایشان از روی نیت نیت کنند رعایت آنها باید کرد و سوره که
دلیل فقال که ان لی مسجد علی باب داری قائما افضل اهل مسجد
قایل الصلوة او اهل مسجد و اضعف ذلک صلوات الله علیه و آله

کرده باشد از نماز واجب حضرت فرمودند که اگر امام عادل باشد نقل کند نماز
واجب نیست و دو رکعت کند و ملحق شود بایم و اگر عادل نباشد همان نماز
یکد و یک رکعت دیگر را بکند و بنشیند در رکعت دوم خودش اعتقاد که نماز
کبر و صلوة بفرستد و نماز را با تمام کند به چنانکه تواند زیرا که امر نیت و
و هر قسم که نیت کند منابت انشاء الله و مفضل بن حکم در فقه رضوی
گذشت که عبارت بدین روایت کرد و قال ابو حنیفه صلوات الله علیه
ان رسول الله صلی الله علیه و آله صلی باجماعه جالساً فلما فرغ قال لا
یؤمکم احدکم تعزى جالساً و منقول است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
سید المسلمین صلی الله علیه و آله نماز جماعت کردند با امامت صحابه
و حضرت نشسته بودند و اصحاب ایستاده و چون از نماز فارغ شدند
فرمودند که بعد از من دیگر کسی امامت نشسته نکند استاده کارا که اگر
مامومان نیز نشسته نماز کنند امامت ایشان میتواند کرد چنانکه خواهد
آمد در بهنگان که نشسته نماز میکنند و ائمه در میان ایشان می بنشیند
و ظاهر این نماز آخری بود که آنحضرت جماعت جماعاً آوردند چون شدند که ابو
مقدم باشند اند بگفته عایشه حضرت دست برد و حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیهما انداختند و دست برد و حضرت علی بن عباس و بخاری
نقل کرده است که دست برد و حضرت عباس انداختند و آمدند و ابو بکر را
دو رکعت و نماز کردند چنانکه گذشت و بعد از آن نماز جماعت نکردند
پس محتمل است که این حکم منسوخ شده باشد از آن وقت و ممکن است که جلی
خاصی آنحضرت صلوات الله علیه و آله و کان النبی صلی الله علیه و آله و آله و آله
عن قریب فی فتح شقه الاثنین فصلی بهم جالساً فی غزوة اتر ابراهیم و منقول

باشد و نقل اجماع کرده اند
که چنانچه امامت نشسته
ایستادگان و قال الصادق

وَأَحْسَنُ الصَّلَاةِ وَلَا تَقُلْ ظَاهِرَةً حَلِيفَةً جَمِيلًا بَشِيرًا وَتَحْتَلُّتُ كَمَا مَرَّسَلٌ
 صدوق باشد که گفت از حضرت صلوات الله علیه شخصی منوال کردم بعنوان
 فرستادن عریضه و عریضه نمود که در مسجدی هست در ریخته اند که
 بکشد افضل است آنکه در منزل خود غار کنم و غار را طول درم با مسجد دروم و اما
 کم و غار را سبک کنم چون در جماعت تحفیف مطلوب است پس حضرت فرمود
 عریضه افروشتند که امام ایشان کن و نماز را سبک کن و جواب ندی
 که عامه میکنند که نه رکوع دارد و نه سجود و سنگین مکن که سبب
 ملا یا سومین شود چنانکه گفت و خواهد آمد که تحفیف مطلوب است
 مگر آنکه مامومان جمع باشند که بطول یا خواهند چنانکه تنگ
 در موقوف کا الصبح از حق و حسن که گفتند داخل شدیم بر حضرت
 امام جعفر صادق صلوات الله علیه و جمعی نزد آنحضرت بودند پس
 حضرت نماز عصر را با امامت ایشان بجا آوردند و ما نماز کرده بودی
 پس شمریم آنحضرت در رکوع سی و چهار با سی و سه مرتبه گفت ایضا
 زکی العظیم و یکی از ایشان بگوید را ذکر کرد رکوع و سجود در سجده
 صحیح از زبان بن تغلب منقول است که گفت داخل شدیم بر حضرت امام
 صادق صلوات الله علیه و آنحضرت نماز میکردند پس شمریم که
 در رکوع و سجود شصت مرتبه تسبیح گفتند و این عجلت بر منفر
 یا مثل سابق چنانکه منقول است در موقوف از جماعه که گفت عرض نمودم
 آنحضرت که بخارند است حد رکوع و سجود حضرت فرمودند که اما چه
 عجلت از رکوع سه تسبیح است که بگوی سبحان الله سبحان الله سبحان
 و کسی که قوت داشته باشد که رکوع و سجود را طول دهد هر چه

مقدور باشد طول دهد که در تسبیح و تحمید و تحمید الهی باشد و در دعا
 وضع باشد بدستی که نزدیک ترین احوال بیده بخنجا باشد و وقتی
 که در سجود باشد و اما بشیر غار آنکه امامت زمان کنایس سرافراز است
 که نماز ایشان طول دهد بدستی که در میان ایشان کس هست که
 ضعیف است یا کاری دارد و چون حضرت سید المرسلین هم امامت فرمودند
 نماز را سبک میکردند و خواهند آمد نیز فرات علیا صلوات الله علیه
 قال فی رجلین اختلفا فقاما لحدیثا کنت اماما و قال الآخر
 کنت اماما قال صلواتهما تامه و ان قال احدهما کنت انتم بک و
 قال الآخر کنت انتم بک و صلواتهما تامه فلیسنا بامرین
 فاجز و حدیث جمیل خواهد بود علی الظاهر از خبر رسول و بنا بر نسخه
 و او بر سر خود خواهد بود چنانکه کلیفی و شیخ انسکونی روایت کرده اند
 بآنکه تقییر لفظیکه حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمودند که
 هر که دو کس را هر نماز کرده باشند و یکی ازین هر دو گوید که من امام شمریم
 ترا و دیگری گوید که من امام تویم حضرت فرمودند که نماز هر دو صحیح
 چون هر دو بخنجا امامت قراوت کرده اند بعنوان وجوب و نیت خلافت
 واقع ضرر ندارد بلکه هر دو نیت امامت متباینه و الکی ایشان گوید که
 من اقتدایت کردم و دیگری گوید که من اقتدایت کردم پس نماز هر دو قاسدا
 میباشد که هر دو از سر بکنند نماز را چون قراوت کرده اند و اگر کرده باشند
 بقصد سست کرده اند و بنا بر نسخه فاکه جز و حدیث سابق باشد چنانکه
 احتمال دارد یکی آنکه گویا حضرت میفرمایند که نماز را بجماعت بکن که حضرت
 امیر المومنین صلوات الله علیه حکم بجهت و تأیید هر دو امام کرده اند

بصلوات الله و نیتیه فی وقتها ثم فصلوا بهم صلوة نیتیه وهو
 متوخی لا کتب الله له بها حسنا و عزیب حرجه فارغبوا فی ذلك
 و در جمیع منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
 فرمودند که هر یک از شما شیعیان که نماز واجب خود را در وقت خود بخنجا
 آورد و بعد از آن با سنیان از روی نیتیه با وضو نماز کند البته حق
 سبحانه و تعالی از همه او باین نماز نیتیه درجه بزیاید چنانکه با ما
 می نویسد پس نیت کند درین ثواب بپردازد بایشان یا در نماز
 کردن تسبیح ثواب و در جمیع انشیط منقول است که عرض نمودم بحدیث
 حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که هر که شخصی از شما شیعیان در وقت
 خود بنهد و در خانه خود نماز کند که هیچ کس مطلع نشود که او نماز کرده
 و بعد از آن برود و با همسایگان خود از سنیان نماز کند یا نماز کند در
 کرده است حق سبحانه و تعالی او را بجماعت قبول میفرماید حضرت فرمودند
 که آن نماز را که در خانه خود کرده است حق سبحانه و تعالی و توانی
 جماعت نیتیه آن با و کرامت میفرماید و او را پناه درجه میدهد و
 نماز را که با سنیان میکند ثواب نمازی دارد که در حق حضرت سید المرسلین
 صلی الله علیه و آله کرده باشد و چون داخل میشود در میان آنها
 خود را بایشان میگذارد و حسنات ایشان را بخود بیرون میبرد یعنی
 حسنات تقدیریکه آنها را شایسته میبودند هر ثوابی که بر تقدیر تسبیح
 داشته باشند حق سبحانه و تعالی کرامت میفرماید و روی عنه حاج
 عثمان آه قال من صل معکم فی الصلوة لا ینال کان کن صلی
 خلف رسول الله صلی الله علیه و آله فی الصلوة لا ینال و بسند صحیح

باختلافی که داشتند و در واقع امام بنو دین چون معقول نیت امامت مقدس
 و در حصول اقتدا شرط نیت اقتدا کردن و هیچ یک نیت اقتدا نگردند
 یا آنکه امامت بخان مطلوب بود که هر دو کس که جمع میشوند از راه امامت
 داشتند یا نیت امامت سبب سجود صلوات الله علیه و نیت مامونیت سبب
 بطولات و همه عید است و اظهار نیت که سهوا از رخ شده است و بجا
 و او فاسد قلم آمده است و سبب که جلیل بن دواج آبا جلیل الله صلوات الله
 علیه عن ابيام قریب اجبت و کتب معه من الماء ما یغنیه للفعل
 و معهم ما ینسویون به یتو صفا بعضهم و یوهم قال لا و لکن یستعمل
 الامام و یوهم ان الله عز وجل جعل الارض طهورا مما جعل الماء طهورا
 و باسند صحیح و حسن منقول است از جلیل که گفت سوال کردم از حضرت
 امام جعفر صادق صلوات الله علیه از امام جمعی که جنب باشد و افقدا را
 نداشته باشد که آن غسل کند کرد و مامومان آب وضو داشته باشند
 یا بعضی از ایشان و منویق و او را ساخت که امامت ایشان کند حضرت
 فرمودند که نه ولیکن امام مغری ایشان تیم میکنند و امامت ایشان
 و امامت ایشان میکند زیرا که حق سبحانه و تعالی زمین را طهر کرد آنکه
 چنانکه آب را طهر کرد و آید است طهر صیون در موقوف کا الصبح بن بکیر و
 کا الصبح زید شام نیز از آنحضرت صلوات الله علیه و او داشته است و نسخه
 در موقوف عباد و قوی سلونی آنحضرت صلوات الله و او داشته است
 تمام امامت متوضیعت و نیت و اندک در سجود است بر کلاه و در سجود امامت
 چون در امام رایت با وجود دیگران حضرت را و استقامت داشتند
 و الله تعالی یعلم روی عنه عمر بن عبد الله بن کثیر الله الله قال انما مکمل احد

۳۹۳

انجام داد و در حسن کمالی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
و آله منقولست که فرمودند که هر که با سبزیان در مصافق ایشان نماز کند
از روی تقیه که خود اذان و اقامت بخواند و خود قنوت کند یا اعم از آن
شدید باشد چنان باشد که در عقب حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه
و آله نماز کرده باشد در مصافق و در محله حضرت خفص بن الحزین و آله
قال حبيب لك اذا دخلت معهم وانكنت لا تقتدى به و در هیچ انچه بر شما
جعفر صادق و صلوات الله علیه منقولست که فرمودند هر که داخل شود در محله
سبزیان و اگر چه ایشان اقتدا میکنند بچند داخل شدن با ایشان از روی تقیه
محبوب میشود و لفظ حسب لك در کافی و تهذیب بیست ظاهر از شیخ
زیاده شده باشد بیست و حبیب و کافیت حاصل آنکه محمود بن عثمان
نوشته نوایی که نماز کنی بجماعت با عادی که اقتدا با نوایی کرد و در سوره
بن صدقه ات قال قال جعفر بن محمد صلوات الله علیه ما جعلت و ذلك
اذا اكرمهم فامسكهم و قد اتممتهم الصلوة و اما على غير وضوء
فان ادخل معهم في الصلوة قالوا ما لنا و ان يقولوا فاصبر معهم
انوصا اذا اضرقت و اضي فقال جعفر بن محمد صلوات الله علیه
سبحان الله فما انا من يضل على غير وضوء ان تأخذوا الاضغضا
و قال جعفر منقولست که تخمخیز بر شما جعفر صادق و صلوات الله علیه
عرضه کرد که در آن روز میگردم بجوی نامی بجوی سبی با کسیانکه اطهار اعداد
اهل بیت میکنند و اقامه نماز کرده اند من وضو ندم پس اگر ایشان
داخل بشوم هر چه میخواهند میکنند آیا با ایشان نماز می و وضو کنیم و بعد
وضو بسانم و نماز خود را بجا آورم پس حضرت م فرمودند که سبحان الله

نسخه

شیعیان جعفر بن محمد بن جحانه و نقالی رحمت کنند جعفر را چه نیکو تا دین میفرستد
 اجماع خود را و چون ترک میکنند طایفه معاشرت خوب را بایشان
 و ترکش را نمیکنند میگویند که اینها عشتار جعفر بن خدا را و برادرش
 چه بد تربیت میکنند اجماع خود را و اما این اخبار بسیار وارد شده است
 در حسن معاشرت طاهری بایشان اما میباید که در باطن با ایشان بد باشد
 و دوست نباشند چنانکه حق سبحانه و تعالی میفرماید که لا یجحد الایمان
 ایمان بخدا و حیاست نداشتن جمیع دوستی میکنند با دشمنان خدا و هر
 چه بد در آن ایشان با اینان ایشان یا خود ایشان باشند و قال
 الصادق صلوات الله علیه و آله اَوَّلُ خَلْفٍ مِنْ خَلْفَاتِ خَلْقِهِ و در
 حق کالقی منقول است از حضرت صلوات الله علیه که فرمودند که از
 بگو در عقب کسی که قره نمیکنی در عقب و یعنی اعتماد از آن ایشان نمیشود
 کرد همچنانکه اعتماد و بقولت ایشان نمیتوان کرد و دلایلی میکنند بر آنکه
 شرط است در موقوف که مومن باشد و احادیث بسیار بر این معنی وارد
 شده است و بعضی گفتند و قال که لَنْ یُجْعَلَ صَاحِبٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ إِلَّا
 التَّحِدُ فَتَعْلَمُونَ فَعَلْ لَمْ تَعْلَمُوا لَعَلَّكُمْ وَ صَلَّیْ بَیْنَهُمْ وَ مَنْقُول است که
 شخصی حضرت امام جعفر صادق را صلوات الله علیه عرض نمود که من خانه
 خود را نمیکنم و مسجد سنیان میروم با اعمام مقدم میدانم حضرت
 فرمودند که باقی نیست پشتر نمازی ایشان بکن اگر کسی باشند از دوی بقیه
 اعاده ستم نیست و بسیار باشد که واجب باشد و اگر شیعه باشد اعاده
 ستم حلال است و منقول است در صحیح ابی یعقوب بن یقین که عرض نمود
 خدمت حضرت امام موسی صلوات الله علیه که فدایتو کنم بسیار است که در ستم

با مخالفان و وقت ظهر میشود و ایشان نیز نباید تا غروب بزم بچهار بابا
 ایشان نماز ظهر میکنند و مابین یکم و ایشان فی الحال روانه میشوند اما اگر
 و نماز عصر را یکم و چنین اظهار میکنند که نافله میکنند چون ایشان نماز عصر
 میکنند بپس از آن نماز عصر نیز میخوانند و مابین سیدانند که امامت کتب چه که حضرت
 فرمودند که امامت ایشان بکن که هرگز حق سبحانه و تعالی ایشان را در حق
 بنزه لعلهم الله است و چون صلوات بر او فرموده میشود که مبارک امامت افتد
 کند ایشان از حضرت فرمودند که نفع نمیکند و بعنوان نفرت این معنی را فرمودند
 که ایضا باشند و در صحیح ابی حمزه از اسماعیل منقول است که گفت عرض شد خدمت حضرت
 امام رضا صلوات الله علیه نوشته و عرض نمود که بسیار است که حاضر بود
 مساجد با اعیان و غیر ایشان و مابین سیدانند که با من مخالفند و حاله
 من خانه خود را پیشتر کرده ام و بسیار است که با من نماز میکنند شیعیان و
 مستضعفات و جاهلان که مرا نمی شناسند یا امام را نمی شناسند و از امام
 کراحت دارم ازین که وجه که نماز کرده ام و خوب و بد را با هم جمع کردن حق
 نیست هیچ بفرماید چنان که حضرت در جواب نوشته اند که امامت ایشان
 بکن یعنی عاده بعنوان قیسه نسبت مخالفان خویش و نسبت شیعیان
 بهتر و عموم این اخبار شامل است که نماز اولی جماعت کرده باشند یا آخر
 یا ترک است تفصیل که مفید نیست و این بابا بنابر بسیاری است
 گفته بقدوم ممکن است که نون و قایه یا اصل اعتقاد انداخته باشند و ممکن
 که نون باشند باشد و در وی جتنام است لعلهم الله قال فی الرجل یصلی
 الصلوة و قد نثر یجد جماعة قال یصلی معهم و یجعلها الذی یضاهون
 و بدوا و زده پسندید و در حق کالقی از هشام منقول است حضرت امام

امام جعفر صادق علیه السلام در شخصی که نماز نکرده و بعد از آن جماعتی بیست
حضرت فرمودند که ایشان نماز نکرده و اگر خواهد این نماز را قصد فرماید
میکنند و محتملست که ضمیر راجع بالله باشد بقرینه احادیث دیگر و ممکنست که
مراد این باشد که اگر خواهد قصد قضای آن کند و محتملست که مراد ظاهر
باشد و قصد کند که آنچه کرده ام سبب باشد و این واجب باشد یا قصد
و سبب کند یا اعتبار اصلش و همین مضمون کلی در صحیح روایت کرده است
انخفض بن بختی و در آخر آن بنیست انشا و در حدیث صحیح انجلی منقولست
انخفضت صلوات الله علیه که فرمودند که هرگاه نماز شود را کرده باشی و
سجده باشی شروع در دعا کنند پس اگر خواهی بیرون رو و اگر خواهی بقیه
بکن محتملست که مراد عاده یا عادل باشد یا باستی یا اعم و این اظهارست و صحیح
از استحقاق منقولست که گفتن عن قوم با حضرت م که نماز کرده و اقامه نماز
میکنند در سجده حضرت فرمودند که به نیت قضای آن بوده و در موقوف اینها است
که گفتند انخفضت صلوات الله علیه سؤال کردم که شخصی نماز واجب میکند
و می بیند که جمعی نماز جماعت میکنند آیا جایز است که عاده کند نماز را یا ایشان
جماعت با آنکه انرا عطف تمام کند و محقق شود یا ایشان حضرت فرمودند که بی
عرض نمودم که اگر کند فرمودند که اگر نیست و احتیال قطع و نقل بنیست انرا
دارد چنانکه گذشت و قد روی آنکه یحیی بن افضل بن ابراهیم و در حدیث
وارد شدند است که محسوب میشود از جمعه او آنچه افضل بود باشد و تمام نماز
و طهارت و ایستادگی کلی که با بعضی از او بصیرت روایت کرده است که حضرت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که نماز نکرده و داخل مسجد میشود و نماز نکرده
حضرت فرمودند که نماز کن با ایشان که حق سبحانه و تعالی اختیار میکند

کتاب

۳۹۵

که محبوتر است نزد او و ممکنست که سابقا جماعت کرده باشد و از جماعت هر کس
عجز می نماید قبول شود یا آنکه از دلایل با حضور قلب و نیت خالص و طوافی منقول
باشد و در جماعت چنان باشد که در صورت ممکنست که سفر اجبار باشد یا آنکه
آن نماز است که جماعت واقع میشود و اینها را آنچه است که با جماعت نشود و بنا
مقرر خصوصاً در بلاد عامه و ممکنست که ثانی با جماعت بنیان باشد
چنانکه ظاهر لفظ معجم است و اولی جماعت باشد یا منفرد و ثواب عاده یا
بنیست یا باشد چنانکه گذشت در اخبار بسیار و الله اعلم و سنا که علی بن
جعفر احاطه موسی بن جعفر صلوات الله علیه نماز را و رسول الله علیه و آله
و عاتق سیرا و سیرا و رداء قال لا بأس به و با شایسته منقولست
از علی که گفت سؤال کردم از پدرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله
علیه انخفضی که بفرماید جمعی و زجر جامه داشته باشند یا بزرگ
و در اینها لایان برد و شایسته باشد محتملست و همین التماس می نمود
کرد و روی زکره عزیزی جعفر صلوات الله علیه الله قال ان آخر
صلواتی صلاها رسول الله صلی الله علیه و آله با لئیس بن زبیر و در حدیث
قد خالف بنی طریفه الا اریک النوب فقلت بلی فخرج محمداً
قد عتبا فکان سبعة اخرج فی غایبه اشتیار و در صحیح از زکریا
که گفت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که اگر نماز کن
حضرت سیدنا الانبیا صلی الله علیه و آله بعنوان جماعت کردند و در حدیث
بود که بکطرف آنکه کردند طریقه دیگر را و با جماعت راست یا با جماعت
انرا خفتند و جانب چپ را یا با جماعت و در اینها شایسته و این جامه بزرگ
بمنزله سیه جامه بود لکن و پیراهن و در اینجا می بینیم جامه را بکوشش

۳۹۶

بِسْمِ اللَّهِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ جَاءَ دُرُجَتِي بِرُوحٍ أَوْدَعْتُ مِنْ أَمْرِكَ كَرْدَمِ
طُولَ أَنْ هَفْتُ دُرُجَ نَبُودِ بِنِجَاعِ رَسْتِ وَعَرَضْتُ بِهَا رُزْجَ نَبُودِ كَهْ هَفْتُ شَبَدِ
بَاشْتَدِ وَكَرْبِ رُخُونَدِ بِجِدِّ نِزْجَا بَازِ اسْتِ بِخِطَانِكِهْ حِجْجِي هِ ابُو صَبَرِ وَلَا اسْتِ
نِیَكَنْدِ بَرَانِكِهْ اَكْرَبِ رُخُونَدِ بِجِدِّ نِزْجَا بَازِ اسْتِ اِمَا بِي رَدَا مَكْرُوهِ اسْتِ بِخِطَانِكِهْ
دُرُجِ اَزِ سِلْمَانِ بِنِ خَالِدِ مَنقُولَسْتِ كِهْ كَفْتُ اَرْحَضْرَ بِتَامَامِ جَعْفَرِ صَادِقِ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سَوَالِ كَرْدَمِ اِنْخَفَضْتُ كِهْ اِمَامِ بَاشْدِ وَبِكِ بِرَاهِنِ پُوشِدِ
بَاشْدِ وَرَدَا بِنُوشِدِ بَاشْدِ حَضْرَتِ فِرُودَنْدِ كِهْ سَلَرِ وَارِ نِسْتِ مَكْرُوبِ
بَا عَامِهْ يَارِ دَا كُنْدِ كِهْ سِرْ رَهْنِهْ بَاشْدِ بِهَمَرَا زَانَسْتِ كِهْ بِي رَدَا بَاشْدِ وَ
مَنقُولَسْتِ دُرُجِ اَزْ عَلِي بِنِ جَعْفَرِ كِهْ كَفْتُ سَوَالِ كَرْدَمِ اَزْ اَبُو رِجَاهِ
اِمَامِ مُوسَى كَا ظَهْرِ كِهْ كَفْتُ اَبَا اِمَامِ رَا خُولَسْتِ كِهْ زِيرِ جَاهِ بَا كُنْدِ وَ
كَلَامِ بِرِ سَرِ كُنْدِ دُرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ دَرِ
نِیَسْتِ رَسُوَالِ كَرْدَمِ كِهْ اَبَا زِيرِ جَاهِ عَوْضِ لَنْكِ خُولَسْتِ فِرُودَنْدِ كِهْ
بَلِي وَاحِدِ نِسْتِ رَدَا كَشْتِ دِلِ بَاسِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَرَدَا كَشْتِ رَدَا
عَبْدُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْوَلَايَةِ الَّتِي بَرَزَتْ اَنْتَ لَا تَبْقَى اَنْتَ
تَبْقَى فِي وَفَرِ وَفَرِ مَاحِدِ هَذَا الْوَقْتِ فَكُلْ اِذَا اَخَذْتَ الْقَهْمَ
فِي الْاَقَامَةِ فَكُلْ كِهْ النَّاسُ يَحْتَلِفُونَ فِي الْاَقَامَةِ قَالُ الْمَقِيمُ الْاَقَامَةُ
بِصَلَوَاتِهِ وَبِاسْلَافِهِ مَنقُولَسْتِ كِهْ كَفْتُ سَوَالِ كَرْدَمِ اَرْحَضْرَ
اِمَامِ جَعْفَرِ صَادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اَزْ رَوَا بِي كِهْ مَنقُولَسْتِ بِرَوَا بِي
عَامِهْ يَارِ سَلَرِ وَارِ نِسْتِ يَارِ فَالِهْ دُرُجَتِ وَفَرِجِهْ كَرْدَمِ وَفَرِجِهْ
فِرُودَنْدِ كِهْ اَنْتَ وَفَرِجِهْ كِهْ شَرُوعِ كُنْدِ اَقَامَتِ كُوبِنْدِ كِهْ مَوْزَلَسْتِ
دُرَا قَامَتِ بِسِ عَزِ كَرْدَمِ كِهْ مَرْدَمَانِ مَخْتَلَفِ مِیَا شِنْدِ دُرَا قَامَتِ لَكَا

تألیف

مغفول

اولم

۳۹۱

والله يعلم وقال أبو الحسن موسى بن جعفر صلوات الله عليهم إن الصلوة
في الصف الأول كما يجاهد في سبيل الله عز وجل وسبقوا في الصف
صلوات الله عليه له ثمانية صفات أولها جاهد في سبيل الله عز وجل
دارد یعنی جاهد بقصد قربت با آنکه جاهد اسلام را بیکساید بیست و
کفر و کافران را بقتل و مقتول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
عنه فرمودند که ای محسن اینان ثمانی صفت است که هر یک از این صفات
که با ایشان نماز کن که شخصی که با ایشان نماز میکند مانند کسی است که
شش مرتبه گشیده باشد و در راه حق بجایه و ثلثها در دین و دینش
مرد از حدیث متن جماعت با عامه باشد یا اعم باشد یا آنکه احادیث
گذاشت که در قیاس میان جماعت واقعی و صورت جماعت یا ایشان
در ثواب بلکه ظاهر شد که ثواب بی صورت بهتر است چون احادیث صحیح
و این شده است که نماز در صف اول ایشان مثل نماز در صف اول است
است صلی الله علیه و آله و روی الحلی عن عبد الله بن جعفر صلوات الله علیه
أنه قال لا أرى بالصفوف بين الأساطين بأسا وقال أبو الحسن
صوفكم إذا رأيتم خلفكم ولا يضرلكم أن تتأخروا وراءه إذا وجد
صفيك في الصف لك الصنف الذي خلفك وغشي شرفا وباسانه
صحیح و منقول است از جمله که گفت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
عنه فرمودند که من با یک عباد صفهای میان ستونها اعم از صفی که ستونها
انرا قطع کرده باشد و صفی که در عقب ستون است که ستونها
و هر دو در میان آنها که شاهرا است و مسجد کوفه و مسجد در زمان
ابوالمؤمنین صلوات الله علیه همین عنوان بوده است و مسجد الحرام

موجود

وَلَيْسَ لِي صَلَاحٌ خَلْفَهَا مُقَدِّمًا بِصَلَاةٍ مِنْ فِيهَا صَلَوةٌ قَالَ وَقَالَ
أَيُّهَا الْمَلَأَةُ صَلَّاتٌ خَلْفَ إِمَامٍ بَيْنَهُمَا وَبَيْنَهُ مَا لَا يَخْلُفُ فَلَيْسَ لَهُ الْمَلَكُ
بِصَلَاةٍ قَالَ ثَلَاثٌ فَإِنَّ حَقَّ الْإِنْسَانِ يُعْذَرُ أَنْ يُصَلِّيَ كَقَدِ بَصُرْتُ
وَهِيَ فِي خَائِبِ الدُّجَلِ وَتَحْتَهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَمَّا أَنْ يَصْحَبَهُ وَضْعُهُ
كَالْبَحْرِ مَفْهُولٌ شَأْنُهُ خَصْرٌ إِمَامٌ عَزَبَ بِإِقْصَاوَاتِ اللَّهِ لَهُ فَرُودُونَ لَهُ سُلُوكٌ
أَنْتَ لَهُ كَصَفِيٍّ نَامٍ بَاشِدٌ لَهُ دَرِيَّانٌ صَفٌّ وَأَوَّلُ وَأَخْرَجَ كَسِيَّ بَاشِدٌ
وَسِيَّ كَمَا كَرِهَ بَاشِدٌ بَاشِدٌ لَهُ دَرِيَّانٌ صَفٌّ تَأَصَّفَ دِيكَو فَاصِلُهُ بَسِيرًا بَاشِدٌ
وَمِيَّانٌ وَوَصَفَ أَتَقَدَّرُ فَاصِلُهُ بَاشِدٌ لَهُ كَامٍ بَرِيقَانٌ دَاشْتٌ كَلِيَّانٌ
أَزْفَجُهُ مِيَّانٌ وَدِيَّانٌ مَسْتَوِي الْحَقْلُهُ بَاشِدٌ لَهُ تَحْتِثُ شَاةٌ شَرِيبَاتٌ
تَابِجَاهُ شَبِيرِيكٌ هَمِينَ قَدَرُ بَاشِدٌ لَهُ وَتَقِيَّ لَهُ بَسِجِدَةٌ وَرُودَقِدٌ وَبَحِيدَةٌ
وَزُرَّاعَةٌ كَقَتٌ لَهُ حَضْرَتٌ إِمَامٌ تَحْتَدِي قَرَمٌ فَرُودُونَ لَهُ أَلَكُوجُوفَانُ أَكُنْدَةٌ
مِيَّانٌ صَفٌّ قَدَّ وَإِمَامٌ زِيَادَةٌ أَتَقَدَّرُ دَكَامٌ فَرَاخٌ بَاشِدٌ أَنَّ إِمَامًا أَجَنًا
إِمَامٌ بَنِيَّتٌ وَهَجِينٌ أَزْصَقِي صَفِيٍّ دِيكَو كَرَفَاةٌ زِيَادَةٌ أَزْكَامٌ فَرَاخٌ بَاشِدٌ
عَانَدٌ أَكُنْ صَفٌّ تَابِجَاهُ عَا بَنِيَّتٌ عَفِيَّ نَمَازٌ كَامِلَانِيَّتٌ وَكَلَرَفَاةٌ بَاشِدَةٌ
يَا دِيَّوَرِي بَاشِدٌ لَهُ كَبُجُونُ إِيشَانُ إِمَامٌ رَامِيَّتُوَانَدُ دِيدُ قَطْعُ نَقَارُ زَاةَصَلُ
مَامُوعِينَ زُرَّارَةٌ كَقَتٌ حَضْرَتٌ مَ فَرُودُونَ لَهُ أَيْنَ مَقْصُودُهُ هَاكِي كَالْحَارِثِ
كَعَلْبٍ دَاخِلٌ بِسَدَاتِ سَمَكَاوِي بَنِيَّتُهُ سَاخْتَهَانَدُ وَدِيَّانِيَّتُهُ
وَدَرِيَّانُ حَضْرَتٌ سَيِّدُ الْمَرْسَلِينَ مَبْنُودُ كُوسِيٍّ أَتَقَدَّرُ دَكُنْدُ بَامَا سِيَّكُ
دِرْ مَقْصُودُهُ اسْتِ أَطْرَفَيْنِ مَقْصُودُهُ عَمَالُ الْإِنْسَانِ عَمَالَانِيَّتٌ جُيُونُ أَتَقَدَّرُ
يَا كَرِيشْتِدُ عَمَالُ إِيشَانُ كَامِلَانِيَّتٌ جُيُونُ بَعْدُ كُودُهُ ائِدُ أَرُورِي كَبَرُ
كُ ائِسْجُودُ لَهُ دَرُجَاهِي اسْتِنْدُهُ مَشَارَ بَاشِدُنْدُ وَابْتَدَاءُ لَوْنِ بَعْدَةُ أَتَقَدَّرُ

شاید ایچره حضرت ابیه المؤمنین صلوات الله علیه و آله بآن خلافت ظاهری هر چه شایسته
شناخته چنانکه در وصفی طایفه است که حضرت میفرمودند که منهدم سازند
و میفرمودند که عمرها باشد بنجای هوادان میبازد و زنده بگفت که حضرت
صلوات الله علیه فرمودند که هر زن که نماند در عقب امامی و میان آن زن نماز
نیست مثل مردان هر مرد که گفت عرض نمودم که اگر کسی بدید بایه و خواهر که آن مرد
اقتدا کند چکنند و حال آنکه زن در جانب آن مرد است فرمودند که مرد بگوید
امام ایستاده و زن آنکس بیرون رود و حال کرده اند یعنی اینها را بدو زنان
برگذاشت چون در حدیث متواتر آمده و آورده شده است که گفتن حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کردم از شخصی که امامت حق کیست و در
امام خانه باشد که زنان در اینجا باشند آیا جایز است که این زنان اقتدا
کنند بحضرت فرمودند که بله اگر امام است نماز زنان باشد صحیح بپندرد
نباشد عرض نمودم که اگر میان زنان و امامان دیواری را می باشد حضرت
فرمودند که باکی نیست و لحوطه است که با مکان در عقب دیوار نباشند
مگر آنکه سبب تری شود که با حایل به ترات از آن و اگر حایل و لحوطه
دنیا باشد ضرر ندارد هر گاه جانش باشد چنانکه در جمیع انصوبین
حاضر منقول است که گفت حضرت امام جعفر صادق عرض نمودم که من در
طاق و چینی حجاب نماز می فرمودم که باکی نیست هر گاه جانش باشد
و عرض از آن فرمود در حجاب فراموش شد و جابا باشد بر سر از آن زن که آن چنانکه
غالباً در جمیع چنین منقول و اما لحوطه است که اقتدار داخل نباشد
که مانند حجاب داخل می شود با آنکه ظریف صفا اقول اما مرد و کسی که
در آنجا نیست نه میند که در انصوبت نماز باشد هیچ نیست و نه مرد و نه عجله

بِزَيْنَابِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ أَقَلُّ مَا يَكُونُ بَيْنَكَ
وَبَيْنَ الْفَيْلَةِ مَرْتَبُ عَتْرٍ وَكَثْرًا يَكُونُ مَرْتَبُ فَرْسٍ وَدُرٍّ وَاسْتِجَابِ
عَبْدَ اللَّهِ مَقُولَتِكَ كَهَضَرْتِ إِمَامَ جَعْفَرٍ ضَادِقٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَمَرُودٌ
كَهْ كَثَرِينَ فَاصِلَهُ كَهْ مِيَانِ تَوْبِيَّاتٍ قَبْلَهُ مَيُونَا بَدُو بَدُو بَدُو بَدُو
بَنِيْسْتِ وَظَاهِرٌ دُرٍّ بِطُولِ بَرِّ مَرَادِ اسْتِ زَيْنَا كِهْ دَرِ عَرْضِ بَرِّ سَجْدَةِ عَتْمُونِ
كَدَدَنِ وَكَثْرُ فَاصِلَةٍ كِهْ مَيُونَا بَدُو مِيَانِ تَوْبِيَّاتِ حُلِّ خَوَابِدِنِ
اسْبِيْ اسْتِ وَمَرَادِ رَقِبَلَهُ اَوَسْتِ وَدَرِ صِفِّ قُلِّ إِمَامِ اسْتِ كِهْ عَمَادِ
قَبْلَهُ اَوَسْتِ وَدَرِ صِفِّ دُورِ صِفِّ اَوَلِ اسْتِ وَبَرِّ قِيَاسِ عَمَادِ
كِهْ مَرَادِ اَيْنِ بَاشَدِ كِهْ اَكْدَرِ رَمِيَانِ تَوْبِ دِيَوَارِ كِهْ سَرِ اسْتِ اَيْنِ مَقْدَرِ فَاصِلِ
بَاشَدِ عَتْمُونِ قِيَسَرِ بَنِيْسْتِ كِهْ نَصَبِ كُنْدَةِ وَدِيَوَارِ سَرِ اسْتِ وَاَكْدَرِ
فَاصِلِ بِيْشْتِ بَاشَدِ اَحْتِيَانِ بِيْشْتِ هَسْتِ اسْتِجَابَا وَابْعَثِ عَتْمُونِ
اَقْرَبِ اسْتِ اَمَّا صَدُّوقِ عَتْمُونِ اَوَّلِ رَافِعِيْدَةِ اسْتِ وَمَتَابِعَتِ اَوَّلِدَةِ
اَحْجَابِ دِيَوَارِ اسْتِجَابِ وَكَثْرُ بَاشَدِ كِهْ اَيْنِ مَقْدَرِ رَاجِحِ فَضِيلَتِ
وَاَحْجَابِ اَقْدَرِ اسْتِ كِهْ عَرَفِ كُوْنِدِ كِهْ بَا اَوَاقِدِ اَكْدَرِ اسْتِ
وَبَعْضِ اَحْجَابِ تَاسَعِيْدِ دَرِ عَجْوِ نَزْعُوْدَةِ اسْتِ وَبِيْشْتِ رَافِعِيْدَةِ
اَمَّا اَكْدَرِ فَاصِلِ صَفُوفِ بَاشَدِ هَرِ يَدِ اَكْدَرِ هَرِ يَدِ بِيْشْتِ بَاشَدِ
هَرَا هُوَ تَوَاسُطِ مَتَابِعَتِ كَرْدَنِ نَهْ اَنَكِهْ بَا اَخْرَجِ بَرِ كُوْنِ رَوْنِدِ اَكْمَالِ
سَرِ اَكْمَالِ بَرِ دَاشْتِ بَاشَدِ وَكَأَنَّ عَتْمُونِ مَوْسَى سَلَّمَ اَبُو عَبْدِ اللَّهِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ اَلْإِمَامِ يُصَلِّي وَخَلْفَهُ قَوْمٌ اسْتَفْلَحُوا مِنَ الْمَوْجِ
الَّذِي يُصَلِّي فِيْهِ قَالَ اِنْكَانَ اَلْإِمَامُ عَلَى مِثْلِهِ اَلَّذِي اَنْكَانَ اَوْ
اَنْفِ مِنْ مَوْضِعِهِمْ كِهْ كَثْرُ صَلَوَاتِهِمْ وَاِنْكَانَ اَنْفِ مِنْهُمْ بَاضِعِ اَوْ

اَوْ اَقْلَ اَوْ اَكَاثَ اَلْاِنْفِاجِ يَقْطَعُ سَبِيلَ اَلْاِنْكَاسِ رَضِ سَبُوطُهُ وَكَانَ
بِهِ مَوْضِعٌ مِمَّا اَلْاِنْفِاجِ فَقَالَ اَلْإِمَامُ فِي الْمَوْضِعِ اَلْمَرْفُوعِ وَقَامَ مَرْفُوعُهُ
اسْتَفْلَحُوا وَلَا اَلْاَرْضُ بِسُوطَةٍ اِلَّا اَنْفِاجِ فِي مَوْضِعِ مَحْذَرِ اَلْاَبَاسِ بِهِ
وَدَرِ عَتْمُونِ اَيْنِ يَقْطَعُ سَبِيلَ وَدَرِ كَافِي سَبِيلِ وَدَرِ عَتْمُونِ اَيْنِ قَالَ بَاشَدِ
بِهِ اسْتِ وَدَرِ مَوْضِعِ مَقُولَتِ اَحْمَدِ كِهْ كَهْ هَسْتِ اَمَامِ جَعْفَرِ ضَادِقِ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بَرِ سِيْدِنِ كِهْ اَنَا مَای كِهْ عَمَادِ كُنْدَةِ وَدَرِ عَقْدِ عَتْمُونِ بَاشَدِ
بَنِيْسْتِ تَرِ مَوْضِعِ كِهْ اَمَامِ عَمَادِ كُنْدَةِ حَضَرْتِ فَمَرُودِ كِهْ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَمَامِ مَای
صَفْرَا بَاشَدِ وَدَرِ كَافِي اَنَا مَای كِهْ عَمَادِ كُنْدَةِ وَدَرِ عَقْدِ عَتْمُونِ بَاشَدِ
غَالِبَا اَبْجَابِ كِهْ دِيَوَارِ بَاشَدِ اِنْشَاءً اَوْ مَوْضِعِ اَيْنِ اَمَامِ مَوْسَى
عَتْمُونِ بَنِيْسْتِ وَعَمَادِ اَمَامِ عَمَادِ اَحْجَابِ عَتْمُونِ مَقْدَرِ مَقْدَرِ اسْتِ وَاَكْمَالِ اَكْمَالِ
بَاشَدِ عَقْدِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ بَاشَدِ اَكْمَالِ هَرَا بَاشَدِ مَقْدَرِ اَكْمَالِ
قَطْعِ اَنْ تَوَانِ كُوْنِ كَامِ بَرِ دَاشْتِ اَيْنِ عَتْمُونِ بَاشَدِ بَاشَدِ اَكْمَالِ
سَوَالِ دِيَوَارِ كِهْ مَشْهُودِ حَضَرْتِ مَقْدَرِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ بَنِيْسْتِ وَبَرِ نَخْبَةِ
بَقْطَعِ سَبِيلِ عَتْمُونِ هَرَا بَاشَدِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ
زَمَانِ اَبْجَابِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ
هَرِ دَرِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ
بَاشَدِ وَدَرِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ
قَالَ اَلْاَبَاسُ بِهِ خَوَاهِدُ بَدُو عَتْمُونِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ
وَدَرِ مَوْضِعِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ
وَدَرِ مَوْضِعِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ
بَاشَدِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ اَكْمَالِ

فاهلست و عبادت شوق است مثل نماز و ايات عارکه بی خبری نیست
 والله تبارک و تعالی یعلم و سئل صلوات الله علیه فان قال الامام اسئل
 من موضع من یصلی خلفه قال لا یأسی به و قال صلوات الله علیه
 انک ان المجمل عوفی پیش او علی ذلک دو کا کا کات او غیر کا ک
 الامام اسئل من کان للرجل ان یمکن جلنہ و یقتدی یصلواته
 و انکا ان ارفع منه پیشی بکبر و عار دقت که شخصیت صلوات الله علیه
 پس سیدند که اگر امام بایستد بپشت ترا موضع ماموین که در عقبه
 نماز میکند حضرت فرمودند که بالی نیست و حضرت صلوات الله علیه
 که اگر ماموم بر پشت با می باشد یا غیر آن خواه دو کا کا باشد یا غیر
 و امام بر زمین غاذا کند و امام بپشت ترا ماموم باشد ماموم با و اقتدا
 میخواند کرد و اگر چه ماموم بدن تو باشد بسیار که با و اقتدا با و
 کور حاصل آید باشد که ماموم بر بدن میخواند اقتدا و امام میتواند
 ایستاد و اما آنچه در صحیح از صفوان منقولست که از محمد بن عبد الله که
 محولست و خبری که گفت سوال کردم از حضرت امام رضا صلوات الله علیه
 از امامی که نماز کند در موضع و ماموم بپشت ترا و بایستد یا امام در
 موضع باشد که ماموم بپشت ترا باشد از حضرت فرمودند که
 میباشد که جای همه مساوی باشد گفت عرض نمودم که اگر شخصی با
 بکی نیست پس او را محولست بر استیجاب و ثانی محولست بر آنکه زیاده
 انکشت نباشد و صحیحی بسبب این حدیث قابل شده اند که اگر کسی
 سجده پست باشد جایز است اگر چه زیاده از چهار انگشت باشد و صحیح
 ایستاد و جایز نیست که پست باشد تا جمع شود میان اجزای آن

۲۷

در مسجد الحرام در وقت نماز محزون نزدیک بهضفا رسیدند بر کعبه رفتند
مردم حضرت نیز بر کعبه رفتند و سجده رنجی آوردند و چون برخاسته
رفتند با بعضا رسیدند و ظاهر است که انصورت غایب بوده است که اگر رو
نقیه واقع ساختند و لهذا تکبیر را نقل نکرد و در صحیح استیلانی من بخالد
منقولست که آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه امام را ادراک کند
در کعبه و راست ایستاده و تکبیر بگوید و بر کعبه و پیشانی آنکه امام سر بردارد
ادراک کرده است بیغ دلت و جماعت و در صحیح آنحضرت مسلم از احدهما روایت
علیهما منقولست که آنحضرت سوال کردند از شخصی که داخل مسجد شود و رو
که رها کرد و فوت شود حضرت فرمودند که بر کعبه میر و پیشانی آنکه باقی
رسد و در کعبه ایستاده و باقیان رسد و چهار حدیث صحیح آنحضرت سلم
منقولست که حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق و صلوات الله علیهما
فرمودند که اگر تکبیر بر کعبه و امام در میان داخل شود در آن رکعت و در وقت
دیگر اعتقاد بان رکعت مکن و در روایت دیگر اگر تکبیر را در بابتی رکعت در بابت
و حجی جل بر آن جمعه کرده اند و حجی بر بختی خاصه صاهرا که رکعت یکم
ماند باشد و هر وقت محفلت چنانکه خواهد آمد در بعضیها جل که اگر امام
تکبیر بر کعبه و در میان و الا نماز ظهر یا مسکنی و فسخ آنرا ظاهر است
بعضی اخبار و الله اعلم و روایتی که عیسی فی الصلاة و یحیی فی الجبله
و لا یخطأ و در روایتی وارد شده است که امام بر و باین عنوان که امام
بر زمین میسجد و کام بر عیندار دانسته تر باشد بایستاده و روایتی که
عمر بن عبد الله صلوات الله علیه آنکه قال اذا أدركت أياكم و قدح
صرت قبل أن یرفع أياكم دانسته فقد أدركه و ان رفع رأسه قبل

آن ترنگ فقد فانتك الرقة وباسايند صحيحه وكالشيخ منقولست
از مجلسي كه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمودند كه هرگاه
كه هرگاه دريايي امام را در حال ركوع و تكبير ركوع بكوي بيش از يك امام
سر بردارد و در ركوع دريافته ركعت و اگر امام سر بردارد بيش از يك ركوع
ركعت فوت ميشود و شيخان جنين روايت كرده اند اين حديث را كه
فكبرت و ركعت و ظاهر لفظ و ركعت از قلم نسخ اخذ است چو
ظاهر است كه تكبير را في بنيت بقرينه واد رفع اليه وروي ابو اسامة
انه سأكه عز رجل شقي الى الاسلام وهو راكع قال اذا كبر واقام
صلبه ثم ركع فقد أدرك وكالشيخ منقولست زنده گفت سوال كرد
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه از تخني كه امام سر برد و او
در ركوع باشد حضرت فرمودند كه هرگاه تكبير بكويد در وقتي كه بنشاند
باشد و بعد ازاين ركوع رود ادا است كه ركعت كرده است و اخذ است مثل حد
صحیح سلیمان دلالت میکند بر آنکه میباید در حالت تکبیر اسراراً التماس
باشد بخانه كه گفتند و ذكر اقامت صلب را بنحیست كه چون قال الله
هرگاه در جحش و قتي میرسد تكبیر را در وقتي كه ركوع میكويد چو
خوف دارند كه مبدا امام سر بردارد بنابرین قریح فرمودند كه وقتی تخني
كه فرمودند بنیت راست باشد و تكبیر بكويد و قاله رجل لا جعفر صلوات الله
عليه اتي امام سجدي قال ركع بهم وسمع خفقات نعالهم وانا راكع
فقال صبر وكوعك ومثل ركوعك فان افطعوا ولا فاستصفايا
ظاهر فعل المعنى كرده است صدق يا غير او كالشيخ جابدا كه گفتند
خودم حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه كه من امام مسجد قبا

رسید حضرت کی بسوی معاذ فرستاد که نظار چنین باشد که مردم ترك نماز
از حجه طول نماز و بر تو باد که سوره های دوازده قصه بخوانی مثل سوره و التمس
استاذ آن و همین مصون در صحیح است و خاصه بخاری و ظاهر
صدوق نیز ایشان روایت کرده است و آن **الْبَيْتُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ**
ذَاتُ يَوْمٍ يُؤَدُّمُ الْحَيَاةَ فَيَسْتَحْيِي كِبَاءَ الْبَيْتِ فَتُخَفِّفُ الصَّلَاةَ وَيُذْخِرُ
الْحَضْرَتَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ امام است صاحب خوب میفرمودند و صدای بوی بود
میشنیدند و نماز را از حجه سبک میفرمودند و بنا بر نسخه روزی از روز
الحضرت نماز میکردند صدای طفل را شنیدند و نماز را سبک کردند و
صحیح است آنست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که **لَا تَقْرَأُوا**
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نماز ظهر و عصر را کردند و سبک کردند و در
صحابه عرض نمودند که یا رسول الله ایاد نماز می حادث شد که منسوخ
نظایریش شالاحضرت فرمودند که چه واقع شد عرض کردند که در رکعت
آخر را سبک کردند حضرت فرمودند که صدای گریه طفل را شنیدید و ظاهر
چنان بوده است که ما در نماز قنای کرده بوده و طفل را بر زمین گذاشته او
میکر بسته است حضرت زد کردند تا طفل را بر اصرار رد و نشد و درین
عالمه در صحیح خود روایت کرده اند و علی الاکمال آن **قِرَاءَةُ وَطْأِ**
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَلَا تَجْعَلْ بَيْتَكَ وَلَا تَجْعَلْ بَيْتَكَ
در صحیح از عبد الله بن سنان که گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
علیه رضی عندهم که بر امام لازمست که انقدر بلند بخواند که هر که در عقب و بنا
بشنود حضرت فرمودند که بر امامست که قراوت چهار مرتبه را میان نه بخواند بسیار
بلند و نه بسیار رپست زیرا که حق سبحانه و تعالی خطاب حضرت کرده

و می‌گفت که نمیدانم باشد از صحیحه معویه بن وهب که گفت حضرت
جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود که این بگویم هرگاه امام بخواند
قَالَ الْمُقْبُوبُ عَلَيْهِمُ وَالصَّالِحِينَ رَحِمَتُ فَرُودَنده که ایشان یهود و
بنی‌مصر و بنی‌عرب و ضالان بشارت داد و جواب سخن از ایشان را دادند
از جمله بقیه و گنایه دلالت میکند بر آنکه جمیع این لفظ باید گویند
که راستند و صدوق بظاهر برده باشد که این عبارت یهود و نصاری
غیباید که مسلمانان باین کلام شوند و بعدی است از امام
از صدوق و احادیث ائمه در بطلان آن که گفت و روی کرده
و محمد بن مسلم علیه السلام علیه الله قال کان امیر المؤمنین
صلوات الله علیه یقول لمن قراء خلق امام را تکریمیه قرائت
بعثت علی قاری و طهره و باستانند صحیحیه منقولست از راه و محمد بن
امام محمد باقر صلوات الله علیه که حضرت امام المؤمنین ص میفرمودند
که هر که قرائت این را در عقب کسی که اقتدا نکند که شیعه عادل
باشد و عیار بر غیر فطرت اسلام مرده خواهد بود یا خواهد مرده و این
حدیث محمولست بر غیر جهریه که نشنود هم هر را که در انصورت قرائت
میتواند کرد بلکه در غیبه و جوب قرائت میشود چون احادیث صحیح
و حسنه وارد شده است بلفظ امر قرائت و در غایت نیست که آنکه
صوتی که قرائت را شنود اگر چه صدائی باشد که غیر حر و فکرت
قرائت تمامی عنه است و اگر هم در شنود قرائت مطلوبست
و اگر قرائت اخفایه باشد بخیر است جمیع قرائت و تکریم آن که
تکریم قرائت و ایست بسبب احتیال این خبر از اخبار بسبب آنکه

جعفر صلوات ۳

فرمودند که میخواهد خاموش شود و میخواهد که قنوت را نشنود و حضرت
فرمودند که قنوت کند و سوال کردم اند و رکعت اخفایند در عقیقه ادا
آیا حدیثی فرمودند که اگر قنوت کنی با کعبه است و اگر خاموش شوی با
نیست و احادیثی دیگر نیز بر مضامین وارد شده است و ممکن است که
عمل کنیم قنوت را بر قنوت تسبیح چنانکه در صحیح معصومین و غیره منقولست
که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال کردم از قنوت
در عقیقه امام در رکعت آخر حضرت فرمودند که امام فاطمه تسبیح و مامون
تسبیح بخوانند و اگر نماز را از بی عزیزی میان حد و تسبیح و اخبار دیگر خواند
آمد و روی بخاک می افتد عیسی علیه السلام می آید و می گوید که ای عیسی
خاک را بیاور تا منم به فلا تفرحوا خلفه سبعت قنوته او لم یسمع الا الله
تکون صلواته بجهنم با هزاره فلم یسمع قنوته و با سبب تسبیح
منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که
هرگاه نماز کنی در عقیقه امامی که اقتدا با او کنی با آنکه سستی و فاسق بنا
قنوت ممکن در عقیقه و خواه قنوت را نشنوی یا آنکه چه بر بانشنود
یا نشنوی که اخفایند باشد که آنکه چه بر بانشنود و قنوت را نشنود
که در بعضی وقت قنوت کن و در بعضی وقت تسبیح منقولست از بعضی که
گفتند انحضرت صلوات الله علیه سوال کردم از نماز در عقیقه ادا حضرت
فرمودند که امامی که از او راضی باشی یعنی بد مذمت و فاسق نباشد در
او قنوت کن و ممکن است که عبادت سبعت قنوت را عمل کنیم که خوب
شنوی یا خوب نشنوی بلکه هر چه شنوی تا استثناء صورت
و استثناء باشد چنانکه گذشت و در بعضی از مواضع منقولست که گفتند

از حضرت سوال کردم از شخصی که امامت کند و مردمان صدای او را بشنود
و بعضی منکر که چه میگوید حضرت فرمودند که اگر صدای او را بشنوی و عقیقه
صدای او را نشنوی قنوت کند و قنوت کند عیسی علیه السلام می آید و می گوید که
ای عیسی خاک را بیاور تا منم به فلا تفرحوا خلفه سبعت قنوته او لم یسمع الا الله
تکون صلواته بجهنم با هزاره فلم یسمع قنوته و با سبب تسبیح
منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که
هرگاه نماز کنی در عقیقه امامی که اقتدا با او کنی با آنکه سستی و فاسق بنا
قنوت ممکن در عقیقه و خواه قنوت را نشنوی یا آنکه چه بر بانشنود
یا نشنوی که اخفایند باشد که آنکه چه بر بانشنود و قنوت را نشنود
که در بعضی وقت قنوت کن و در بعضی وقت تسبیح منقولست از بعضی که
گفتند انحضرت صلوات الله علیه سوال کردم از نماز در عقیقه ادا حضرت
فرمودند که امامی که از او راضی باشی یعنی بد مذمت و فاسق نباشد در
او قنوت کن و ممکن است که عبادت سبعت قنوت را عمل کنیم که خوب
شنوی یا خوب نشنوی بلکه هر چه شنوی تا استثناء صورت
و استثناء باشد چنانکه گذشت و در بعضی از مواضع منقولست که گفتند

السلام

و در سجده علی الظاهر آمده منقولست که گفت عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه که چه چیز مجربست از تسبیح در دو رکعت آخر حضرت فرمود
که مجربست که بگوئی سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و تکبیر
اربع بگوئی و بر رکوع روی در سجده از عید منقولست که گفت تسبیح
کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از دو رکعت آخر حضرت
فرمودند که تسبیح میگوئی و حمد علی میگوئی و از کناهان استغفار میبینی
و از کسبهای فلاحه میخوانی که آن حمد است و دعا و ظاهر آنست که همین
کا فی باشد که سبحان الله و الحمد لله و استغفر الله و لیکن جمع میان دو
گفته اند که تسبیح را بعد از تسبیح یا استغفر الله و تسبیح تسبیحی است که از
میکردند اللهم اعف عني استغفر الله و احبنا طاجون محمداست که در
عبارت دیگر باشد یا ثانی و در سجده جلوی آن حضرت ص منقولست که فرمودند
که هرگاه بایستی در دو رکعتی که فاتحه بخوانی یعنی فاتحه در آن و بعد از آن
که آن دو رکعت آخر است بگوئید سبحان الله و سبحان الله و الله اکبر و در سجده
آن حضرت ص منقولست که فرمودند که هرگاه امام باشی در دو رکعتی
الحمد بخوان و اگر منفرد باشی بخوان الحمد بخوان و بخوان الحمد بخوان
یعنی تسبیح بخوان و در سجده منقولست که حضرت امیر المومنین ص فرمود
اول قارظ و عزم قریوت هسته میگردند و در دو رکعت آخر تسبیح
میخوانند بخوان رخفان یعنی تسبیح را بلند میخوانند و کا یعنی تسبیح
صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که هرگاه امام باشی میباید
که در دو رکعت و لا قریوت کنی و ما مومن تسبیح را در سجده بخوانند
یعنی در خلفایته و در دو رکعت آخر تسبیح را در سجده بخوان و ما مومن تسبیح را

و در حسن کا یعنی از عید منقولست که گفت از حضرت ص سوال کردم از قرائت نام
در دو رکعت آخر حضرت ص فرمودند که امام احمد بن حنبل و امام شافعی و
الحمد بخوان یعنی بخوان الحمد بخوان و کا یعنی منقولست از حضرت ص که علی بن
خطاطه سوال کرد از حضرت از دو رکعت آخر که در آن چه چیز مجربست
فرمودند که اگر بخوانی الحمد بخوان و اگر بخوانی رکعتی سبحان الله و تعالی
که هر دو سوا و یا ندو کا یعنی از عید منقولست که گفت سوال کردم
از حضرت امام موسی کاظم ص که در دو رکعت آخر حمد بهتر است یا تسبیح فرمودند
حمد بهتر است و بعضی اخبار را گفتند و بعضی دیگر خواه آمدند و آنچه ظاهر
آنست بین اخبار آنست که منفردا یا تسبیح اولست و امام را غایب احمد
اولست و بحسب احوال هر دو مختار نیست که اگر احوال خود باید که تسبیح
قلب و ربط و انخاب اقدس تسبیحی بیشتر حاصل شود و آن بهتر باشد
چنانکه در حدیث معراج ظاهرند و چون تسبیح خواند ظاهر احوال و کذا فی
و دیگر از اینها تسبیحی که عمل کنی مغرب باشد از تسبیحی که با استغفار
خواند بهتر خواهد بود و آورده تسبیح بخواند با استغفار بهتر خواهد بود و دو
تسبیح که سه تسبیح اربعه باشد با استغفار هر را اکل خواهد بود و بعضی
که تسبیح مرتبه بهتر است و بعد از آن هفت مرتبه و دو رکعت که بهتر است
ولیکن احوط سه مرتبه با استغفار است و ظاهر همه اخبار آورده باشد
و الله تعالی یعلم و روی و هیئت بن حفص بن عمر بن عبد الله
صلوات الله علیه قال انی ما یجری من القول فی الاعداء
الاخیرین ان تقول سبحان الله سبحان الله سبحان الله و فرمود
تسبیح آن حضرت ص که فرمودند که کمتر چیز که مجربست از دو رکعت

آنوقت که سه بیج بکوبند و ظاهر میشود که هر چند که پیشتر باشد
 بهتر است و اگر سه بیج کبیر بکوبد عمل با این حدیث کرده باشد خورده
 و فی روایه هزاره عزله جعفر صکوات الله علیه قال وان كنت
 خلف الامام فلا تفركوا ان شيئا في الاذان وانضت لقرايه ولا
 تقرا ان شيئا في الاذان فان الله عز وجل يقول للمؤمنين فاذا
 قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلكم تتقون والاحزاب ان تبع لاهل البيت ودر بعض نسخ و لا تتبع
 تبع لاهل البيت اس و باسانیده صحیح منقول از زبانه انحضرت اما
 محمدا قرصوات الله علیه فرمودند که هرگاه در عقب امام با حق پس
 که در دو رکعت اول قرات مکن چیزی از حمد و سوره و گوش ده با امام آنچه
 میخواهند و در دو رکعت آخر قرات مکن بدستی که نخواهند و ندعوا بجلال
 میفایند که هرگاه خوانده شود قرات در رکعت اول که هرگاه در
 واجب در عقب امام باشی و امام قرات کند پس گوش ده و بعد قرات
 امام را و خواهش باشی تا شاید که حق سبحانو و تعالی بر شما محبت
 کند و در رکعت ثانی در رکعت اول است و بنا بر نسخه و در دو رکعت
 اخیر نیز چنین است به تبعیت و در رکعت اول و ظاهر این حدیث
 آنست که آیه درین باب وارد است و مطلق شنیدن قرات واجب
 نیست و مؤید اینست آنچه شیخ در دعایت کرده است در ویکه اسق
 کردند و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از قرات در
 امام حضرت فرمودند که هرگاه در عقب امامی باشی که او دوست
 داری یعنی شیعه باشی و اعتقاد با داشته باشی یعنی عادل باشی

خاموش شدند انجمنه عظیم قرائت تا آنکه بعلون فایز شد از امام حضرت شریع
 میزود قرائت کردند آن بعلون با زعمان آیه را خواندند حضرت خاموش شدند
 و دیگر حضرت هم شروع در قرائت کردند و حضرت کوش دادند و بعد از آن همه
 آن بعلون فرمودند این آیه که فاصرا یحیی مری که وعده حق سبحانه و تعالی
 حق است و تو را خدا و من را بیست و شش حق که یقین با آخرت ندارند پس حضرت
 سوره را تمام کردند و بر کوفه رفتند و ظاهر شد که آیه عام است و کوش
 میباید داشتند قرائت هر که خواند آنکه آن بعلون از تحفه ایاری
 آن حضرت بخوانند چون سبج را بخورد و اعتقاد دشو من است بود که چون
 حضرت حکیم را می شنید این وضایع بود و هر صغیره بود و هر صغیره
 را به آیه را گنایه بخواند و معنی حضرت سده مرتبه کوش دادند و ترک قرائت
 فرمودند تا آخر آن آیه را خواندند که حق سبحانه و تعالی تسبیح حضرت
 سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرموده اند در ایذاء کفار قریش که
 صبر کن که وعده الهی حق است در کشته شدن صنادید قریش بدست
 و جنان شد و حضرت نیز خواندند و مرا حضرت این بود که عجب وعده
 الهی تو را بر این خروج بدست من کشته خواهد شد و جنان شد که
 هر بدست حضرت مجتهد رفتند پس جل ستوان کرد حدیث زمره و غیر
 آنرا بر آنکه وجوب استماع مخصوص قرائت امام است و استماع حضرت بعلی
 صلوات الله علیه از وی استجاب باشد چنانکه ظاهر لفظ عظیم قرائت
 نیز بر آن دولت دارد و الله تعالی بعلوم و احیاء است که در جانی نماز
 نکند که قرائت را بداند خوانند یا جمعی هم خوانند منفرد و دو نفر
 حیدر لا ویدی عن ابی عبد الله صلوات الله علیه و آله قال

بپردازد و رکعت رسیده باشد پس در آن دو رکعتی که در یافته است الحمد
میخواند و در خاطر خود چون امام سلام میدهد مأموم بر میخیزد و دو رکعت
دیگر را میکند که در اینجا قرائت بخواند بلکه تسبیح و تهلیل و دعا بخواند و
در آن دو رکعت قرائت نیست و اگر یک رکعت بنام دو باید در آن رکعت
قراوت میکند در عقب امام پس چون امام سلام میدهد بر میخیزد و
فالحه را میخواند پس بنشیند و تشهد میخواند پس بر میخیزد و دو رکعت
بجائی ورد که در آن دو رکعت قرائت نیست و همین روایت را شیخ طایفه
نزه در تفسیر و استبصار روایت کرده است که چون دو رکعت آخر را
بامام در یابد و در خاطر خود میخواند الحمد و سوره را پس اگر میخواند سوره را
خواندن الحمد تنها کافیست و چون امام سلام میدهد بر میخیزد و دو رکعت
غایز بر بجائی ورد که در آن قرائت نیست زیرا که قرائت در دو رکعت اول
غایز است در هر رکعتی الحمد و سوره و در دو رکعت آخر قرائت نیست
بلکه تسبیح و تهلیل و تکبیر و دعاست و در آن قرائت نیست اما اگر گفت
نسخه شیخ با نسخه فقیه در دو چیز است یکی در سوره باجمد و دوم
در تکبیر که در فقیه نیست و دعا همگشت که مراد الحمد لله باشد
چنانکه در حدیث سنوی صلی الله علیه و آله و او است که بهترین دعا
حدیث است و معروفست که هرگاه مدح مخلوقی کنند هیچند مطلوب
ذکر نکنند و حمد و مدح میداند که احسان میباشد که در خالق که را بخواند
نیست و در بیصورت موافقت با حدیث سابق که از زبانه آمد
که اقل تسبیح تسبیحات اربع است و همگشت که مراد دعا استغفار یا
چنانکه در حدیث سمری از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و

۱۰۰

۴۸
 بیرون زد و نافله را تا آخر کند و ابتدا بر وضه کند که آن حق واجب حق
 سبحانه و تعالی است بر بنده و بعد از آن نافله را بخواند و در هر مقداری که
 خواهد و ظاهر اینست که او را قضا نباید کرد چنانکه اخبار دیگر گوشت
 و این حدیث مناسبتی باین باب نداشت و در وی محمد بن سلیم عن
 احمد بن اسلم ان الله علیه فی الرجل یدخل المسجد یخاف ان یقفه
 ان یقلعه قال یغفر الله له و یغفر له ان یقلعه و یغفر له ان یقلعه
 یغفر الله له و یغفر له ان یقلعه و یغفر له ان یقلعه و یغفر له ان یقلعه
 علیه یا حضرت امام جعفر صادق ص در شخصی که داخل مسجد شود و اما
 در رکوع نباشد و قصد کند که سر از رکوع بر دارد و ثواب جاعت آن رکعت با
 مطلقا اگر در رکعت آخر باشد از فوت شود حضرت فرمودند که اگر خدا
 میبکند و بکبرایم میگوید و بر کوع میورد و سر از آنکه بایشان رسد
 و در رکوع راه میروند تا بایشان رسد و اخبار دیگر گوشت و در وی الفهم
 بن سون عن الصادق صلوات الله علیه فی الرجل یومئ التکاء
 لیس یعرف رجلا قال نعم و انما انما یومئ لیس یعرف
 فی جانبیه و کا لیس یعرف انما یخصم ص در دردی که امامت زمان کند
 که مردی نباشد در غایت واجب ایضا زیادت حضرت فرمودند که بلی و اگر تا
 باقی باشد امام او را درست راست خود باز میدارد و بر میخیزد و اخلاص
 همیشه و ابر شده است که در امامت زمان کند میتوان گفت و در خلاف
 نیست و در موقوف کا لیس یعرف انما یخصم ص در دردی که امامت زمان کند
 امام جعفر صادق ص که من پیشانی زخم میبکند حضرت فرمودند که حق
 و درست است تو بایستد پست از تو که سجود و برابریهای تو نباشد

و در حدیث دیگر و ادوات که اگر اطفال باشند ایشان را بشمار از زنان
 می ایستند و زنان در عقب ایشان می ایستند اگر چه بندگان باشند
 و در حدیث دیگر و ادوات که اگر بزرگوار باشند پشت سری ایستند و حمل
 بر تنه می توان کرد و حمل بر حدیث فضیل نیز می توان کرد که در پشت
 باشند در دست راست و انحوط آنت که تمام بدن زن عقیق است بد
 مرد باشد و روى عنه صلوات الله علیه عمار الساباطی انه سئل
 عن الرجل يؤذن ويقيم ليصلي وحده في رجل آخر فيقول له
 نصلي جماعة هل يجوز ان يصلي بذلك الاذان والاقاسه
 قال لا ولكن يؤذن ويقيم ومرويت در موقوف از عمار که گفت
 سؤالا کردند از حضرت امام جعفر صادق ص از مردی که اذان و اقامه
 بگوید که شما نماز نکنید پس مردی دیگر بیاید و بگوید که نماز جماعت
 آيا جایز است که بهما اذان و اقامه نماز جماعت بکنند حضرت فرمود
 که نه ولیکن اذان و اقامه دیگری بگویند و بآن نماز جماعت میکنند و اکثر
 اصحاب باین عمل غوطه اند و منافات ندارد باین حدیث حدیث قوی
 ابو مریم که گفت حضرت امام محمد باقر ص پشت نمازی نا کردند و پراهنی
 پوشیده بودند و نه واد بر دوش انداخته بودند و اذان و اقامه گفته
 پس رجوع حضرت نماز فارغ شدند عرض نمود که حق سبحانه و تعالی
 شما را عافیت دهد شما امامت فرمودید بی لک و بی ردای اذان
 و بی اقامه چه وجه داشت حضرت فرمودند که پراهنی کنند و پراهنی
 بود و مرا بی لک و ردای و گذشتم جعفر و ادوات و اقامه می گفت من
 سخن نکردم و با اذان و اقامه او گفتا کردم و عدم منافات از آنجا است

که مکتب

الکامل

الامام را مانع میسر نباشد مگر کسی که ادراک اقامت آن را کرده باشد
و میگوید است که نایب سازم و میگوید خجسته و در هیچ استیلا بن خالدا حضرت
امام جعفر صادق ص و آمده است که فرمودند که نایب ننگه کسی که سبوق
شد بیکار است و در حق این حضرت صلوات الله علیه منقولست فرمود
که سزاوارست که مقدم داند مگر کسی که ادراک اقامت کرده باشد
و خواهد آمدند بر وی و میفرماید **مَنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنْ سُبُوحِ رَبِّهِ فَكَانَ سَائِلًا لِلرَّحْمَنِ**
عَلَيْهِ سُبْحَتُكَ مَعَ اِيَّامِ قَوْمٍ بِقَدَرِهِ ثُمَّ رَفَعَ لِسَانَهُ قَبْلَ اِيَّامِ قَوْمٍ
يُحْدِثُ رُكُوعَهُ مَعَهُ و در حسن منقولست زنه بن ابي اسحق ثقه كه گفت
سؤال كرد در انحضرت امام رضا صلوات الله عليه از كسي كه بروك رو
با امام قومي كه اقتدار با و توان كرد انكه شمعها عال باشد پس سر بردارد
پيش از امام حضرت فرمودند كه حربه ديگر كوچ ميروند امام سر بردارد
و جهرين منقولست همچو علي بن يقطين انحضرت امام موسي كاظم
صلوات الله عليه و حمل كرده اند هر دو خبر را بر صورت نشيان چو
در موقوفه است همچو منقولست زغيات كه گفت سؤال كردند انحضرت
امام جعفر صادق صلوات الله عليه از كسي كه پيش از امام سر بردارد آيا
بر كوچ ميروند اكرا امام دير سر بردارد حضرت فرمودند كه نه ممكنست
كه دو خبر از او را جدا بر استحباب كنم و اين خبر را بر نفی وجوب و على
اق حال دلالت بر آنكه زيادى ركوعى سهوا و نماز جماعت سبب
صلوة نيست و همچو نيل ستا كه راورد و نشيان پيش از امام بروك رو
سر بر مي دارد و اما امام بروك ميروند چنانكه در موقوفه است همچو ابن
فصال منقولست كه گفت نخواستم بخندم حضرت امام رضا صلوات الله عليه

در خجی که در عقب امام عادل باشد و غیر این امام بر کوع و دود بجان آنکه
بر کوع و رفته است چون دید که امام بر کوع نرفته است سر برد
و با امام بر کوع و رفت آیا این تکرار کوع و رفته را فاسد میکند چنانچه
نوشته اند که نماز خود را تمام میکند و یکبار کوع سبب فساد نماز
غیر شود و سَأَلَ الْعُقَلْبَانِ لِمَا رَأَوْا عَبْدَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
رَجُلًا صَاحِبَ إِيْمَانٍ يَأْتِيهِمْ نَزْرٌ رَفِيعٌ يَأْتِيهِمْ مِنَ الْجُودِ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ
أَلَا يَأْتِيَهُمْ بِأَنَّهُ مِنَ الْجُودِ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ قَالُوا لَا نَعْلَمُ قَالَ فَكَيْفَ وَدَر
حَسْبِكَ الْيَقِينُ وَخُذْ نِزْرَ دُرِّ قَوْسِ الْيَقِينِ لِي فِي الْيَقِينِ أَرْفَعُ لِي
و در بعضی روایت کرده است که گفتند سؤال کردیم از حضرت امام
صادق صلوات الله علیه از خجی که نماز کند با امام عادل و سر
مجود بردارد پیش از آنکه امام سر بخود بردارد حضرت فرمودند
که باید بجمود رود و در حدیث موثق نیز وارد است از حضرت امام
عزیز صلوات الله علیه همین مضمون و عمل اصحاب برینست و در
عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَالِمٍ أَنَّ سَمْعَ بْنَ كَثِيرٍ قَالَ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
عَنْ جَدِّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَجُلٌ قَامَ عَنْ نَسَائِهِمْ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ
يَسْمَعُ إِذَا عَلِمَ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ قَالَ كَيْفَ لِي بِعَيْنِهِ رَوَاهُ
کرده است کثیر بن سعید و شیخ در قوی از حسین رفته اند
و در بعضی از نسخ یسار و هر دو یکی اند خلاف
و در نامه پده و اوست که گفت شنیدم که خجی از حضرت
امام رضا صلوات الله علیه سؤ کرد یا میگرد از خجی که نماز
کرد در جانب شخصی و از جانب چپ امام است و امام علیه السلام

دانشگاه آزاد

بعد از آنکه زنان سر بردارند و عبارت علامت پیش از این است احتیاط
 این معنی ندارد و عبارت فتنه احتمال این دارد که هنگامی روان تنگ بود که
 زنان سر بریدند پیشتر نظر ایشان به صورت مردان می افتاد چون اگر
 زیر جامه باخی کنند در بلاد حاره و معنی قدامت طهر است و احتمال دارد که این
 حدیث دیگر باشد چون فی الجمله اختلافی با آن حدیث دارد ولیکن
 اظهار اینست این تغییرات تصدوق شده باشد و نقلی بالمعنی کرده باشند
 از نسخ شده باشد و سَأَلَهُمْ عَنْ صَلَاتِ الْمَرْأَةِ عَلَى صَلَاةِ الْمَرْءِ فَقَالَ
 عَنْ الْمَرْءِ هَلْ تَوَمَّ الْمَرْءُ قَالَ تَوَمَّ مِنْ قُلْتُمْ فَلَا فَلَاحَ فِي الْمَكْتُوبَةِ
 فَلَا وَلَا تَقْدَمُ عَلَيْهِمْ وَلَكِنْ تَقْوَمُ وَتَسْطِطُونَ وَبِاسْمِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
 انهم نام که گفت از حضرت امام جعفر صادق ص سوال کردم از زن که
 آیا انامت زن است و می تواند کرد حضرت فرمودند که انامت زنان نیست
 کرد و نامیکند در نماز نافله و لما در نماز واجب امامت نمیکند و در
 سنت که میکند بیشتر از زنان نمی ایستد بلکه در میان ایشان
 می ایستد و ظاهر امر از نافله نماز غیرین است و نماز استقامت
 و نماز را که سفر باشند اعاده کنند بجماعت چون خواهد آمد
 که نماز نافله را بجماعت کردن بدعت عمر است و همچنین صفوف
 منقولست در صحیح سلیمان بن خالد و صحیح حلبی از حضرت
 صلوات الله علیه و اخاریت صحیح و قویه وارد شده است
 بر جواز امامت زنان که حکم کنند آنها را بر نافله با نماز
 میت و حکمت که حکم کنند این اخبار را بر آنکه اگر مردی باشد که
 امامت ایشان کند مکروه باشد که زکات امامت کند و روئی نمره

پسرها باشند ایشان در صفی پیش از نصف زمان بازواید اگر چه پسر
 نبندگان باشند چون مرد مقدم است بر زن و احادیث در بعضی کثرت
 و دوی دأودین **لَحْصِينَ عَذَّةً أَنَّهُ قَالَ لَا يَوْمَ الْحَيَّةِ الْمَأْفُورَةِ**
يَوْمَ الْمَأْفُورَةِ حَيَّةٍ قَاتِلِ الرَّجُلِ يَتِيٍّ مِنْ ذَلِكَ قَاتِمٌ قَوْمًا
خَافِينَ فَإِذَا أَمَرَ رُكْعَتَيْنِ سَلَّمَ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ أَحَدِهِمْ فَقَدَّمَهُ
قَامَهُمْ فَإِذَا صَلَّى الْمَسَاءَ فَوَلَّخَتْ قَوْمٌ حَقْوَهُ فَلَيْتُمْ صَلَوَاتَهُ رُكْعَتَيْنِ
وَيُسَلِّمُ و مرویست بقوی از او **وَاللَّحْظُ** هم ولیکن شیخ مدویند
 هم روایت کرده است از بعضی که از اهل اجماع است از داود از ابوالعلا
 فضل بن عبد الملک از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و آله
 که آنحضرت فرمودند که امامت نمیکند حاضر مسافر و امامت نمیکند
 مسافر حاضر یعنی با وجود مائیل بقرینه آنکه فرموده که اگر کسی را
 شخصی آنکه مائیل نباشد و مسافر امامت حاضران کند پس چون دور
 تمام شود امام سلام میدهد دست یکی از حاضران را میگیرد و او را پیشانی
 میدارد و امامت ایشان میکند و مأموران قصد میکنند در اثنای نماز
 که اقتدا باین امام میکنند و چون مسافر در عقب حاضران نماز کند
 چون در رکعت نماز کند سلام دهد و در تهنیت این دنیا در هست
 و در حدیث که اگر با ایشان نماز ظهر کند پس در دو رکعت و الا اقتدا
 کند ظهر را و در دو رکعت آخر عصر را اقتدا کند و قد روی آنکه این
 خانی عوفیه بین اجل من یصلی معی صلی لک عین الاخرین و
 جَعَلَهَا أَطْلُقُهَا و در موثق از جلی منقولست که او سوال کرد از حضرت
 امام جعفر صادق ص از مسافر که داخل شود با مقیمان در نماز ایشان

که فرمودند که مسافر در عقب غیم فانی کند و اگر مبتلا شود بان بآنکه مسافر
نباشد که با وقت کند پس در وقت خود ایستد و روانه میشود و این
عبادت صحیح ابو بصیر است و باقی قریب بایست و هذه الاخیار
لیست یحکمت فیها یاخیار یا بیها آخذ جاز صد و مایه
که اگر چه حجب ظاهر اخبار مختلف است ولیکن بحسب احوال
و نماز گذارند و مختار است بمرکز از اخلاص که خواهد علم کند و دوی
عبدالله بن الحنبله قال کان منصور بن حازم یقول اذا انیت الیما
وهو جالس قد صلی رکعتین فیکسر ثم جالس فاذا فطنت فکبر و
در صحیح و حسن صحیح منقول است از عبد الله که منصور همیشه گفت
که هرگاه با امام رومی و او در رکعت فاذ کرده باشد تکبیر را بر سر
و بنشین پس چون برخیزی تکبیر را حرام مرسته دیگر بگو و این قول
اگر چه ظاهر است که فضلاء ایجاب بر پیش خود نمیکند گفته اند
تا بعضی ایشان ترسید باشند ولیکن هرگاه معارض داشته باشند در نماز
مسند میکنند و اگر چه ممکن است که حال کنیم این سلام را بر کسی که بعد
ادراک فضیلت جماعت تکبیر بگویند و بنشیند و چون امام سلام دهد
در بیضورت البته تکبیر میگوید و جایز است که سلام ندهد و گفتا
تکبیری که گفته است کند چنانکه در موقوف از اخبار منقول است که گفت
سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که
او را کند امام را در نشیند و اقترا کند و باشد با امام مکرر بخیزد که
دو دست راست او باشد حضرت فرمودند که امام پیش میرو و ماموم
پس نمی آید ولیکن این ماموم که آخر داخل شده است میشنید با امام

درود

و چون السلام میدهد بر بخیزد و نماز را تمام میکند اگر چه اول است که نشیند
و ایستاده باشد تا چون سلام دهد نماز خود تمام کند چنانکه در موقوف
دیگر از اخبار منقول است اگر چه ظاهر است که در وقت نماز اول امام را در ایستاده
باشد و بنابرین فرق خواهد بود در ادراک تشهد اول یا دوم و بعد از تشهد
اما در رکعت دوم و آخر و قال الصادق صلوات علیه عنک من الفاعله
اذا کنت علیهم مثل حدیث النفس شیخ کا لفتح و ابی کریم و است از حضرت
صلوات الله علیه فرمودند که بحسب نیاز از قنوت هرگاه با سنیان نماز رفته
مسند خطوبه یعنی در نهان است و در حدیث صحیح از علی بن قطن
منقول است که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه
از شخصی که در عقب سنیان نماز کند و امام قنوت را بلند بخیزد چنانکه حضرت
فرمودند که خود از حجه غره قنوت کن و اگر شنوی قنوت را را کی نیست و من صلی
خلف الخلف قدراً التیوم و لم یجد قلیوم راسه و کسی که در عقب شی نماز کند
سوره سحر را بخواند و بعد از سوره ماموم در آستان نماز بسرا یا میکند بقیه
و بعد از نماز احتیاطاً سحر صحیح بخواند و رجاء که اخبار معتبره وارد شده
و گفت و آله کب الامام علی بن الحسین علیه السلام قال ان من خلفه الخلفه
رب العالمین و یخوضون احوالهم کسبی کا لفتح از جبریل و ابی کرده است
و ظاهراً است که حدیث از کتاب جبریل بر داشته باشد و بنابرین صحیح خواهد
با آنکه اصحاب حکم بعضی آن کرده اند که گفت سوال کردم از حضرت امام
صادق صلوات الله علیه که ماموم در عقب امام هرگاه او بگوید سحر
پس بخیزد چو بد حضرت فرمودند که میگوید الحمد لله رب العالمین و آله
میگوید یا از حجه نشیند یا از حجه است که مومنان همه از کار راه گشته

وامام بلند گوید و جمیع جنین فحش اند که ماموم سماع الله علیه
و این دلالت منوع لغبات و ضعیف است باجماع اصولیین و عمومیات
آن بحال خود است باجماع و اینک آنکه کمال و کمال است و اگر باستان ما
کند این عبارت را گوید که ترجمه اش اینست که ای برو که کار ما از است حدود
این عبارت از حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرين صلوات الله عليهم باریس
علای شعبه انجمله بدیع عامه میداند اگر گفته باشد میگوید و آفرایه
خلاف در بطلان نماز و ظاهر باطل باشد چون مطلق ذکر و دعا مطلق
بلی اگر قصد مطلوب است خصوص این ذکر که افرا بر معصوم بسته خواهد بود و
رسول الله صلی الله علیه و آله من صلی یوم فاحض یسک بالکفر و یوم هت
حاکم روایت کرده است شیخ در توفی از حضرت صلی الله علیه و آله که فرمودند
که هر که اما جمع کند و خود را مخصوص سازد بعبادت و از جمعه مامومین دعا کند
چنانست که خجاست کرده است ایشان را چون فی الحقیقه بنیات ایشان مشاجات
لخاف من سجاده و تعالی تعلیم خلافت فرموده اند در سون حد در آنکه میباید تا
آخر و اولی آنست که هر عانی که مقرر باشد بلفظ جمع بخواند و الا قصد ماموم
بکند و بهیتر آنست که قصد جمیع مومنین بکند و روی ابو بصیر عن احمه مطلق
الله علیه و آله قال لا تسبیح الا امام دعا و لا تحلقه و مرویست در معنی از ابو بصیر
از احمد صلوات الله علیهما که فرمودند که میتوان با امام دعا و یا که در
عقب امام بلکه مطلق ارکان را بخواند در جمیع از ابو بصیر از حضرت امام
صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که سزاوار نظر با امام است که شب
با مومنین هر چه خواهد و گوید و سزاوار نیست مامومین را که هر چه بخواهد
و غیر این از اخبار که گذشت و قدر روی عن ابی کربن ابی سنان قال صلیت

خلف از عبد الله صلوات الله علیه الخیر فلما فرغ من قرائته الثانیة جهر یسبح
تخویرا کان یسبح و قال اللهم اغفر لنا و اغفر لنا و اغفر لنا و اغفر لنا و اغفر لنا و اغفر لنا
و بسند فیه منقولست از ابو بکر که گفت در عقب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
عیدنا صبح را کردم پس چون از قرائت رکعت دوم فارغ شد با و بلند ماند و بقی
که بکند خوانند بودند این قیوت را خوانند اند و ترجمه اش اینست که خدا و بلند بماند
کاهان ما و در حق ما را و عافیت ما و ما را و عفو کن ان کاهان ما و در دنیا یا الکلام
عفو بر نامه اعال سینه ما کنه و در اخوت که مواخلة نمایم ما را بر هیچ کای و شیخ
این روایت را بنید صبح روایت کرده است از ابو بکر که حضرت در قیوت و تران
عبارت را فرمودند دعا های قیوت گذشت و همین قیوت گذشت یا زیاده
ای علی کل شیء و روی جعفر بن محمد بن الحنفی عن ابی عبد الله صلوات الله
عنه قال یسبح للامام ان تجلس شیء یوم من خلفه صلوات الله و در صبح بخواند
از حضرت از حضرت امام جعفر صادق که فرمودند که سزاوار از حضرت امام است که بکند
عید از سلام تا جمیع که در رسالت ما زها و خود را امام کند و بهیتر آنست که
کا الصبح یسبح بن ابی فی القی و بر حکم و بسبیل استغفار است چنانکه خواهد آمد
و شیخ للامام ان یسبح من خلفه التمدید و لا یسبحه غیره شیخ همین عبارت صحیح
بن الحنفیست و صحیح و بسبب است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که
سزاوار است که امام بنشیند پشت به مومنین و سزاوار است که مومنان هم جز را بخوانند
میگوید امام بنشیند پشت به مومنین و بسببهم ایضا السلام علینا و علی آله و الله اعلم
ظاهر عبارت صلوات که در حضرت ان قبل شهادتین است و سبب امام یاقوت
اینست که در حدیث چنان ابو بصیر منقولست که گفت در عقب حضرت امام صادق
صلوات الله علیه فارغ شدم چون با شرف بلند شد از حضرت دعا خواند و بلند کرد

[illegible]

یا خود دعا کند پس کی ایام صبر کند و بجزیره و جزیرت از کلاه مخصوص هرگاه
ایام که مسبوت هست و اگر اندک مسبوت هست احوط است که بجزیره و جزیرت از کلاه مخصوص
ان حضرت امام جمعه صادق علیه السلام بمقتولت که هرگاه امامت کند جمیع روزها است که
ایام از سلام بشکند و از آن موضع بیرون رود و تا مسبوتان غایب شوند از تمام کند و این
بر هر امام واجب است هرگاه دعا که مسبوت هست و اگر اندک مسبوت هست و اگر اندک
مسبوت نیست بر هر امام که خواهد بود و در حق کمالیست از انحضرت صلوات الله علیه
که فرمودند که سزاوارست که امام بجزیره بعد از نماز تا که مسبوتان غایب شوند دعا کند
و در حق کمالیست از انحضرت بمقتولت که فرمودند که چون امامت جمیع کند بعد از نماز
الله که پیش از دو وقت غار وارد است که جایز است که بجزیره پیش از نماز تمام نماز
مسبوتین و ازین سبب اگر نماز قابل شک باستحباب صبر و الله تعالی هم در کمال رضایت
عنه یَرْشَدُ الْخَلَاءُ أَنْ تَحْتَ مَسْکُ دَمِجِ اَوْ فَرِحَا بِمَنْقُصِ الْوَضْعِ اَوْ دُونَ
اَلْکَ عَلَى عَیْرِ وَضْعِهِمْ فَاِنْ اِنْ اَحَالَ كُنْتَ فِي الصَّلَاةِ وَ تَدْمُ رَجُلًا یُقْبَلُ بِالْعَمَلِ
نَفِیةً صَلَواتِهِمْ وَ تَوْضِیاً عَلَ صَلَواتِهِ وَ بَدَمِ کَحِ سَحَابِ نَوَی اَوْ رَافِعِ وَ خَشَوُ
بَادِ نَوَی دَوْرَ سَالِ کَسْبِ مَوْفِیةً نَوَی دَوْرَ کَ اَوْ اَدِیةً اَوْ اَنْ اِنْ اَحْلَافِ اَوْ
صادر شود و از شایگان یا باطلین رسد و وضو دایم پس سلام ده و در هر حالتی
باجازه دعا و تحمیل از کاموین که اهلیت امامت داشته باشند پیش بدارد که
پیش از دایم موم کند و در حقیه غایب ایشان که امامت است و وضو ساز و نماز و اقامه
کن و احادیث صحیحیه بر یقین و وارد شده است و اَلْاَمْرُ اَلْوَسْطُ صَلَواتِهِ
عَلِیْهِ مَا کَانَ مِنْ اَلْاَمَامِ اَلْقَدَمُ فِی الصَّلَاةِ وَ هُوَ خَیْرُ نَاسِیَا اَوْ اَخَذَتْ حَکْمًا
اَوْ عَقْدًا عَاقِبًا اَوْ اَدْرَاغَ نَظْمِهِ فَمَنْ عَمِلَ اَللّهُ فَمَنْ عَمِلَ اَللّهُ فَمَنْ عَمِلَ اَللّهُ
بَدِ دَخَلَ قَلْبِهِ مَسْکَنًا لَمْ یُتَوَضَّاعْ لَمْ یَسْمَعْ بِرِیْسِ الصَّلَاةِ وَ اِنْ کَانَ

صحب

۴۵

یا م و دعا را ایشان به قصد نماز کردند و امام ایشان حلقه را صادر شد و دست
این داخل گرفت و مقدم داشت و امام ایشان را خواند انجا جمعیت با آنکه امام
ایشان قصد نماز داشتند و نماز نیست صحیح نیست محض و میباید که سوال و ریت
کند که داخل شود با قرینه دعا را ایشان و حال آنکه قصد نماز داشتند باشد بلکه سزاوار
آنست که قصد نماز کند اگر چه پیشتر کرده باشد بدینجهه و در بعضی از علما و از بعضی
و اگر قصد نماز داشته باشد البته با ایشان و اصل نشود و دعا را انجا جمعیت است
اگر چه امام ایشان باطل است باعتبار عدم بیسما هر وقت که لازم نیست که نماز امام
بحسب واقع صحیح باشد تا نماز ما موافق صحیح باشد و همین بر آنست که علم بطلان نماز امام
ناشسته باشد و ظاهر شد که سنت است اعاده نماز اگر چه پیشتر نماز کرده باشد خواه
منفرد کرده باشد یا جماعت و ظاهر شد که اکتساب و واقع ساختن صواب نماز
موجود باشد یعنی اصل آنکه خوف داشته باشد که اگر بود که در سوال باز و اوصافی
بود که در دعوت و تکبیر و اعرام میگوید و بیانی را در بعضی دیگر و مسائل علی
بن جعفر صلوات الله علیه عن امام احمد بن حنبل و فی بعضی و لم یقدم اصل الحال
الفرع قال صلوات الله علیه و الا باطام فلیق من لعنه الله علیه من ضل عن
سبیلها و دلت علی صلواتهم و با ساند صحیح منقولست از علی که گفت سوال کردم
از برادر من محض امام موسی که کامل صلوات الله علیه از امام سید و دعا را با دی
از وی شنیده و ترک نماز کند یکبار از ما موافق طاعتی باشد و ظاهر ما موافق
بجستند حضرت و میباید که نماز جماعت به امام متحقق میشود و نماز ایشان بدون
جماعت کامل نیست بلکه ما تمام صحیح از ایشان و مقدم میدانند تا بقینه نماز
با و امام کند و نماز ایشان در نمیگردد تمام است و هر چه بد و امام اقتدا کرده
باشد با جمیع از اینها و ظاهر میشود که اگر امام شخص مقدم دارد که امامان

حال اول نماز و اقامت نماز است و اینست که در نماز اقامت را با امام یا بنا بر آنکه اصل
در مسنون است عدالت با علم نفس تا نفس ظاهر شود چنانکه ظاهر کلام مشهور است
والله تعالیٰ اعلم و روی الحلی عن ابی عبد الله علیه السلام ان رسول الله صلی الله علیه و آله
ام قوما و یصلی بهم و کفرتم مات قال یقولون وجلا اخر یقول بالکفر
و یقولون المیت خلفهم و یقولون مات و یا ما یستخرج من قول از حلی
گفت سوال کردند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که ای امام ما را بگو
و بگو گفت نماز کند و بعد از آن بیرون حضرت فرمودند که ما مومنان و دیگران را مقدم بسیارند
و بنا بر آنکه گفت گذشت تمام میکند نماز را و دست را در عقب خود می اندازد که کاملها
شغول او نشود و هر که دست بدهد او رسیده باشد بعد از سر شدن غسل شستن
میکند و یا پیش از سر شدن از روی استحباب چنانکه گذشت و من یصلی قوم و هو
جنب او علی غیره و هو علی غیره الا غاده و لیس علیهم او علیهم و لیس علیهم ان علیهم
و لکن ان ذلک علیه ملک قال قلت کیف کان یصنع عن قد خرج الی الخراسان
و گفت کان یصنع عن لا یعرف قال هذا غیره موثقی هر که امام است چنانکه در امام
جنب باشد یا بی و موقوف یا با علم امانت کرده باشد بر امام واجب است که امانت دهد
خود را در وقت و خارج وقت بر مومنان لازم نیست که امانت دهد و در واجب نیست
که اعلام کند مومنان را که بیرون نماز کرده ام و اگر مومنان بیرون بیرون هلاک باشد
و او بیرون از روی تأیید سخن حضرت گفت عرض نمودم که اگر لازم بیرون بیرون
باجب که ایضا بشهرهای دور و دفرودند مثل خراسان نظر بکنند یا نه بنده حقیر
باجب که این را نیشناخته حضرت باز فرمودند که اعلام بر وقت و حق سحر است
از وضع کرده است این روی غیر عبادت اظهار است که کلام حلی باشد بقرینه
قال قلت و حکمت که حدیث صحیح زاده باشد که مد وقت نقل الحنفی کرده باشد و

و یصنعون

باینه ما کذا حد و سوره بخواند چنانکه ظاهر صحیفه ابن وهب و تفسیر طبرانی است و اگر در وقت
قراعت وارد شود و دهگت خواند که دست است کرده و دهگت استخوان خود را بر طحال بخواند چنانکه
در صحیفه کاتبی بخواند غدا فرست و وَمَنْ لَبَسَ الْإِمَامَ فِي مَوْضِعِ بَيْتِ النَّبِيِّ
فَمِنْ حَاجَةِ وَتَقَرُّ أَهْلُهُ وَكَمْ جَلَسَ عَلَيْهِمْ وَكَبَّرَ مَا مَامَ نَادَكَ وَمَسُوقَ نَشَدَ لِمَامَ
او را بشناید در وصف که در ام است که باشد مثل آنکه دهگت در پی امام باشد و دهگت
اول افواخ بشنید و بر سر او دست نشیند ناظر بر او باشد که دهگت ادا اوست و این
عبادت مقبول حدیث صحیح عبد الرحمن بن حجاج است که گفت از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام پرسیدم که در دهگت در پی امام حق خود را بامام و در وقت که امام
در تشهد نشیند او بکند جعفر فرمودند که بجا آید گذارد و دست نشیند بغیر بر سر او
بشیند بی چون برکتیستم امام رسد که دهگت در پی او است و امام و جعفر او بشنیدند
و تشهد بخواند و بر سر او و طریقی خود را بامام و در سوره که در دهگت در پی امام جعفر خود
بر سر او بشنیدند او را است که در هجتم تا بعد امام تشهد را بخواند و همین وقت بخواند
چنانکه در احادیث معتبره وارد شده است و رَوَى عُبَيْدُ بْنُ دُلَّاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
صَلَّواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحِمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ عَنِ النَّبِيِّ فِي رَجُلٍ قَامَ فِي
الْإِمَامِ مِنْ النَّاسِ ثُمَّ كَرِهَ أَنْ يَفْعَلَ دَهْجَةً قَالَ يُبَدِّلُ دَهْجَةً وَاحِدَةً
و کاتعجب و در جمیع از حدیث منقول از حضرت امام صادق علیه السلام و در این صحیفه که داخل
شود در غایب امام و امام از روی که دهگت کرده باشد بر چون امام از غایب
فایده او نیز بریزد و بر او موم زعفران شود و بر بخاطرش رسد که بیکت کرده است
نموده است حدیث فرمودند که بیکت و بیکر نمیکند و برین حدیث از احادیث
صحیفه که است و هر که احادیث را بداند که است بر او فعل بخواند در وقت بخواند
و اگر دعا از کتاب است صادر شده باشد یا حدیث حکم از صحیفه جعفر

۴۲۳
گفت عرض نمود محض امام جعفر صادق علیه السلام است که میفرماید که این کتاب
که در آن و چون او سلام داد فرمود که سلام و درودم و سلامم را بر شما تمام
و شستم و تعجب و ذکر الهی و آیتان طاعتی و چون برخاستم تا محکم رسید که گفت
نمود امام که بومده محض فرمودند که اگر دو هم از این رسد که در کتابی و اگر از این
جمله دیگر در فایده باشد باز از او بخواه که در کتاب و در کتاب و از این
الْقَدِيمَةِ وَ تَعْلُوهُ دَعْوَتُكُمْ إِلَى اللَّهِ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُ عَلِيمٌ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ تَعْلُوهُ دَعْوَتُكُمْ إِلَى اللَّهِ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُ عَلِيمٌ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ
فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَظِيمِ وَ تَعْلُوهُ دَعْوَتُكُمْ إِلَى اللَّهِ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُ عَلِيمٌ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ
ابن و در صحیح مذکور است که حضرت سلیمان علیه السلام فرمودند که در صحیح است که
و در زمانیکه از ایشان پرسیدند که این کتاب را چه رسیده است بعد از آن که فرمودند که آن
چند از هر دو را با هم آورده است محض فرمودند که در این کتاب است که از او را اعاده کند
و ظاهر این حدیث نیز حدیثی است که کلمه شیخ روایت کرده اند و در صحیح الجامع از ابن
ابن عباس را بعضی از اصحاب را و از حضرت سید مرتضی که در این کتاب از ائمه اربعین است
با اسفهان و دهقان و اما از آن بعد از اتمام این میگویند چون بگویند رسیده
دانشمند که در حدیث محض فرمودند که آن کتاب است که از او را اعاده کند و از او را
با کرده اند و محتملست که عبارت صلوٰه عبارت کتاب زیاد باشد و نظیر کتاب زیاد
فَعَلَى الْحَمْدِ بَارِئَاتِ جُنْجُنِ اخْتِلَافٍ هِيَ حَبِيبُ الْقَوْلِ وَاللَّهُ تَعَالَى وَ سَمِعْتُ حَمَامَةَ بْنَ
مَنْبَاهٍ يَقُولُ سَمِعْتُ اَبِيهِمْ اَعَادَةَ عَنْهُ وَ تَعْلُوهُ دَعْوَتُكُمْ إِلَى اللَّهِ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُ عَلِيمٌ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ
بِهِ يَجْعَلُهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَوْجِدِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُ عَلِيمٌ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ
و صدق میگویند که از این است از استادان خود شنیده ام و در مسئله نماز در فقه که
که اعاده میکند نماز جمعه را و اعاده میکند نماز اخفایه را و حدیثی که در فقه است

و کذبت و بیک آن علامه را از علم بیرون و باغی داد که اگر اکرانم می کرد و کرام
 بجای د کرامت چنانکه در حدیث آمده است و همین ضامن قنات معلوم است
 و چنانکه در امام قزوینی باطل خواهد بود و این است که چنانکه گفته اند و الله اعلم
ابو بصیر عن الصادق علیه السلام حين قال له انتم من الامام المصلوة فقال
لا نقول بضمين لبري خلائف غيرنا و غیر اینها مصلوات الله علیه لان الامام هدی
 المصلوة من خلائف حقه فیه تبیین شیعی و منها غیر تکبیرة الا شایع و لیس بضمین
 لما یزید که امام مصلی و غیره و غیره و و هو قوله ان من على الامام صان الامام
المصلی بالقوم و اینها حدیثی است قبل آن بجهت او و ان الله على خلقه
و امرا و غیره که آنرا روایت کرده است چنانکه در حدیث است و باین بنده شیعی
 از انصاف من علیه که ابو بصیر گفت عرض نمودم باحضرت که ای امام صانع امامان
 حضرت فرمودند که ما ضمنت این خبر مخالفت ندارد با حدیث عاز و حدیث امام
 رضا صلوات الله علیه با آنکه هر طایفه ضامن نبوده و بگوید از زبانی که آمده است
 که امام ضامن مولا می شود معلوم غایب تکبیر احرام است چنانکه گفت و اینجا روایت شده
 که ضامن است و روایتی که ضامن نیست چنانکه امام علی علیه السلام از آن خبر روایت
 و باین وجه روایت شده است که امام ضامن نیست یعنی در عهد امام شریف که آنرا
 که بسیار است که حدیثی از او روایت شود یا غیره پس در حدیث است با و منو
 و عنه قوله ان الله اعلم ما رواه محمد بن قيس عن ابي بصير عن الصادق علیه السلام
قال سألته عن رجل يخطب بقرم و كسبتين ثم اخبرهم انهم ليسوا على حق
قال نعم القوم ضلوا هم فانهم ليسوا على الامام فان جاز بهم الله صلوات الله
عليهم عن ان يكون اخبارهم مختلفة الا اختلاف الاجل و مصلدق
 این قول حدیث صحیح است که روایت کرده است از ارجح از زبانه از حضرت امام

نام بخت یاد و فرخ و در آن باشد خنوف و خود بد که کما که نیت که سوال دخت کند نوح اله
دخت و بنای بخلاورد نوح اله غلب و از حق سبحانه و تعالی سوال کند بخت را و در موقوف
کامال صحت از انصاف و منقولست که فرمودند که سوال را نیت که چون فارغ گردان
بآس سوال بخت رسد با خنوف و در احوال از حق سبحانه و تعالی طلب کند بخت را بخت را
و بنا بر حق سبحانه و تعالی از آنش و غلبه بخت در حق سبحانه و تعالی بن عبد الله الرحمن الرحیم
عنه صلوات الله علیه الله قال من سألني بغير حق سئل ان شاء الله
فصلی معهم خرج محضاً عنهم و کما الصالح منقولست از حق سبحانه و تعالی که
نیت از نیت های فائوس که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هرگاه که
در مسجد به از مساجد سنیان و با ایشان از روی نیت نماز کند چون بیرون آید
حسنات تقدیر برایشان از با خود بیرون آورد بخت که نیت می شود چه صواب می شد
همانطور که ادا حق سبحانه و تعالی بخت که است فرماید و در حق سبحانه و تعالی که نیت
در حق سبحانه و تعالی بن سنان عنه صلوات الله علیه انه قال من سألني بغير حق سئل ان شاء الله
معم و هو على وضوء الا كتب الله له حسنة او غير ذلك و نیت که در حق سبحانه و تعالی
منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هرگاه که در وقت نماز کند
تفادع شود بین مساجد سنیان و در با ایشان اعاده نماز کند بعنوان نیت و این
تا قیام نماز ثواب داشته باشد و اگر نیت ثواب نیت داده و توان نماز ندارد التماس
سبحانه و تعالی می فرماید و در آن عمل اوست و نیت که در حق سبحانه و تعالی که نیت و نیت نماز
باشد چنانچه از حق سبحانه و تعالی که است کند بر نماز که در با نیت عادل و قال له انما
ان على الله سئل ان سئل بغير حق سئل ان شاء الله و قال له انما
فانما استعمل الصلوة فخرج فاصبح معهم فقال اما ترفعون ان محبت الله
بار و نیت و نیت صلوة و در حق سبحانه و تعالی که نیت منقولست که هرگاه که نیت نماز کند

انصاف

الحق

احتمال سینه و شنبه هر دو راجع و در وقت معاویه بن شیبان عن ابی عبد الله علیه السلام قال اذا جاء الرجل مبادلا ولا ایتام ولا یتیم اجزأه بکسر و لا حاکم لا یخول فی القلوب والکلیف و کما تصحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هرگاه شخصی رسید و میخواست که ادراک نماز جماعت کند و امام در رکعت چهارم است او را یک تکیه از جمعه داخل شدن و دعا و در آخر رکعت و قصد هر دو می تواند کرد یا آنکه اگر تفصیل بکند بگوید ایتیم بکبر بکسر و بکسر چون وقت تنگت و این اظهار است اگر چه اول هر است از اول تکبیر رکعت بزرگتر باشد و بعضی و غده کرده اند که یک فعل چون تواند بود که واجب و سنت باشد و این سه است زیرا که جایز است بد و اعتبار مثل نماز واجب نه در مسجد و یا جماعت واقع ساختن و نماز طفل و بالغ کردن و دعا و نیت و سر آوردن الإمام و هر صاحب کبر و محمل معه و لم یعتد بها و کسی که ادراک کند امام را در سجده تکبیر بگوید یا ابی حمزه در وقت نماز یا آن سجده یا آن نماز کند بلکه سلام میدهد و نماز را از سر بگیرد اگر در سجده آخر رکعت باشد و اگر نه در رکعت دیگر یکی از احرام بگوید چنانکه در حسن کالتصحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرموده هرگاه امام را در باطن نماز رکعت و یا امام بسجده رود و این سجده را حساب مکن بلکه همین متابعت امام است در هر رکعتی که باشد و چون بخیزد امام مرتبه دیگر یکی از احرام بگوید و حدیث صحیح از محمد بن مسلم منقول است که گفت یا جعفر عرض نمود که در چه وقت ادراک نماز کند با امام حقوق فرموده که هرگاه در باید امام را در سجده اخیری ازین و ادراک کرده است فقیهت نماز جماعت و سر آوردن الإمام و هر که از کعبه الاخیوه قد ادراک فصل الحائره و هر که

در باید

در باید امام را در رکعت اخیری از رکعت چهارم ادراک کرده است فضل نماز جماعتی که در غده خواند و گفت محسوب و باید از سلام امام بجا آورد و اگر در با امام را در رکعت آخر مشهور است که ادراک میکند و اجابت صحیح است و در شک است و گفته و اخباری که و ادراک شده است که در پنج یک مجهولت برانده جمعه چنانکه خواهد آمد یا مجهولت برادران کمال فضل که انرا در پنج یک باشد و ادراک و قد رفیع و ناسه من الصحابه الاخیوه و هو فی الشبه قد ادراک الحائره و کبر علیه اذان و لا اقامه و من ادراک و قد سمع فقیه الاذان و لا اقامه و کسی که ادراک کند در وقت که سر از سجده آخر بده شده باشد و در شتمند باشد ادراک فقیهت جماعت کرده است و لیکن ادراک نماز جماعت کرده است و پروازان و اقامه نیت و کسی که ادراک کند امام را بعد از سلام بوقد اذان و اقامه او صفها متفرقه شده باشد چنانکه گفت و اگر صفها متفرقه باشد باشد پروازان و اقامه میگوید استجاب یا چنانکه ظاهر موقع نماز است و صحیح و موثق کا تصحیح از ابی بصیر منقول است که گفت عرض نمود جعفر بن امام جعفر صادق علیه السلام که هرگاه شخصی داخل مسجد شود و مردمان نماز کرده باشند آیا اذان و اقامه میگوید حقوق فرمودند که اگر داخل شود و صف متفرقه نشده باشد باذان و اقامه اینان انگامیکند و نماز میکند و اگر صفها متفرقه شده باشد اذان و اقامه میگوید و در موثقی از نماز منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال کردند از شخصی که امامت جمعه کند آیا جایز است که در در احوال مانند معاویا اذان بگوید و اذان در بغل در آورد و در صف فرمودند که جایز نیست مگر در در احوال که با لاتجاههای خود هر چند جاهای بسیار پوشیده باشد چون ابن علی امام را جایز نیست و اذان حقوق سوال کردند از

شخصه که او را کذا امام داد و وقت سلام حضرت فرمودند که بروت که از آن
 واقعه که بود و نماز و ادب و کبریا این حدیث را حکمت که حکایت و صورت تفرق
 باین جزو و در متون و آثار و منقول است گفت از حضرت س سوال کردم از این
 که در باب امام داد و شهادت و در عقب امام نباشد مگر یک از دست راست امام
 حضرت فرمودند که امام پیش میروند و آن امام اول پیش آید که صف شود
 و بکنایه امام آخر می نشیند و در عقب امام و چون امام سلام میدهند بر میخیزد و عبادت
 تمام کند اما اگر امام داد و شهادت اول در ایستاده است که چون امام سلام
 داد و شهادت نشیند چنانکه دلالت میکند بر این مؤلفه غار را از حضرت س و کبریا
جاء عثمان بن عفان في مسجد في صلوة واحدة فقله روى رجل بن ابي عمير عن ابي
علي الحارثي قال قال ابي عبد الله صلوات الله عليه فانه رجل فقال
صلينا في مسجد الحارثي فصرخ بعضنا لبعض في التسبيح فدخل علينا
رجل المسجد فاذن فبصاه و قدما عن ذلك فقال ابا عبد الله صلوات الله
عليه احسنتم او قموه عن ذلك وامنوه اشد المني فقلت له فان دخل
جماعة فقال يقولون في ناحية المسجد ولا يبدون لهم امام و جابون
دوران فاجت و ذلك مسجد و ذلك نازد ليل الا كمنقول است و صحیح از رجل از او
 که مجهول حال است و گفت ما بیخود خدمت امام جعفر صادق بودیم که شخصی آمد
 و گفت ما آثار صحیح داریم بعضی رفته و بعضی نشتن و مشغول شمع شدند
 و در عقب ک شخصه داخل مسجد شدند و اذان گفت و راسع کردم و یکم شد که از آن
 یکم حضرت فرمودند که خوب کردید که یکم از یکم که مرتبه یکی از آن یکم و وضع
 یکم نیست برین مراتب معین پس عرض نمودم که اگر چه داخل شوم و وضو اند
 که نماز کند چکنند حضرت فرمودند که اگر چه مسجد را نشتن و بعضی نه در جای امام

حلیہ

حق شناس باشد و چنان کند که چیزی از واقع شود از قرآن پس از امام بنی و از آن
و دیگر در راه او بر یک معرود و تامل دارد و می گوید و در جمیع بخواند چنانکه در صحیفه است
از حضرت امام حمزه را فرموده و در خانه است و در مجلس از بنی از ایشان که وارد شده
و نوشته است تحت حضرت امام حمزه فی مسأله که در آن صحیفه که در دست حضرت امیر
المؤمنین است صلوات الله علیه و آله و عقیقه از این است که صحیح برآمده است و این است که از امام
مسئله را و لیکن صحیح نیست و ثبوت حضرت نوشته است که این صحیفه صحیح است و در آن که در بنی
چنین یک از آن و اما از آن صحیح خود بخوبی قرآن است و خود یکی و از آن بنی از آن
شوی به شیخ بخواند واقع شود و صحیح از این ابی حمزه را و اینها را بنی بر سر خط
یعنی منقول است که گفت عرض نمودم حضرت امام حمزه را بنی که در کعبه و خانه امام
و در قبله است و فرموده از ایشان و امام ایشان را حضرت امیر محمد علیه السلام و اینها
میکنند از شما و از شیعیان و شما و در میان ایشان است ائمه ایشان که حضرت فرموده
که ائمه امام ایشان بنی از ایشان که فرموده از ایشان که حضرت فرموده از ایشان که حضرت
سوال خواهد کرد که از حضرت شنید که خبر خواهد داد و از بابی که حضرت از حضرت بنی
بنی را خواهد گفت بفرموده از آن خبر خواهد کرد و فرموده از آن خبر خواهد کرد و فرموده از آن خبر
فرموده و فرموده از آن بنی سپید نمیدانم و فرموده از آن بنی سپید نمیدانم و فرموده از آن بنی
گفت حضرت امیر است یا بنی فرموده است و لیکن من از آن حضرت و از بنی در دست صلوات
علیهما السلام که فرموده است که از آن خبر خواهد داد و فرموده از آن خبر خواهد داد و فرموده از آن خبر
خود فرموده از آن بنی سپید نمیدانم و فرموده از آن بنی سپید نمیدانم و فرموده از آن بنی
قیه فرموده از آن بنی سپید نمیدانم و فرموده از آن بنی سپید نمیدانم و فرموده از آن بنی
صادق است بنی فرموده از آن خبر خواهد داد و فرموده از آن خبر خواهد داد و فرموده از آن خبر
از راه گفت که آنرا که کتب و واقع نیست حضرت و حضرت قیه فرموده از آن خبر خواهد داد

چرا اندازد که بگوید افسه که این امام و فاسق که حضرت نماز ظهر را اعاده کردند و ایضا
بر نماز او کرم و از حضرت و خیرت و احسان و تقوی و عبادت و عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
سبک و بعضی چهار رکعت و آنکه لازم است قراءت و صورت امکانت و با عدم
امکان جایز است گفتار و استقامت امام سید کون چنانکه در اخبار و بیاد
و از دست است و آنکه الله رب العالمین و الطوبی علی الشرف

الموسلین و علی الله علی خلیفه محمد و آله و اصحاب
احمیان محمد بن احمد الراحمین له

۵۵۵۵۵۵۵۵

۵

و کتاب فقیر ضعیف کاظم مسکن دار کاظم خیر شریف

فرونگذارند و در مطهر احباب بدعای خیر بکارند از دست حق تعالی

لنا و لکم بالخیر و الحسنة و وقفنا لایح و برضه و احتیاج فی طلال

حیات و لایبنا فی المرفیق و تحت لواء سید المرسلین و صلوا

و سلامه علی خانم التبتین محمد و آله اجمعین

سید محمد علی احمد و سید محمد علی

تعبیه فرموده اند بگویند که شغل اوقات فراغت خود را در حلال کتب که بگویند تعبیه فرموده باشند
مسئولان خود را از حضرت سید که حضرت خود سوگند و فرموده اند و در کتاب حضرت
امیرالمومنین صلوات الله علیه نوشته است که هرگاه ایشان نماز جمعه را در وقت چهار رکعت
با ایشان نماز کند بگویند تعبیه فرموده باشند و در آن کتب که امیرالمومنین حضرت تعبیه کرده
از قرائت ابیجاغت جایز نیست تا آنکه چنین شد که حدیث حضرت سید و سید محمد بن
عزیز بود که حق سبحانه و تعالی در کتاب است که آنچه بن فرموده بود که برادر
نفل کرم و در آن کتب که حضرت با فاسق و شیخ خلافتنا فیما بین کوه بی حضرت
فرموده اند که در کتاب حضرت امیرالمومنین مس نوشته است که هرگاه ایشان نماز جمعه را
دو وقت چهار رکعت با ایشان دو رکعت نماز کن و در آنجا دو رکعت و یک رکعت که چهار رکعت
بجا آورده باشد عرض نمودم که پس چهار رکعت ظهر را از جمعه خود کرده باشند و آنکه با او
کرده باشند و آنکه با او کرده باشند حضرت فرموده اند که بگویند برضه و احتیاج فی طلال
شدیم و ظاهر شد که آنحضرت تعبیه فرموده بود و آنکه با او کرده باشد و آنکه با او کرده
بود و حضرت تعبیه فرموده اند و در آن کتب که حضرت سید و سید محمد بن
عزیز و ابی کرده اند از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه که آنحضرت بعد از
نماز جمعه چهار رکعت نماز کردند که در دو رکعت آن سلام ندانند که نافله جمعه باشند
اینجا چنان است که آنحضرت کردند حضرت فرموده اند که ای در آن حضرت امیر
فایسته که او یک رکعت و چهار رکعت نماز کردند و چون سلام داد و اذان شد حضرت بر حاشیه
و چهار رکعت ظهر را بجا آوردند پس آنحضرت که در پیوسته آنحضرت بود که کتاب ابی الحسن
چهار رکعت نماز کردی که در میان آن سلام نداری آنچه نماز است حضرت فرموده
که این چهار رکعت که شبها است و حضرت خاموش شدند و بعد از آنکه تعبیه فرموده
که حضرت چه فرموده اند و عرض حضرت این بود که این چهار رکعت مردمان را شبها

ظ

محمد بن احمد



jabir.abbas@yahoo.com

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

<http://fb.com/ranajabirabbas>

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

<http://fb.com/ranajabirabbas>